

مسائل بین المللی

مجله تئوری و اطلاعاتی

(۸۷)

۲

شماره

خرداد - تیر سال ۱۳۵۶

www.iran-archive.com

فهرست مقالات این شماره :

نویسندگان مقاله ها	موضوع	صفحه
-	اطلاعه درباره کنفرانس نمایندگان احزاب کمونیست و کشاورزی	۳-۵
-	اصطی جایزه شورای جهانی صلح به مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم "	۶
ایرج اسکندری	پندارها مثل روبرویم پوزیانی در کشورهای در حال رشد	۷-۱۶
حمید صفری	افغانستان راه پیشرفت خود را برمیگزیند	۱۷-۲۲
ساراد انیشرا صادل جیبا	مبارداری ملل را پنجم خود دیدیم (شصتین سال کشورشورازها)	۲۲-۴۱
آیات دانسکو	انترناسیونالیسم پرولتری رویشد انقلابی در افریقا	۴۲-۴۶
-	چرا با کمونیست ها همسوم	۴۷-۵۰
یکسراهمیم	شرط لازم برای پیشرفت ترقی	۵۱-۵۶
-	نهم کا هش تشنج بر فراز آسیا (صاحب مطبوعات ریچال اجتماعی سنگلادش هندوستان ، اندونزی ، ایران ، لاوس و سیلانگکا)	۵۷-۶۱

اطلاعیه

درباره کنفرانس نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری

ورقه بحث و بررسی کار مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم "

از ۲۲ تا ۲۹ آوریل سال ۱۹۷۷ کنفرانس نمایندگان ۷۵ حزب کمونیست و کارگری برای بحث بررسی فعالیت مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " در براد تشکیل شد . در این کنفرانس نمایندگان این احزاب شرکت داشته :

حزب کمونیست اتحاد شوروی ، حزب کمونیست اتریش ، حزب کمونیست آروانتین ، حزب کمونیست اردن ، حزب کمونیست آلمانیا ، حزب کمونیست اسرائیل ، حزب کمونیست افریقای جنوبی ، حزب کمونیست اکوادور ، حزب آوانگارد سوسیالیستی الجزیره ، حزب سوسیالیست متحد آلمان ، حزب کمونیست آلمان ، حزب کمونیست اندونزی ، حزب کمونیست اروپا گوله ، حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا ، حزب کمونیست ایتالیا ، حزب نوده ایران ، حزب کمونیست ایرلند ، حزب کمونیست برزیل ، حزب سوسیالیست متحد برلین غربی ، حزب کمونیست بریتانیا ، حزب کمونیست بلژیک ، حزب کمونیست بلغارستان ، حزب کمونیست بلغارستان ، حزب کمونیست پاراگوئه ، حزب کمونیست پرتغال ، حزب کمونیست پرو ، حزب کمونیست پورتو ریکو ، حزب کمونیست ترکیه ، حزب کمونیست تونس ، حزب کمونیست چکوسلواکی ، حزب کمونیست دانمارک ، حزب کمونیست نپال ، حزب کمونیست رومانی ، حزب کمونیست ژاپن ، حزب کمونیست میانمار ، حزب کمونیست سالوادور ، حزب کمونیست سریلانکا ، حزب استیقلال افریقای سنگال ، حزب کمونیست سوئد ، حزب کارسویس ، حزب کمونیست سوئدان ، حزب کمونیست سوئیس ، حزب کمونیست شیلی ، حزب کمونیست عراق ، حزب کمونیست فرانسه ، حزب کمونیست فنلاند ، حزب کمونیست فیلیپین ، حزب ترقی زیمبابوئه ، حزب کمونیست کانادا ، حزب آوانگارد خلق کوبا ، حزب کمونیست کوبا ، حزب کمونیست کوبا ، حزب کارگزاران ، حزب کمونیست گواتمالا ، حزب ترقی خواد کوبا ، حزب انقلابی خلق لاوس ، حزب کمونیست لبنان ، حزب کمونیست لیبی ، حزب کمونیست لوکزامبورگ ، حزب کمونیست کارگرمحد لیبستان ، حزب کمونیست مارتینیک ، حزب کمونیست مالت ، حزب کارگری سوسیالیستی مجارستان ، حزب ترقی سوسیالیسم مراکش ، حزب انقلابی خلق مغولستان ، حزب کمونیست گریکه ، حزب کمونیست بنما ، حزب سوسیالیست نیکاراگوئه ، حزب سوسیالیست متحد نیوزیلاند ، حزب کمونیست ونزوئلا ، حزب کمونیست هند وای ، حزب کمونیست هندوستان ، حزب کمونیست یونان و همچنین حزب و بنگ که نامخواهین نامند : یان زینگنبارش خود را میگوید .

گزارش هیئت مدیره و شورای هیئت مدیره برای بررسی و مذاکره در اختیار شرکت کنندگان در کنفرانس گذاشته شد . در این گزارشها مسائل گسسته و روابط حقوقی کنفرانس به پیشین معین کرده بود انجام داده ، یعنی مسائل مربوط به کامیابهای سوسیالیسم جهانی ، جنبش کارگری

و آزاد پیشگی و تجاری که احزاب برادر رکنگروهی مختلف جهان اند ریخته اند بطرزجسوسی
 مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است .
 هیئت ها و نهادهای کمی حاضری در جلسه بطورفعال در بحث اکرانی که با صراحت با روح سازندگی
 در محیطی برادرانه انجام گرفت، شرکت کردند . آنها ارزیابی ها و توضیحاتی خود را با توجه
 به ارتقا " یعنی آرایش کار جلسه فرمول بندی کردند .
 نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری به هیئت مد یوه و شورای هیئت تحریریه توصیه کردند که
 ارزیابیها و توصیههایی را که در گزارش شده با توجه باس کارآیند مفید قرار دهند . آنها اظهار
 امیدواری کردند که گفتگو بین المللی " مسائل صلح و سوسیالیسم " با روح برابری حقوق ، همکاری
 و احترام به استقلال هر حزب و سیاست آن کار خود را ادامه بدهد . بدین ترتیب جلسه به بررسی
 و تجزیه و تحلیل مسائل و اشکال اندیشه ای صلح ، دموکراسی ، آزادی ملی و سوسیالیسم پیوسته
 برسد امیرالیم ، تحکیم همبستگی انترناسیونالیستی کمونیست ها و اتحادیه های شرفی بسیاری
 خواهرزادان .

اعطای جایزه شرفی جهانی صلح

در یکی از جلسات کنفرانس نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری یوه بحث بررسی کارجلسه
 " مسائل صلح و سوسیالیسم " اعطای د بیلم افتخاری شورای جهانی صلح به هیئت انجام شد .
 تصمیم برای اعطای این جایزه با تاقی آراء از طرف هیئت ریخته شورای جهانی صلح در یوه سال
 جاری گرفته شد . روش جاندراد برکن شورای جهانی صلح ضمن اعطای این جایزه از جمله چنین
 گفت :

" شرفی همانند همین جلسه ایست که شورای جهانی صلح بدان با بر صید شد . این جایزه
 به هیئت با طریقی برجسته ای که در امر صلح صلح و کاهش تنش بین المللی در مبارزه و راه صلح
 صلح ، آزادی ملی ، بر طرفه امیرالیم ، است شمار ، نیاستعمار ، برادرگانی ، راستنورد برادر
 اجتماعی زندگی نوین ، سعادتمند تمام خلقها و آرامت داده شده است . این جایزه به تقویت
 به هیئت شورای هیئت تحریریه و کلیت انترناسیونالیستی هیئت ، بلکه بحث و گفتگو که کنسار
 انتشار هیئت به تمام زبانهای کمونیست و انترناسیونالیست و رکنگروهی مختلف و در تمام قاره ها
 کمونیست ، تعلق دارد .

... بفرستد شورای جهانی صلح بطور مستقیم و مفید ، نمایندگان معتبر و صلاحیت دار احزاب
 کمونیست ، انقلابی ، دموکرات ، سوسیالیست ، سوسیال دموکرات ، دموکراسی ، لیبرال و
 رادیکال ، و نمایندگان پارلمان های ملی ، جنبش ها و هیئت ها و آزادی پیشگی در آن طریقت
 دارند . چنین دادنامه هر چه گسترده تر می باشد می کند ، زیرا با شور و شوق و ولایت باغوش بینسی
 و اعتماد اندیشه ها و اصولی را که بنیانگذاران آن طرح ریزی کرده اند ، تعلق می بخشد . امروز و
 برای همیشه پیروزه از فردی که ولایتگوری نخستین لیدر جنبت نظریان میا می کنیم . این بود که ایستاد
 به شورای جنبش جهانی صلح به انترناسیونالیسم آن را که ایفای ایجاب باغوش داشت ، باغوش
 کرد .

با اطمینان در بیلم افتخاری ما امید داریم کمنگاری میان هیئت شورای جهانی صلح سال سال
 پیروزه اسامی ، هنگامیکه نخستین سالروز انقلاب کمونیست ایستی اکثر بر کار می شود ، گسترش
 بیشتری یابد .
 سرد به هیئت که . ی . زاروف در پاسخ بگوش از هیئت ریخته شورای جهانی صلح با طریقی
 جایزه ای تشکر کرد و اطمینان بر داد که هیئت در آید همین طور فعال در راه صلح و امنیت خلقها
 شرفی اجتماعی و سوسیالیسم جایزه خواهد کرد .

یادآوری

احزاب کمونیست و کارگری زیر طریقی سالهای اخیر به هیئت تحریریه
 و شورای تحریریه هیئت " مسائل صلح و سوسیالیسم " اضافه شده اند :
 اروپا و بریتانیا ، ایرلند ، سوئد ، سوئیس ، گواتمالا ، لهستان
 سالوادور ، مکزیک ، کوبا ، موزامبیک

دیلم اقتخاری شورای جهانی صلح

به مجله « مسائل صلح و سوسیالیسم »

هیئت رئیسه شورای جهانی صلح در اجلاس منعقد که ۱۱-۲۰ فوریه سال جاری در صوفیه برگزار گردید تصمیم گرفت از مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" یاد بهیلم اقتخاری تبلیغ نماید. در تشریحی که بدین مناسبت از طرف دبیرکل شورای جهانی صلح، رامش جاندرابه ادرامجله مخایره شده، از مجله به کوشش ها چندین ساله و به گویا در راه انتشار اندیشه های نهادهای صلح استوار، و مرکزیتک هادلان به انشاره شده شده است. هیئت رئیسه شورای جهانی صلح ضمن تصویب این قرار تأیید کرد که این قرار بنشانه تصدیق بهم برجسته مجله در امر تحکیم گاهر تشنج بین الطلی، در مبارزه برای صلح و استقلال ملی و بر ضد امپریالیسم، استعمار و استعمار نو و برای گزاش و بهره گیری اجتماعی و زندگی نو سواد نند برای تمام خلقها تصویب میرسد. شورای هیئت رئیسه و هیئت مدیره مجله در تشریحی در پاسخ به شورای جهانی صلح بنام گروه چند ملیتی کارکنان مجله و خوانندگان آن تشکر و امتنان قلبی خود را بحدی شرطی از بهیلم اقتخاری و اولائی که هیئت رئیسه شورای جهانی صلح برای سهجمله در مبارزه در راه صلح و ترقی اجتماعی قائل شده و برای تکریم و تأکید نمود که مجله سعی تا از منبر برای انتشار هدفها و اندیشه های نیک و اولائی که الهام بخش خلقها را بیاورد و صلح استوار هادلان و دیگر تأیید است، بعمل خواهد آورد. (۱)

۱- این متن از شماره چهارم مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" ترجمه شده است.

پندار باطل رفورمیسم بورژوایی در کشور های در حال رشد

ابرح اسکندری

دیپلومات کیمه مرکزی حزب
توده ایران

چنانکه اندیم نخستین وظیفه هر انقلاب ضد استعماری و هر جنبش رهایی بخش ملی، ضرورتاً از شیوه های مبارزه و مراحل پیشرفت خلقهایی که در این مبارزات شرکت دارند، عبارتست از بدست آوردن استقلال و وابستگی و برگرد آوردن حاکمیت سیاسی از چنگ کشورهای امپریالیستی است. ولی بدست آوردن حاکمیت سیاسی بخودی خود ضمیمه کامل مفهوم استقلال ملی را در بر نمیگیرد. زیرا جنبه دیگر آن که کم اهمیت تر از اولی است، استقلال اقتصاد است که لازمه آن این است که تابع طبیعی و نیروهای تولیدی بطور کامل بسود همان خلق و نه بسود سرمایه خارجی مستورد استفاده قرار گیرند. کشورهای در حال رشد و قوت کامل دارند که این هر دو جنبه استقلال ملی (سیاسی و اقتصادی) بهم ارتباط ناگسستی دارند زیرا در دوران حاکمیت و سلطه سیاسی امپریالیسم بطور کلی از طریق نفوذ اقتصاد و استفاده از شیوه های نو استعماری اعمال میشود. حاکمیت سیاسی دولتی بخودی خود تابع از این نیست که بخش مهم و حیاتی قسمت احساسی تابع طبیعی و انسان در کشورهای آزاد شده، حتی امروزه با وجود پیچیدگیهای سیاسی نو استعماری از طرف امپریالیست ها قوت عدد و سپرد استشاری قرار گیرد. کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره سابق نیز هم برای کشورهای سرمایه داری پیشرفته، مقدم بر هر چیز، منبع مواد خام معدنی و نباتی از این قیمت اند. شصت تا ۸۰ درصد صادرات بسیاری از کشورهای آمریکا و آمریکا و این کانی لاتین را در پیامه و حتی گاهی فقط بدین منبع محصول تشکیل میدهد. پیشرفت اقتصادی آنها وابسته به صادرات سرمایه داری است و بطور اجمالاً تا به ترتیب قوانین و قوانین ها و آیینت که اکثری و عقب مانده اند را میسر میکنند نماید. مانع جدی بر سر راه آنست. برای روشن شدن مطلب کافی است به مصلحت تغییرات موجود در تناسب قیمت ها و تجارت میان کشورهای پیشرفته سرمایه داری و کشورهای در حال رشد که اغلب بزبان کشورهای باخبر است، اشاره کنیم (۱).

۱- قیمت هم از این کانی استثنائی نیست. طی سه سال اخیر بهای آن فقط ۱۰ درصد افزایش یافته است. در حالیکه بهای کالا های وارداتی کشورهای اینک ۲۰ درصد بالا رفته است و این بدان معنی است که "قدرت خرید" تقی کسه بخوش میسر شد خدا اول در پیام کانی یافته است.

بهین‌طبت است که فاصله عظیم میان سطح بهرشت اقتصادی کشورهای جوان و کشورهای سرمایه‌داری دمام و دجال افراشته است. هرگاه کتابت درآمد توسط جبهه اهل‌الی در این دو گروه کشورهای رسال ۱۹۵۲ به نسبت یک به هشت بود در سال ۱۹۷۳ این فاصله ۱۶ برابر شد. تقریباً ۱۵ درصد معمول بود و در سال ۱۸ درصد بازرگانی خارجی جهان سرمایه‌داری به مجموع کشورهای دجال شد مخلوق دارد. بدین آتیابه سرمایه‌داری غرب بطور مداوم افزایش می‌یابد و هم اکنون به ۱۶۰ میلیارد دلار می‌رسد و کمترین بازرگانی خارجی آنها (باستانای کشورهای صادرکننده نفت) که به نژاد است در ۱۹۷۵ یعنی ۵۱ میلیارد دلار بود. انحصار های امپریالیستی چندطبی از کشورهای دجال رشد مبالغه‌آمیزی به جیب می‌زنند، فلسط و رسالهای ۱۹۷۲ - ۱۹۷۵ سود خالص آنها از سرمایه‌گذاری در این کشورها به ۲۳ میلیارد دلار بالغ گردید.

در آندهای استعمار امپریالیستی در زمینه احتیاجی بهرشت و شکست انگیزتر است. طبق آمار بانک بین‌المللی توسعه عمران و دجال حاضر بهتراز ۸۰ میلیون نفر در آسیا، آفریقا و آمریکا لاتین در نقاط بصر می‌زیوند. بموجب ارزیابی‌های عمومی بین‌المللی کار در سال ۱۹۷۵، تعداد افراد بیکار و آتیابه بیکار از ۲۸۰ میلیون نفر گذشت، و این رقم تقریباً ۳۰ درصد اهل‌الی را که قادر بیکار کردن هستند، در بر می‌گیرد.

مارکسیست‌ها معتقدند که دست یافتن به هدف فبائی اصلی استقلال اقتصادی بدون درگیری‌های زرفی که در کشورهای عقبه و از سرمایه‌داری ترفی نیروهای تولیدی برداشته و زمینه را برای وابستگی همجانبانه اقتصادی همواره سازد، غیرقابل تصورات است. زیرا فقط بدینوسیله می‌توان هرچه سریع‌تر فاصله میان کشورهای دجال و کشورهای صنعتی محاصره‌زبان برداشت. تحلیلی این قبیل تغییرات از یکسوا و اکثر امپریالیسم و آرسوی و دیگر باقیمت نیروهای محافظه‌کار در داخل کشورهای درگیر. ظاهر تناسب میان آنها از آن فرها و اجتماعی که برای رسیدن به بهرشت اجتماعی - اقتصادی و سیاسی واقعی می‌گوشند، تعیین‌کننده نتیجه‌ساز برای انتخاب راه بهرشت کشور یعنی راه سرمایه‌داری چهاره سوسیالیستی است. اگرچه این مبارزه بین‌سوا و بازرگانی‌ها جوان هنوز بر واحیل اولیه است، بر تعدد از کشورهای که راه سوسیالیستی را برگزیده اند مرتباً افزوده می‌گردد. امپریالیسم که در حفظ عقب ماندگی اجتماعی - اقتصادی و بی‌بسیجی کشورهای کارزاری و استقلال سیاسی بدست آوردند، در پیج است با نواج و مسائل با این گرایش مخالفت می‌کند، و این نیز برهه ای را قوت می‌دهد است.

کشورهای امپریالیستی و در شرایط بین‌المللی کنونی کتراز گذشته آنگاه درآمد برای حفظ کشور های دجال رشد در دوره نفوذ خود بطور آشکارا بهرشت می‌نویسند. از این بابت که موزارت شیوه های نوآیندی برای امداد نفوذ آنها بطور گسترده ای نظریات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ارتجاعی "ضاد می‌گردد" که "احسان بی‌بزرگاری" سیستم سرمایه‌داری و امکان رشد بهرشت، "مزایای" داد و ستد آزاد و "جامعه صحرایی" را که هر چه درآمد می‌توانند، تمام این اقدامات بپسرها باقی‌مانده شد کمونیستی شدید، اضاغه در پی موضوع اقتصاد و اجتماعی کشورهای سوسیالیستی و قدیم بدین طریق آتیابهات ضد شعوری و تضییع سرمایه‌ها بهیض و تنگنا، جنس بین‌المللی کارگری و جنبش آزادی بخش ترس‌فرازا است.

در جهان و مسائل با نژاد فیلوژنیک که از آن بهرشت جلوگیری از اینکه کشورهای دجال رشد را در دست آزادی ملی و بزرگ‌ترنده استفاد می‌نورند، به نظر راه رفویستی جای خاصی داده شده است.

اگرچه رفویسم جریان ایدئولوژیک است که بی‌وزاری در جنبش کارگری کشورهای سرمایه‌داری مدام بهرشت بین‌المللی‌ها را در میان از زمین انقلابی و "اشتی" با سرمایه‌داری در داخل کرده است، حالاً امپریالیسم از آن بهرشت‌ناشیک و زنگنه‌های دجال رشد هم‌گانه جنبش کارگری هنوز جوان است و تا آنکه بدین می‌آید، استفاد نمی‌کند. در این کشورهای طبقه اصلی اندیشه‌های رفویسم جلوگیری از رشد فعالیت پایه کارگری با حقوق ساختن آن نیست. اگرچه این هدف را نیز از نظر زمینه‌آزندی و طبقه اصلی اندیشه رفویسم در این کشورهای و افشایش جنبش‌های فبائی که به اندوختن از زمین انقلابی - ضد امپریالیستی و انگیزدن آن براه "هنگاری" با امپریالیسم و دستگیری سرمایه‌داری است. البته این "سازگار شدن" و رفویسم با جنبش آزادی‌بخش ملی بدین معنای نیست، اولین اثر

هنا آغاز فرین فابری میان جریانیان رفویستی و انقلابی در کشورهای صنعتی و وابسته و راه‌مطرفان می‌گردد. از همین سخنرانی خود در وین کنگره انترناسیونال کمونیست در سال ۱۹۶۲ گفت: "این تفاوت در کشورهای عقب مانده و مستعمره این آغاز را توضیح کامل نمایان گردید، زیرا بهر-وزاری امپریالیستی با تمام نیرو می‌کوشد جنبش رفویستی را میان خلقهای مستعده و نوجوی دهد" (۱) معلوم است که هر شکستی سیستم استعمار صاف انقلابی امپریالیستی را در جنبش کارگری در عقبه‌های انتشار اندیشه‌های رفویستی در کشورهای آزاد شد تضییعرات لازم را بدهد. هرگاه در گذر شده شیوه اساس امپریالیسم در اضاغه رفویسم میان خلقهای مستعده عبارت از استفاد و مستقیم از کمونیست استعمار و سازمان‌های وابسته بدان بود، حالاً با نواج است و سیله "واضعها" اقدام کند. این واضعها مشتق اند.

آنگاه که در نتیجه و حالت کم‌بیش مستقیم و پشتیبانی امپریالیسم دولتها ی ضد دموکراتیک و ضد ملی بر سر کار اند، اغلب خود دستگاه دولت ناشنظریات رفویستی است و چنین روشی از یکسوا بر حاکمات ترین تقسیمات را بطریقه عناصر انقلابی بکار می‌برد تا روشی دیگری بر بخش اصلاحات رفویسم‌های اقتصادی و اجتماعی دست می‌یابد که راه را برای برقراری شرایط تولیدی سرمایه‌داری همواره می‌سازد؛ ضحافل حاکمه با اضاغه و تحمیل نظریه ارتجاعی ابتدا میان طبقات استعمارگر و استعمارشونده و با استفاده از تبلیغات شد بدعوا می‌نویسند که هدف از آن ایجاد بند ارتباطی افکار دست یافتن به استقلال اقتصاد بگردد رفویسم‌های بی‌وزاری و بهرشت صنایع و زیربنای معنوی، و خود خود هم آرزوی با سرمایه‌انحصاری خارجی است. می‌گوشند "رجحان بی‌وزاری" راه سرمایه‌داری را در مقابل بهرشت رفویسمی خوش‌استیسی به اشیاء رسانند.

آنگاه که در دستهای ملی در مواقع که پیش از کارخانه و با بیکار نیست به امپریالیسم فرار دارند، امکان تقسیمات برای بران تحمیل نظریات رفویسمی است. در جنبش آزادی‌بخش ملی وجود دارد. نیاز به یکدیگرند از آنکه امپریالیسم در این قبیل کشورهای از نظر جنبش طبیعی خود یعنی مرتجع‌ترین مستعمرهای استعلاء و سازمان‌های سیاسی مربوط به آنها احکامات استعلاء را می‌کند. آنگاه که از لحاظ بهرشت تاریخی، بهرشت تولید سرمایه‌داری بدین ترتیب در زمانه به با فبوریسم‌ها ی پیش از سرمایه‌داری کاخند و بد معنی ترفی و بهرشت بخشا می‌آید و انجام اصلاحات و تسخیر دیکار گرفتن شرایط تولیدی سرمایه‌داری به اندک ترفی در اقتصاد برخی از کشورهای دجال رشد منسوخ گردید بدین است. معنی از جهان سیاسی و آید دیلوگ‌ها این برهه با برهه به اصطلاح ترفی توضیح می‌کند. آنها از جنبش می‌گویند که میان میان رفویسم‌ها ی فرین‌نورد هم در آنگاه رفویسم‌های کلا در آن با تلا در ابرام صورت‌نگرنده وجه تشابهی پیدا کرد. ولی در ضمن بهنگات نیم زیر نظر ما چنین می‌گردد.

۱ - لنین، مجموعه کامل آثار (بیژان روس)، جلد ۲۱، ص ۲۲۰.

اول اینکه "انقلاب ایران" خواه در ایران زیاد و هر کشور در حال رشد و بگروا به هم پیوسته باقیان
 با رقوم هائی که بشود بررسی در قرن نوزدهم حلقی یافته مطالعه کردیم این دلیل ساده است که
 این رقوم ها در مرحله امپریالیستی پیشرفت سرمایه داری جهانی یعنی در مرحله سرمایه داری
 دولتی - انحصاری انجام می شود. نه در عصر ماقبل سرمایه داری یعنی زمانیکه انحصارها هنوز
 مانع در بنامیم "رقابت آزاد" یعنی پیشرفت صورت سیستم سرمایه داری نمیگردد بداند
 دوم اینکه در آسین یوزا و فریسمیتی که در شرایط بحران عمومی سرمایه داری انجام می شود
 فقط نتواند به پیشرفت اقتصادی گنوا بگردد بلکه در شرایط بحران میگزین میگردد و در بهترین حالت
 این قبول کشورها را تا حد کشورهای سرمایه داری تابع امپریالیسم بالا برود. تجربه شمال اخیر
 با توضیح کامل نشان میدهد. آنجا که پیشرفت بر پایه اصول سرمایه داری انجام یافته با دستگیری
 اقتصادی و بنابراین وابستگی سیاسی نتایج کاراته باطنی اولی حدان در این دولت ها به اقدامات
 نوابهتاری انحصارهای امپریالیستی شد بدتر هم شده است.

سوم اینکه هر چند چنین پیشرفتی در دوران معاصر یعنی دوران گذار سرمایه داری به
 سوسیالیسم بحواس جهانی امکان میدهد تا اندازه معینی از طب ماندگی کاسته شود. با وجود
 این عقیده را مدعا میسازیم با امکانها و در پرتو هائی که به علت وجودیت نیروی سیستم جهانی
 سوسیالیسم و پیشانی همزمانه و مترادف از کشورهای جوان در برابریهای آزاد شده کشور و
 پیشرو سایر قدرتی تاریخی بحسب نیست.

چهارم اینکه مسئله پیشرفت اقتصادی برپای کشورهای آسیا و آفریقا و امریکای لاتین در طایفه
 با سیستم های کمی پیشرفته دوران آسیا و آفریقا یافته شده طرح نیست. مطلب بدین قرار است که چنان واهس
 انتصاب شود که امکان میدهد در دوران نسبتاً کوتاهی بحسب ماندگی قرن از کشورهای پیشرفته
 صنعتی پایان دارد و شود تا حدی حاصلین انسانی که امپریالیسم اینها نقش درجه دومی در تاریخ
 بد آنها وارد کرده به جریان عمومی ترقی و پیشرفت جامعه بشری میبندند.

چنین راهی جرات از انجام تحول عمیق اجتماعی - اقتصادی با دورنمای رسیدن به عز
 های باستان سوسیالیسم و ایجاد جامعه ایست که در آن جایی برای مناسبات استشارگرانه
 وجود نداشته باشد. لازم چنین راهی از جمله افزایش نقش سازمان دهند و دولت فلسفی
 و موزاوتیک در روشتهای کنترال و بسط و تکامل جامعه و از جمله در استقرار بحسب دولتی نیروی
 اقتصادی است که برای پیوسته در باره و در آغاز دای طری بطور کلی اهمیت حیاتی دارد. فقط در
 چنین شرایطی نتایج نخستین مرحله موزاوتیک یعنی ملی (بدست آوردن حاکمیت سیاسی)
 نتواند بفرمینه استوار پیوسته و در مرحله دوم یعنی آزادی اقتصادی تبدیل شود. این مسئله اخیر
 بدین ترتیب در ماقبل طایفه تحکیم استقلال سیاسی است.

امپریالیست ها ضمن کوشش برای جلوگیری از پیکار کشورهای در حال رشد مستغری سرمایه
 لیستی را برپا میکنند. میگویند برخی از آنها را بجزیره و بهترین نشان دهنده "انجاز" راه رشد
 سرمایه داری که گویا قادر است خلقها را به شکوفائی اقتصادی و ترقی اجتماعی نائل گردانند
 جلوه دهند. تبلیغات امپریالیستی ایران را یکی از "درخشانترین نمونههای چنین تمیزهای"
 قلند اد میگویند. از این روشنی بررسی کوتاه نتایج تجربه پیشرفت ایران طی ۲۰ ساله اخیر بسیار
 آرزونه است.

رزم طرفدار امپریالیسمی که در نتیجه کودتای او در سال ۱۹۵۳ پدید آمد به طایفه در راه

گسترش سریع مناسبات سرمایه داری و طایفه انسانی گنجانده و مجموعه تدابیری را که برای احوال
 این کشور اتخاذ کرده "انقلاب سفید" یا "انقلاب شاه و مردم" نامیده. آمده طایفه بحسب ترقی
 اقتصادی در آن دوران سطح زندگی بسیار رفاه آمیز مردم و تحکیم استقلال ایران و "احیای
 عظمت و دین" آن و نظایر اینها را بر مردم داده و داد (۱).

در نتیجه با اصطلاح انقلاب جامعه ایران مناسبات چنان جنبش بزرگی انجام زده که بدان
 امکان زنده در طایفه بسیار کوتاهی نه فقط به عقب ماندگی خود پایان بخشد بلکه حتی مناسبات
 نظایر شاه طری (۱-۲) سال در راه "پنج کشور صنعتی عظیم جهان" درآید. ولی پس
 از گذشت ۲ سال مستغری کامل زین سرمایه داری ایران وضع اجتماعی - اقتصادی کشور
 کامل نظیره دیگری زانسان میدهد.

البته نمیتوان متکران شد که تعقیب پرشتاب مناسبات تولیدی سرمایه داری از راه تحقیر
 رقوم های موزاوتی و در مرحله اصلاحات ارضی و همچنین از طریق ساختن صنعتی کم پیش
 هدایت شده به اقتصاد نیمه فئودالی و از گذار آن تا حدی بحسب شده است. بطور مثال
 طی سالهای ۱۹۶۱-۱۹۶۳ (۱۹۴۳-۱۹۴۵) کل محصول سالانه کشور تا ۱۰۷ درصد افزایش یافته است. ولی
 این شاخص قابل توجه عدم معادالت بسیار زیاد در میزان رشد رشتهها به مختلف از نظر پیمان میکند.

اگر رشد سالانه تقریباً همان صنعتی طی دوران مذکور ۱۵ درصد بود، این رقم در رشته کشاورزی
 فقط ۲ درصد بوده است و افزایش کلی محصول سالانه طی تا حد زیادی بر پایه بالا رفتن سریع
 استخراج نفت و اصلاح بخش سویی اقتصاد یعنی بازگانی و خدمات انجام یافته است.
 اگر چه ساختار زکته عقب مانده اقتصاد ایران دستخوش تغییرات صنعتی هم شده است. مشکل
 بنحوان اساساً مسئله تغییراتی بنیادی در (برگال) اینهاست کرد. چهل و پنج درصد محصول
 سالانه طی در سالهای ۱۹۶۱-۱۹۶۳ (۱۹۴۳-۱۹۴۵) را تقریباً معادل کشاورزی و صنایع استخراجی (نفت و
 معادن) تشکیل میداد (۲) به صنایع تبدیلی کمتر از ۱۱ درصد و به بخش سویی که رشد
 بیش از حد آن بکن از ویژگیهای اقتصاد کشورهای پیشرو است (۳) درصد میرسد.

بخش بزرگی از محصولات صنایع تبدیلی کشور رشته های صنایع غذایی و بهداشتی فراهم
 میکند (تقریباً ۲۷ و ۲۶ درصد). اما صنایع سنگین مانند صنایع نفت، شیمیایی، ذوب آهن
 فلزسازی، ماشین سازی و طوره که حامل اساسی بحسب ترقی اقتصادی است. فقط نزدیک به
 نسبت درصد مجموع تولیدات صنعتی را تشکیل میدهد (۴). میزان تولید لازم برای تولید و هر چه
 بیشتر باید وارد کرد. بخش از یک چهارم سرمایه گذاری بدین صرف میرسد. و این خود گواهی
 ناقصی بر بی آمیزی و وابستگی کامل بحسب اقتصاد به بازار سرمایه داری است. مسئله
 بزرگی در بسیاری از رشتههای صنایع مانند فلزکاری، الکترونیک و غیره، هنوز هم تعداد بسیاری از
 بیست و پنج صنایع دستی وجود دارد که کار دستی در آنها باطل اساسی تولید است.

۱- در مجموع کند به ح. صفری. تبلیغات رژیم بورژوازیات "انقلاب سفید" مسائل بین المللی
 شماره ۵ سال ۱۳۵۰.
 ۲- نفت پختنهای تا پایان برنامه پنجم بحسبانه (سال ۱۹۶۸) باید ۴۸۷ درصد محصول
 سالانه داخلی طی را تشکیل دهد. بدین ترتیب بحسبانه تولید فلزاتی تولید تعدد به میگردد.
 ۳- بحسب استاد آبروشیم که بحسب اعظم از آبروده های موسساتی تولید می شود که بحسب بحسب
 ضروری و سایر کشورهای سوسیالیستی ساخته شده است.

۴- در این زمینه بحسبانه (سال ۱۹۶۸) باید ۴۸۷ درصد محصول
 سالانه داخلی طی را تشکیل دهد. بدین ترتیب بحسبانه تولید فلزاتی تولید تعدد به میگردد.
 ۳- بحسب استاد آبروشیم که بحسب اعظم از آبروده های موسساتی تولید می شود که بحسب بحسب
 ضروری و سایر کشورهای سوسیالیستی ساخته شده است.

طایفه بود و در چنانچه و نهادهای میان رشته‌های مختلف اقتصاد کشور توزیع سرمایه گذاری در صنایع ازیلیط جغرافیائی عهد چمدان را برقرار است که در نتیجه آن اندک تمرکز صنایع در مناطقی مانند تهران، اهواز، اصفهان، اهواز و تبریز متمرکز می‌شود. ولی مناطق وسیعی در شرق، جنوب شرق و جنوب ایران نظیر مناطق مرزی (کردستان، آذربایجان، ایران، خوزستان، غرب) سهم بسیاری از سرمایه‌گذاری می‌شوند و مانند گذشته با سرعت باجهزی بیشتر صنایع در طب تاریخی روستاهای ایران که پیش ازین از جاهای کشور در برگیرنده (۱۸) میلیون از ۲۴ میلیون شکه ایران) شده به می‌آید. سیاست دولت در جهت بسط و تکامل واحدهای اقتصادی سرمایه داری مکانیزه حلا روستاها را برقرار می‌دارد، سرمایه‌بزرگ کرده است و بخش از این سرمایه هم با سرمایه انحصاری خارجی شده و در هر چه گفته است. به این دلیل واحدهای اقتصادی (ساخت برخی از آنها پیش از ۱۰۰ هزار هکتار و سرمایه شان در حدود ۱۰ میلیون دلار است) بهترین اراضی را که اگر در گذشته و از هرگونه کشف کیمیاکی و جانی برخوردارند. در واحدهای دیگر کشاورزی همانند دوران پیش از اصلاحات ارضی سال ۱۹۶۱ بطور عمده از تکنیک ابتدائی استفاده می‌شود و کارآهن وسیله تولید عمده و اساس است. این میلیون واحد فردی اقتصاد روستا کسبی (که به از ۱۰ میلیون نفر در برگیرنده) پس از اصلاحات سیستم کشاورزی نیمه دولتی به دست تقدیر می‌رسد شده است. روستائیان سال‌ها پیش از کارگاهش محصولات زراعی، کاشتند با حجم محصولی که به دست می‌آورد و نتوان سطح زندگی خود را بهبود بخشید. ایران که همین چند روز پیش خود از صادرکنندگان عمده کشاورزی بود اینک ناچار است میلیون‌ها تن گله، مقدار زیادی گوشت و لبنیات و حتی میوه‌ها را صادر کند.

بهر وقت اقتصاد و هر کشور بطور کلی وسیله درآمدی های صنایع نفت تا من می‌گردد. ولی از آنجا که فروش نفت حتی پس از قراردادی که در مارس سال ۱۹۷۳ با کسرسیوم بین المللی نفت با آمریکا رسیده حلا نیز تفاوت و کنترل سرمایه انحصاری خارجی است و این امر نه فقط به بهر طرف کشورهای دیگر به پیش می‌دهد، بلکه آنرا به "حسینیت" انحصاری نفتی وابسته ساخته است. چون ذخایر نفتی کشور و طرف به بهیشت سال آینده و رفت و رفته بهایان خواهد رسید، چنین سیاست عدم ملی‌سازی اجلی با خارج مردم ایران در تضاد است.

زیم کوشی ایران با احتیاط خود راه "یکی از صادرات زمین در استان" ایالات متحده آمریکا و نظام سیستم سرمایه داری جهانی است. این رژیم ایران را به بلوک‌های تجاری کار آمریکا با نام طبق ساخت و صنایع جنگشی را پسند سیاست تجاری کارانه محافظت سرمایه‌های و انحصارهای تولید کننده اسلحه مصرف هزینه‌های نظامی می‌شوند (۱). این رژیم برای کشف سرمایه‌های پر اشتها کشورهای بزرگ سرمایه داری بخش بزرگی از راه‌های ات‌فروشنده را "تزیینک به" (میلیاردها دلار) از روسیه و دان‌زیوم، ارجله به با نهاییین المللی ترمیم می‌شود و صندوق بین المللی پول و خرید اوراق بهای - دارایی‌های المللی ترمیم می‌شود و خرید سهام و صنایع در بازارهای غرب و غیره به آنها بازرگانی اند. این سیاست عدم سرمایه‌بندی در زیاد و "سپهره‌نگی" اقتصاد ایران را به اقتصاد جبهه‌ساز سرمایه داری تشدید کرد و موجب سرازیر شدن سرمایه‌های انحصاری خارجی به ایران گردید. زیرا امکان بدست آوردن دلار و نفتی Petrodollar "تجاری انحصاری خارجی را به ایران جلب می‌کند. این سرمایه‌ها که پس از سال ۱۹۶۳ چند برابر شده است خود به‌جایانی و با سرمایه‌های خصوصی ویژه با سرمایه دولتی ایران بخشام بخشهای اقتصاد ایران (صنایع نفت، برق و کسب و

۱ - ملی‌سازی اعیان در حدود ۱۰ میلیارد دلار مصرف خرید اسلحه رسیده است.

دوین‌ن و صنایع تولید انرژی و استخراج و ماشین سازی، کشاورزی، بانکها، امور ساختمان و ویژگی‌های ساختمانها و غیره) روی آورده‌اند. یکی از اهداف این "نقد متلاطم" سرمایه داخلی و خارجی تشدید گرایشها و تمماری در سطح بین‌المللی بزرگ صنایع، بازرگانی و مالی ایران است. شرکتی بزرگی بوجود می‌آیند (دولتی، خصوصی، مختلط) که بطور کلی همانند اداره معینی برخی کالی‌ا تولید تسلط پیدا می‌کند و مانند "ایران باسینال" در صنایع اتومبیل سازی "شهریار" در صنایع نساجی و تهیه نایلون و پلاستیکها، ایلاندها، انرژی جرمه بیشتر سرمایه صنعتی و بانک در ایران است. بانکهای خاندان بانک توسعه صنایع و معادن ایران با سرمایه ۷ میلیارد ریال (تزیینک به ۰۰ میلیون دلار)، بانک شهریار (سرمایه ۵ میلیارد ریال) و غیره حلا تحت نظارت صاحبان صنایع بزرگ و شرکتیهای انحصاری قرار دارند.

رژیم سلطنتی با ایجاد ساختمان‌های اینفراسترکچر و دیگر اداری آنها به بخش خصوصی بظهور رایگان و با ایجاد شرایط مناسب، با پرداخت امتیاز و فرجه و انواع امتیازهای مالی به موسسات خصوصی، با ایجاد آمار کردن کارهای ملی و تکنیسین و کارگران تخصصی برای آنها با در هم آمیختن جرمه بیشتر سرمایه‌های دولتی با سرمایه‌های انحصاری ایرانی و خارجی تلاش دارد، به ادبش سرمایه داری دولتی - انحصاری را در ایران ترویج کند. هر قدر مردم این پدیده به ساخت شرایط بانکداری و بانک و در تضاد نیاید با اینجسه نتیجه اجتناب ناپذیر می‌شود آن در راه سرمایه داری در مرحله کوشی، یعنی در مرحله ایجاد سیستم سرمایه داری است.

سیاست اتحاد رژیم سلطنتی با ایجاد قشرهایی انحصاری و رجاسه در طبقه و بزرگان باعث به تدریج شرایط نیست خودهای و تکنیک می‌گردد. اصلاحات ارضی سرمایه داری بروسه تغییر شدن و به برپا آوردن ایدل شدن قشرهای انبوه و همانان را تشریح کرد و موجب مهاجرت دسته جمعی اهالی روستاها به شهرهای بزرگ گردید. ولی سیاست صنعتی قادر به جذب این مقدار نیروی کارگری نیست و این امر می‌تواند این خودهای بزرگ بکارگران ضحکوردید.

انقلاب شاهنشاهی بطوریکه از طریق این جنبشی را تشدید کرده است به این موضوع حتی بزرگوارش‌های رسمی هم اعتراض می‌شود. اگر چه سیاست دولتی ایران با راه‌ها اعلام داشته اند که در نظر دارند "سیاست عادلانه درآمدها" را برحسب اجراء آرینند، عملی ای را تصدیق می‌کند که کاملاً در تضاد تقابل این دعوی قرار دارد.

موجب آثار رسمی درآمد سرانه سالانه افزایش در ایران گویا به ۱۹۶۱ دلار بالغ می‌گردد. ولی به این رقم با با با به به نظر انتقاد و نگرست. این آرام از طریق "صلحیاتی" که فایده‌ای برای ایرانیان وضع و افسی درآمد ندارد به دست می‌آید که از نتیجه است تنظیم مبلغ مشخصی به دست فیروشن (تزیینک به ۷) میلیارد دلار) به‌خند ادکل جمعیت کشورها با نظارت درآمد ترنندت ساکن شهران و بزرگشهرها بزرگ با درآمد میلیون‌ها تن در همان بکارگر. اما در واقع این گروه آن بخش از درآمد بزرگ از فروش نفت به دست می‌آید و صرف برخی صنایع تولید ملی می‌شود و دیگر بخش‌هایی از آن به دست بخش دولتی می‌رود. این گروه می‌تواند درآمد کارگران را هم از دست‌مصرف می‌آید و نفعی ایران به حساب سرانه اهالی فقط ۷۶۰ دلار خواهد بود. البته انقلاب شاهنشاهی به رسیدن برخی افراد و بخشی از اهالی شام شده که در از آنها با شایسته‌ای هستند و این جنبشی رژیم نیز می‌شود (مانند تجار عمده و صاحبان صنایع بزرگ، کارمندان عالی‌رتبه کمپوزی و لشکری) و تا اندازه معینی هم به بهر طرف قشرهای متوسط کمک‌کرد و ولی به اکتفا عظیم اهالی می‌تواند.

وضع فلکات با روشهای مرد بهیچترت تا موزین نشده و باید به اقتصاد ایران چنانکه مداخل رسمی میکنند و آنچه سازند و معلول دشواریهای موفقی و گذرای شرایط کشور که "بخلوریت" یعنی ارزده اقتصادی و نیکبختی نامی میگردد " نیست . در واقع دشواریهای اقتصادی و اجتماعی کشورهای ایران بطوریکه زایدتر از سایر کشورهای جهان است و اقتصادی و کشاورزی و صنعتی بسیار مستعد که رژیم ارتجاعی ایران دنبال میکند . " مجزوه ایران " نه فقط کشور را از وابستگی اقتصادی از راههای نخبه‌فیلد بلکه ممکن این وابستگی را به تمام شعبین زندگی جامعه سرایت داد . اقتصاد ایران امروز بیش از گذشته زیان و بگری و وابسته به بازار سرمایه با داری است و از این جهت فقط از لحاظ وسائل و لوازم صنعتی و مواد خام ، بلکه از لحاظ مواد پیراکی خود نیاز اولیه که فاکت و واقعیت بنسبایه ای در تاریخ کشاورزی ، به دستچونید سال به یکدیگر آبیاری و تسخیم و زراعت رشد سرمایه داری با وجود وسائل عظیم مادی ، نشان میدهد که کشاورزی که اینجک به با صنایع حیاتی مردم ایران در تعدادات جانتان منفی بسیار آورده است .

کشور سرمایه داری بنابه سرعت خود باید نهی اصلی جنبش آزاد بخش طن در تعداد است . زیرا کشورهای در حال رشد را بطور اجتناب ناپذیر روند سیستم اقتصادی از این سیستم نگاه میدارد . این هم بهیچین حفظ موانع عدم برسر آمدن ارتقای اجتماعی و اقتصادی و وابستگی به کشورهای عدده اقتصادی به بازار سرمایه داری و صنایع راههای غیرالهیستی است .

اما علاوه بر این " کیم پیوندی " کشورهای در حال رشد به سیستم سرمایه داری انحصاری تا گری به تعداد اساسی میان خلافتها به استقلال و بسا مستقلا صنعتی و سرمایه‌ای برخوردار میگردد . غلبه آسیا ، آفریقا و آمریکا و لاتین هرچه بیشترند یعنی تنگ تنی میزند گنگزادی اقتصادی و در شرایط پیشتر سرمایه داری زاهی توان فرما و غیر قابل اطمینان و سرانجام در زمان احزاب آمریکاییستی است .

در واقع هم اگرچه " فکراون در راه " کمک برای پیشرفت " همکاری اقتصادی بین المللی " بر آردن اعتبار بود چه ای که بخواند در رتبه‌های کشورهای تولید کننده مواد خام را حفظ کند . و سایر اینها زیاد بر زبان می‌آیند ، فاکتورها و تخفیف و کثرت به مردم نشان میدهد که کشورهای آمریکاییستی به هیچوجه مانند فکتورهای کشورهای ترقی اجتماعی - اقتصادی آنها نیستند و می‌گویند بهیچترت شده اختیارات سابق خود را حفظ کنند . " یک دلیل دیگر از اینهاست این نظریاتی مخالف با این دید واقع گشته کفران برای همکاری اقتصادی بین المللی است که در سال ۱۹۷۵ در ناپوش با هر یک کشته‌نشدند ۱۹ کشور در حال رشد و کشورهای بزرگ سرمایه داری به منظور بهیچترت بین " نخبه " شکل مناسبی است اقتصادی میان این دو گروه کشورهای تشکیل شد .

بدین معنایست که این نخبه‌ها را در آورند که بسا مستقلا صنعتی و سرمایه‌ای آمریکاییستی بنظر رسیده است و از این جهت در انقلابی جهان کینه بنظر خود خلق ما سخن خیران جبروت تاریخ هرچه آشکارتر و جنبه بین المللی بخود میگرد . کشورهای آمریکاییستی طریقه تضاد های موجود میان آنها که روز بروز هم برودت آنها افزوده میگردد میکنند سلطه خویش را نه فقط در کشورهای که موق شده اند آنها را بلکه برودت های تجاوزکارانه می‌کنند . بلکه در کشورهای غیرتوسعه‌یافته هم (بطوریکه بک " بازار مشترک " آنها) سلطه کرده و کشورهاست جسمی آنرا تسخیر کنند . در همین حال همرا با توسعه اقتصادی و وابستگی از دستخوردن و تسخیم و در حتهای عدم موزکاسی و صد زیر انواع فاشیسم ، استفاده از صنایع وسائل صنایع و تقارن سیستم و سرمایه داری ، به دست آورده ، شانتا و اعمال زور نیز به نفع بعضی جاهای ناپذیر استراتژی جهانی آمریکاییسم نسبت به کشورهای در حال رشد ، بهمان می‌آید .

امریکاییسم ایالات متحده آمریکا بزرگترین " صای زنگنه " رژیم های دیکتاتوری نوع فاشیستی است . در زمان بروز جنبه و میانه ، در جنوب شرقی آسیا ، در آفریقا و کشورهای آمریکایی

لاتین ، یعنی هر جا که نفوذ آمریکا زیاد است ، دیکتاتوری های ارتجاعی را در رأس حاکمیت می‌نهند . بطور مثال در ونیکای لاتین که سلطه انحصارهای آمریکایی بهیچترت از هر گاه و بگرا حسان می‌گردان ، هشتاد درصد اهالی امروز در شرایط زنده‌های دیکتاتوری سر می‌زنند که برخی از آنها مانند رژیم شلی فاشیستی آشکار است .

طبق آرزوهای " فاکتور بزرگیکه که در کار است " که در ماه مه سال ۱۹۷۶ انتشار یافته شمشک گردید ، دولت ایالات متحده آمریکا از سال ۱۹۴۵ حد اقل در ۲۱ مورد در امور داخلی کشورهای در حال رشد در عملکرد استعمارگران این کشورها را با قدرت نظامی خود تهدید کرده و با اینکه بطور مستقیم و آشکارا با آنها برخورد کرده است .

کشور چندین پیشر و انگشتن با توافق با کشورهای غیر برای استفاده از شیوه تهدید بسو ارهاب بر علیه کشورهای اولیه بقدری روشن و آشکار بود که حتی طبقات بهیچترت و طبقه متوسط آنها در پنهان سازند . چنانکه سید انیم هدف آمریکا از این اقدام ایجاد بحران در سازمان کشورهای صادر کننده نفت بود تا به توسعه موق به انقاص قرار از فشارهای " طلای سیاه " گردد . بر سر مسئله افزایش بهای نفت کشورهای نفتکشهای اولیه در کشورها و دهه (در سال ۱۹۷۶) به توافق رسیده بودند .

صاف آمریکاییستی برای اخلال در کوششهای کشورهای آسیا ، آفریقا و آمریکا لاتین در جهت استحکام حق حاکمیت خود و تامین واقعی حق بهره برداری آزاد از ثروتها و طبیعی خویش بگرا می‌زنند برای جلوگیری از برقراری همکاری میان این کشورهای سرمایه بر علیه طبقات فاکتورهای انحصاری چند ملیتی تمام اقدامات مستقیم را می‌زنند . در همین حال وظایف آزادی اقتصادی و ضرورت سرمایه بگرا فاشیستی ناپذیر بر رویه از اینهم به موجب سرمایه انحصاری خارجی را مقدم بر هر اقدام دیگری الزام می‌کند .

طبیعی است که چنین مآزری نمیتواند با مهارت شدیدی سیاسی بر علیه آمریکاییسم و ارتجاع در آن واحد هم فشار سیاسی و هم فشار بین المللی تحمیل نگردد . در ضمن گاهی از ضرورت برقراری نظم و ترتیب سیاسی نهی بین المللی سخن بهمان می‌آیند . ولی بهفهمه ما مسئله برابری حقوق کامل در مسائل بین المللی نوعی توافق سیاسی میان دولت‌ها که " از بالا " طرح شده باشد نیست . این مسئله است که مقدم بر هر چیز از اینهم جنبه اجتماعی است و آنچه بنده خود وابسته به وجود سیاسی و اجتماعی از طرف آمریکاییسم تسخیر مملکتها می‌گردد بر سر پیشرفت و تکامل طب مایه اند و نیز وجود خواهد داشت . مسئله برای نیروهای بهیچترت و در حال رشد اینطور مطرح است که باید زمینه این اشتراک و تسخیم را از میان برد و در جریان تحلیف بخشیدن به این خواست نهی‌یابد که روابط و تعاملات ، نه با حقوق برابری و نه بحال هر دو طرف کمترین آنها و کشورهای جامعه بهیچترت و سرمایه‌ایستی برقرار گردد و به آنکه کرد .

در واقع همه کشورهای عد آمریکاییستی ، بطور صریح تمهین می‌کنند معضین مآزری در راه دگر سازی مناسبات اقتصادی بین المللی بر پایه موزکاسی و عدالت است . این حقیقتی است که فراموش کردن آن با بر ضرورت همکارا و تسخیم مسئله در یکجا نمی‌گردد . کلا روشن است که کشورهای آسیا ، آفریقا و آمریکا و لاتین در این مآزری از ظاهر و خشنیانی جدی کشورهای سوسیالیستی برخوردارند . وقتی ما کوششهای گنگاهی بهیچترت و فاشیسم را آشکارا به پنهان و در برده برای تسخیم جهان " فقر " و " فشی " حمل می‌آید ، بهیچترت می‌بینیم که کشورهای سرمایه داری و سوسیالیستی را همدون تفاوت در کثورتی اغریوار می‌کنند ، نمیتوانیم نظر کنیم که چنین اقداماتی در حقیقت

بر طبقه منابع و مصالح طبیعی در حال رشد است و زیرماینرهای گوناگون شامل امپریالیستی را که منظور از آن به تشخیص استعمارناستعماری به صلح نماید تسهیل میکند .
 ولی مردم این کشورها هرچه روشن تر دانستند که رستاخیز واقعی ملی و ترقی اجتماعی همه جانبه نیازمند تعمیق ضمیمه انقلابی ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری مارکسواراد یعنی انسان و تحقیق تحولات بنیادی است که چشم انداز پیشروی بسوی سوسیالیسم را یکساند .



افغانستان راه پیشرفت خود را برمیگزیند

محمد صغری

مفروضات اجرائیه کمیته مرکزی

حزب توده ایران

طی سالهای اخیر رقابت آسایشی را تسخیر اجتماعی صورت گرفته است که گویا بر تقدیر بد خصلت فئودال امپریالیستی و ضد سرمایه داری جنین آرزوهایش است - نتایج بیرونی طایف در درجه صمیمی الطایف که به نظر دستخوش صلح ، دیکراسی و سوسیالیسم در تغییر است و همچنین تأثیر سرنوشت ساز ریز - افزون سنا ساختار صلح فعلا نه اتحاد شوروی و سایر کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی در جریان رویداد های جهانی به تدریج بر سه گاه تفنن بین الطایف به تعمیق ضمیمه اجتماعی ایمن تغییرات تکلیف میکند - خلقهای کشورهای این دست آسیا در اوضاع و احوالی که اینک به پدید آمدن مبارزه در راه استقلال ملی را تشدید میکنند و درین گریش چنان راه پیشرفت هستند که برای ترقی اجتماعی اقتصادی و سیاسی آنها حد اکثر امکان را فراهم میسازد - از زمان بریدن رژیم سلطنتی ، این کشیکه انقلابیسم و ارتجاع در زوایه سال ۱۹۷۳ در افغانستان کشور همسایه فایک اینظا هراسین مبارزه بود - علاوه شدید مردم افغانستان به بهبود زندگی خویش و از میان برداشتن ساختارهای (استروکتور) انطباق ناپذیری که مانع هرگونه پیشرفت بجای خود در این رویداد منعکس گردید .

موقعیت ها و شرایطهای جمهوری

محمد داود رئیس جمهوری و نخستین رافغانستان (۱) ضمن سخنرانی خود در جامعه مسائل گذر شده بنا به سیاست پنداره و بهترین سالروز اعلام استقلال و حق حاکمیت کشورها طرفشان ساخت که سلطه مناسبات بود و گرانه و کجینه و پیونده اجتماعی ، نابرابری غیر قابل تصور اجتماعی ، فقر و بیسواری ، کجکتاب اهالی در دوران حکومت سلطنتی مانع استحکام استقلال ملی بود - در حقیقت همه افغانستان در هر رابطه رژیم سلطنتی با بحران صمیم اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی دست بگریبان بود که گفتار به سرحد فلاکت و تیره زبانی کشانده بود - سرنگونی این رژیم که نتیجه مبارزه توده های زحمتکش ضد سلطنت ، ضد فئودالیته و ضد امپریالیسم است ، شرایط لازم را برای انجام تحولات اجتماعی - اقتصادی فراهم ساخت .

در بحران جمهوری با درک این نکته که محل وظایف و شرایط پیشرفت اجتماعی - اقتصادی و تکثیر در همین وجود است مناسبات فئودالی حوالیه داری غیر ممکن است و شمار "سوسیالیسم افغانستان" را

۱. در روزنامه سال ۱۹۷۷ محمد داود به سمت رئیس جمهوری افغانستان برگزیده شد .

طرح ساختند و آثار را بر زمین به حد اجتنابی و انقادی عدم برابری و آثار کثیم طاعتی بشمار آورند. بنام اظهار کارگان این موسیالم باید به نطفه و فرهنگ ملی و شرایط منسی و نهی جامعه افغانستان و اسلام متکی باشد.

نیروهای انقلابی و موزکاتیک کشور آنگاه که برخی از جنبه های این دو کترین می تواند نقش مثبتی در مبارزه با امپریالیسم، استعمار و وابستگی و نفوذ - بیرونی ایفا کند. - خود اعتراض حاصل کند که بعضی دیگر و نقد این چهار انداز را در حد سرمایه داری که فقط می تواند نابرابری در اداری و ثروت را تقویت کند. نقد های آشتی ناپذیر اجتماعی را حاد تر نماید و در نتیجه ترقی و پیشرفت اقتصادی را با مشکلات بیشتری مواجه سازد. نمایان اهمیت است. در ضمن حاصل نیروهای انقلابی و موزکاتیک با هر کوششی که برای "تمهید" اصول موسیالم ملی با هم راه های نامشغولی و با یکدیگر موسیالم ملی" بعمل می آید با قاطعیت مخالفت می ورزند.

بعقد نیروهای انقلابی - و موزکاتیک پیشرفت افغانستان باید از این راه برای استقلال و اقامی اقتصادی، اتلاهی سطح زندگی و فرهنگ خود های انبوه مردم و استفاده کامل تر از منابع طبیعی و دستریج اهالی کشور انجام گیرد. در جریان این مبارزه می باید به تدریج تمامیت زمین اجتماعی موجود آورده شود که فارغ از استعمار انسان وسیله انسان باشد.

نمایندگان این نیروها حاضرین می سازند که طی دوران پس از سرنگی سلطنت هیچگونه تغییر و تحول نیاید و در این جهت روی نداد است. باید تصدیق کرد که در پناه برنامۀ نامشعبه ۲۳ اوت ۱۹۷۳ دولت، افزایش سرعت رشد رشت های اصلی اقتصادی، تشدید تاشد و دولت در پیشرفت بازگشتی خارجی و سیاست های مالی، در زمین کردن سیستم مالیاتی، تحقق اصلاحات ارضی، تجدید ساختار سیستم آموزش، بهره گیری توسعه بخش دولتی در نظر گرفته شده است. در این حال حداقل حاکمه محلا برای ایجاد شرایط مساعد به منظور افزایش دامنه ی پیشرفت خصوصی سرمایه داری از پیش اقدامی نکرده اند. روی در ضمن ضرورت کنترل سرمایه گذاری خصوصی در صنایع و همچنین تأمین هماهنگی و همکاری میان بخش های دولتی و خصوصی به منظور مساعد و موثر ساختن پیشرفت اقتصادی تأکید می شود.

بدین ترتیب سخن بر سر ایجاد نوعی اقتصاد مشتعل طبق برنامه معین است و بطور مثال قانون مربوط به سرمایه گذاری ملی و خارجی که تصویب دولت رسیده و همچنین تحقق اصلاحاتی در سیستم مالیاتی و مرکزی، برابری تجارت خارجی و قانونی کردن بانکهای خصوصی همه برای رسیدن به این هدف است.

بطوریکه جهت نشان می دهد انجام تدابیر اساسی اجتماعی - اقتصادی که در اطلاعیه برنامه ای دولت در نظر گرفته شده است در شرایطی صورت میگیرد و باید شرایطی را بسازد و برپا سازد. عده ترین آنها عبارتست از: ساختار عقب مانده تولید (۱) و اشکال تولیدی بی بهره برداری زمین در کشاورزی، عدم جدایی منابع مالی، بیسودی و اکثریت اهالی (۲) در صد از اهالی قادر به خواندن و نوشتن نیستند (۳) با این بودن سطح فعالیت نیروی انسانی و اداری دولتی و طاقت مالکان بزرگ و بیواسطه مرتجع که هنوز از نفوذ فراوان برخوردارند و با اینکه برخی از تدابیر اجتماعی ترقی

۱ - طبق آمار موجود کشاورزی در ساختار محصول کل سالانه نزدیک به ۱۰ درصد صنایع فقط ۲۰ درصد را تشکیل می دهد. در کشور فقط درآمد ۲۰۰ میلیون دلار و کارخانه وجود دارد که ۴۰ هزار کارگر در آنها مشغول کار اند. نزدیک به ۲۰۰ هزار نفر در صنایع تولیدی کار میکنند که در آنجا از کار سستی استفاده می شود. سه چهارم از افرادی که قادر به کار کردن هستند در روستاها کشاورزی و بکار مشغول اند.

را میتوان جزء اهداف غلبت رژیم جمهوری بشمار آورد که از آنجمله است برابری روزگار با حسن و معین، افزایش حد الفتره مستقر، دادن برخی اختیارات به دست آوردن بودجه ای بکارگران، قانون منع کارگری زن زنان در صنایع معدنی، دادن مرخصی با استفاده از حقوق به زنان باردار و نظایر اینها.

برگزاری جلسه مجلس کبیر (پارلمان) جمهوری را برای نخستین بار با سرنگی رژیم سلطنتی می کنند و بهر قانون اساسی کشور را به تصویب رسانیدند. باید زنده ادمی بشمار آورد. ضرورت محکم نظام جمهوری، انجام تحولات عصب اجتماعی، اقتصاد و بسود اکثریت مردم در اقلین اساسی تأکید کرده و به استقامت از استعمار انسان وسیله انسان ملام شده است. در ضمن حال در گن تأمین عدالت اجتماعی و موزکاتیک به تنگه یکی از اهداف اصلی دولت مطرح می شود. تصویب قانون اساسی مرحله برجسته ای در روند تاسویز کشور است. در ضمن معلوم است که علی گسردن مواد و گداز گسارنده عدم بهره و آنچه مربوط به موزکاتیک کردن زندگی اجتماعی است نیازمند کوشش فراوان و وحدت تمام کجاست است که با واقع خواهان دست یافتن به اهداف ترقی اند.

دولت و اقلیت و روش

اگرچه افغانستان هنوز یکی از فقیرترین و عقب ماندترین کشورهای است، و درآمد ضرایب ملی طی دوران مارس ۱۹۷۶ تا آفرین ۱۹۷۶ ۱۰۸۵۰۰۰۰ افغانی بود و در حدود ۸۰ دلار بود. وضع اقتصادی آن طی سالهای اخیر نسبتاً خوب پیشرفت میکند. دولت در حال حاضر به انجام نقشه هفت ساله پیشرفت اقتصادی و اجتماعی که سالهای ۱۹۷۶/۱۹۷۷ - ۱۹۸۲/۱۹۸۳ را در بر میگیرد آغاز کرده است. میزان سرمایه گذاری که در این نقشه مقصود پیش بینی شده ۱۷۰۰۰ میلیون افغانی (در حدود ۳۰۳ میلیارد دلار) است. در نظر است که ۲۲۴ واحد صنعتی تازه ساخته شود که بالا بسگاه نفت، کارخانه کود شیمیایی، کارخانه کفکسوزایی و نظایر اینها از آنجمله است. در ضمن نخستین سال برنامه - فاصله ساختن ۱۲۳ واحد صنعتی آغاز می شود. بکلیتاً برزی که مانند گذشته رشته اساسی اقتصاد افغانستان است، توجه فراوان شده است. بطور کلی اقداماتی که در چهارچوب این برنامه بعمل خواهد آمد در جهت ایجاد اقتصاد تلقی پیشرفته و بالا برین سطح زندگی مادی و فرهنگی مرد است. در ضمن حال این مسئله هم توجه را بخود جلب میکند. منبع اصلی تأمین بودجه برنامه هفتساله مانند گذشته کشف گیسو است. مثلاً در سال ۱۹۷۳ این رقم بیش از ۶۰ درصد بودجه را تشکیل می داد. طی سالهای اخیر تاسویز اقتصادی در راه های تازه که کشورهای غیر موسیالمیست و قادر به کشف حاصل شده است - این اعتبارها را و در صد تمام کشف خارجی هم از این منبع است (در سال ۱۹۷۳ ۳۷۱۰۰ درصد بود) در ضمن کشورهای مانند ایران، عربستان سعودی و کویت بخش اغلب مجموع کل کشفی را که افغانستان از کشورهای غیر موسیالمیست بگیرد، عرفی می آید. میان "مخترین" و "آرژانتین گان" از کشورهای سرمایه داری باید جدا ساختند. آمریکا، جمهوری فدرال آلمان، فرانسه و کانادا از آنان برتر و روشن است که با هم یکی به اعتبار سرمایه ای که از این کشورهای گزیده می شود وضع جمهوری را تأحد و زیاده ای بکنج میباید ترکیب کند.

جهت نشان می دهد که تقسیم "کک" امپریالیستی میان کشورهای مناطق مختلف باید نسیاسی و اقتصادی و فکرها به بقدرت سرمایه داری رعایت مستقیم دارد. بطور مثال جهت دستت "کک" ایالات متحده آمریکا را استراتژی کلی مسائل حاکم آن تعیین میکند که میگویند: نقش خاص و خاص سیستم مناسبات نو استعماری و اجرا کنند. هدف و مقصد این استراتژی در مورد مناسبات از

این است که از طرف روسی پیش از آنکه به انقلاب سوسیالیستی در کشورهای گوناگون این قاره جلوگیری بعمل آید، پشمای سوسیالیستی که هر چه بیشتر در کشور هن زمستان کسان نفوذ میکند مایه شود. بر این مورد معین بقاعد هرمان مترجم کشورهای نفتخیز خلیج فارس بسیار سیاست امپریالیسم کاظم مطابقت میکند .

در چهار وجوب : **پیش از آنکه** به افغانستان هم توجه ویژه افروزی میزد . میگرد . هدف از " کنگه " ایالات متحد و آمریکا ، ایران و پاکستان سعودی و این کشورها تسریعاً با اقتصاد و امپریالیسم جوانان استانی و معادلات اجتماعی وارد داخل کشور و مایه بر علیه نهادهای مترقی استقامت بخشیده ، روند انقلابی را متوقف ساخته و برای بسط و تکامل مناسبات تولیدی و سرمایه داری شرایط فراهم آوردن و بدین ترتیب افغانستان را در ایرو نفوذ سرمایه داری بکشد آورد . برای رسیدن به این مقصود، هم نه فقط از ابزارهای مالی - اقتصادی استفاده میکنند ، بلکه از تطبیق ، سرمایه داری ، تولیدات جینی ، و کوشش برای تلافی افکس میان اقوام مختلف نیز استفاده میکنند . نیروها و مایه های ، یعنی امپریالیسم و متحدین آن در منطقه مایه روحانیون مترجم ، محافظان و وفاداران و وفادارها و محسوس از افسران که در رسالها و اخبارها برای سرنگون ساختن رژیم جمهوری توطئه میدهند ، تنگی هستند . ایالات متحده و آمریکا در تلاش خود برای تثبیت نفوذ و استثمار و محسوس در کشورهای آسیای شرقی و برقیهای اقتصادی و نظامی و سیاسی آنها این کشورهای را به پایگاه استراتژیک ، تا توسعه دل میکنند ، پایگاه نظامی خود را در افغانستان هند و خلیج فارس گسترش میدهد و میگوید بلوک های نظامی تازه ای بوجود آورد و کشورهای تازه ای را به ایرو نفوذ بپایان های نظامی موجود بکشد . از جمله در سالهای اخیر کشورهای تازه ای برای جلب افغانستان به میان نظامی حین (با شرکت بریتانیا ، کبر ، ترکیه ، و آلبانیان و ایران) کوشش رهبری آمریکا است بکار برده میشود ، اگر چه فعالیت موجود بدین میان با روح زمان تطبیق آید .

هرمان مترجم کشورهای خلیج فارس هم برای میانجی امپریالیستی در میان ایران و کوشش بدین طریق گرایش های مثبت و رویدادگی اجتماعی و اقتصادی و افغانستان میکنند گسترش همکاری جمهوری های کشورهای سوسیالیستی با شکلاتی مایه سازند . فاکت های بسیاری بر این گواهی میدهد که هدف اصلی " کرامتین " در قیامی از قیامی گمنام یعنی غنی در اختیار آوردن تلاش برای " گامین از نفوذ شوروی " یعنی سفر و دیدار با چنان اینها در افغانستان از دست برداشتن و واقعی است ، بطوریکه امید این میان اکثر کشورهای آسیای و اتحاد شوروی مناسبات دستاورد و همکاری در پیش می رود . مناسبات و تکامل بسیار آید و این مناسبات و همکاری بر پایه اصول چینیستی سلامت آید ، بر پایه حقوق و مساوات کامل جنی جایگزین استقلال هر یک از کشورهای قرار آید . در بریتانیا و آمریکا کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و روسیه و چین کنگره حزب ضمن اظهارات خویش در باره گسترش روابط میان کشورهای سوسیالیستی و کشورهای آزاد شده ، میفرماید که در " حزب ما از خلیج فارس که نیرو آزاد می مایه می کنند به پشمای مترجم کرده و در حال اتحاد شوروی در این راه در هیچ سود و منافع برای خود نیست ، منبعا هدا ایشاری برای خود بدست آورده ، قصد تسلط سیاسی نیست و طالب پایگاه های نظامی نمیداند . مطابق وجدان انقلابی و معتقدات کمونیستی خویش عمل میکند " (۱) .

۱ - ل . و . بریتانیا و آمریکا یعنی لنینی ، سخنرانیها و مطالبها ، جلد پنجم (بزبان روسی) ، مسکو انتشارات سیاسی ، ۱۹۷۳ ، صفحه ۶۱۱ .

چین معینن هیچکس اتحاد شوروی - افغانستان سید روشن و آشکارا این واقعت است . اتحاد جماهیر شوروی نخستین کشوری بود که استقلال افغانستان و پس از آنهم نظام جمهوری را که در آن برقرار گردید برصحت شناخت . همان استقلال و اتحاد شوروی روابط اقتصادی و مناسبات اجتماعی ، و زایدت و سود مند برای طرفین بوجود آمده و گفتمین بد امکان . بلکه اقتصاد و دولتی اتحاد شوروی و افغانستان ۶۷ واحد در تمام رشته های اقتصاد کشور ساخته شده بود همواره در دست ما اعتبار است . در سال ۱۹۷۰ در کارخانه ها و کارخانه های که بکشد اتحاد جماهیر شوروی ساخته شده بود از سه چهارم ظرفیت های صنعتی افغانستان در بخش دولتی تولید گردید بدست ، قرارداد مربوط به بسط و تکامل همکاری اقتصادی میان این دو دولت اتحاد جماهیر شوروی و جمهوری افغانستان که چهارم فوریل سال ۱۹۷۷ در مسکو امضا شد ، به روابطی گسترده و گسترده موجود است ، نیروی متحرک تازه ای بوجود

یکی از ویژگیهای مناسبات میان در کشور این است که مناسبات صنعتی که در چهار وجوب همکاری اقتصادی آنها ایجاد میگردد نه فقط برای بازاری داخلی کار میکنند بلکه امکان فروش عظیم کسود تولیدات خود در کشورهای راجه بدست می آورند . این مسئله از جمله به صنایع استخراجی کار که بکشد اتحاد جماهیر شوروی ساخته شده نیز مربوط میشود . افغانستان به اتحاد جماهیر شوروی گاز طبیعی حد حد و این شکل بسیار نایع با زیر اذاعت اعتبارهای شوروی برای جمهوری و راه صنعتی و چشم انداز (پروسکتو) استحکام بخشیده به اقتصاد ملی است . این نیز حاظر اهمیت بسیار است که مناسباتی که بکشد اتحاد شوروی ایجاد میگردد موضوع بخش دولتی را تکمیل میکند و بخش دولتی بیشتر صنعتی کشور درآیند و طبق برنامه های ملی شرایط لازم را فراهم می آورد .

بعلاوه این که بدین مناسبات با آفرینیم که " کنگه " کشورهای سرمایه داری با شرایط سنگین استفاده و مشروط از اعتبارهای پرداخت در رشته معین همراهِ است . بطور مثال ، افغانستان معمولاً از این کشورهای نقطه بعد از توافق کشورهای اعتبار دهند با واحد های که باید ساخته شود ، اعتبار دریافت میکند . در ضمن ، صرف نظر از شرایط سیاسی گوناگون اغلب نقاط همکاری هم که مطلوب مورد نظر اعتبار دهند است به کنگه میگردند و اعتبارات حاصل میشود .

تا که این نکته ها ترا اهمیت است که بدین استثناء ، تا نیز هم معین برسد افغانستان طرف تمام تلاشهای ما را در امپریالیستی از تکمیل هر چه بیشتر دوستی و همکاری با اتحاد جماهیر شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی پشتیبانی میکند . این نیز تلافی درک است : افزایش مداوم نیروی سوسیالیسم ، اعتبارات فراوان بین المللی و مناسبات صلح خواهانه فعال اتحاد شوروی به تثبیت اصول چینیستی بسیار تأثیر در همه جنبه های اجتماعی ، فرهنگی و اقتصادی داشته و استوار و قوی است . لازم بود بیشتر وقت آمیزتوسمعی جمعیهای مختلف جنبش آزاد به پیش است . علاوه بر این ، کشورهای سوسیالیستی در پیش ما با زمینه های در راه صلح ، با بان برادری بسیار با همفکران و صلح سلاح قرار آید . چه بدین ترتیب برآمد صلح و صلح حاصل اجتناب - اقتصادی و مستقیم است . استقلال مناسبات کشورهای در حال رشد دست یافتن آنها به استقلال اقتصادی و واقعی شرایط جنی مساوی فراهم آورد .

مناسبات منوط به پیشرفت و زمامت

در پایگاه نیروهای شرقی و انقلابی افغانستان مناسبات بسیار به روند فشارهای امپریالیستی و مناسباتی از خارج داخلی که هنوز زمان باقی نمانده است تلاش و کوشش و روایتی اجتماعی - اقتصادی و

د موکراتیزم کړه نړاوسې زندگي اجتماعي قرارداد د - آنيابلور پيگرود رجمنټور راه حل اين سوال اند .

پکي ازجاد ترين سائل وضع کولو دي افغانستان است . تا سرگڼي رژيم سلطنت د افغانستان ۶۰ هزاروالله که ۳۱ د صد اهالي روسي نشين را تشکیل ميداد . ۲۰ د صد ازما صلح پوښ سرين اراضي را در اختيار خود داشت . فقط ۳۰ د صد اراضي زراعي به دهقانان حرسيد کتعه او دهان به پلټلېو پوښ باسد و هفت هزار غونډالغ ميد . قانون اصلاحات ارضي که هېستان سال ۱۹۲۵ انقلابيانه تحولا خپلېد او د روسي هارا در نظر ميگيرد ولي در واقع آن تحال فقط گامې او کويکې برداشته شده است . دولت بدو آنکه به اشيازي مالکان خدشه او يوار آيسد تقسيم اراضي نوي جان کوچ نشينان ود دهقانان تر زمين واگتازگره است . از اونه سال ۱۹۲۸ تا آخر يارو سال ۱۹۲۶ اراضي بوسمت بيخراز ۱۱ هزار هکتار و ۲ هزار غونډالو دهقاني تقسيم شده است . هرگاه در نظر بگيريم که تا سال ۱۹۲۳ د روسي هاري افغانستان در حدود ۳۸ هزار دهقان د زمين و ۳۰ هزار د دهقان کم زمين وجود داشته است . ميتوان گت که بخش قابل توجهي از اهالي روستا ها مانند گد هفت نادر زمين است . محافل خرافي افغانستان با عيوبه بدو موضوع د کراسي بنيادي و بلاخظ ناسيادت ارضي را از وظائف بسيار مهم و نوري بشماري آورند .

بايان بخشيدن د بخت ماندي اقتصادي کومو پوښود صورت بند بهاي (فرياسيون) اجتماعي مشقت د تاين نقش ظالم براي بخش هاي دولتي و تعاوني ، د کراسي ناسيادت اقتصادي فوسايسر ناسيادت با کورهاي متوسطه داري پيشرفته بزيابه برابري حقوق و عدم دخاله در امور اخلاقي و حل و فصل بکسلسله مسائل د بگر - تمام اينها موضوع بحث و ط اکره در مسال حل ميهن پرست است . ميتوان گتکه بترينج خطوط اصلي مبارزه در واقع حکم هر چه بيشتر استقلال ملي ، آزادي اقتصادي و دود سياسي روي گره که با فرا همت فراوان است نمايان ميگردد . بنابه اعتقاد واضح اين نيزهوا از جمله با د ارضي استحکام بخش دولتي با در نظر گرفتن منافع خود عمادي مردم و جلب زمينگان به اداره اميرالقيادي د کور ، بطور بيگروبي شود . خط چنين طي ميتواند " پان زهر " شرحي بر طيه سياست زندانه اميرالقياد و دهقانان د اخلاقي جمهوري جوان گردد .

بمقوله نيزهوي ميهن پرست کوشا صلح تحقيقي مبارزه آزاد بخش ، افشاي بيگرو سانس خرابکارانه اميرالقياد و ارتجاع را که هدف از آنها تقسيم طلاق د دوستي بجهت کاري مرد افغانستان با کورهاي جامعه کورهاي سوسيالستي و خلقهاي انقلابي شوروي است . بطور مهم به نيت ميگردد . نه فقط افشاي اين نساخي بلکه واکنش در مقابل آنيابلور موکراتيزم کړه زندگي اجتماعي و ايجاد شرايط براي پيشرفته ستمگر کوريزم و ضروري است . استقلال واقعي ، سياست برابري با ميهن ميتواند تا مين گردد .

خبر مېاري بهي گواه بزبان است که دود تمام واحد هاي انقلابي و د اميرالقيادي جنبه آزادي بخش ملي در کورهاي ي د زوال يده ، خاص تحقوقي موقعا ميوظائف مرم اين جنبش بوده و همت . اين و دت بري جلب زمينگان بزندگي سوسيالستي ، اقتصادي و اجتماعي امکان فراهمي آورد . کسر بخش مقلبه با تجاوز اميرالقيادي بر طيه دستاو د هاي خلق نيزهويين اندازه وابسته بوسمت د حل است . چنين و دت د بطريق اول بدان سبب ضروري است که محافل اميرالقيادي و ارتجاع ميگوشند زهر انگتي براي ايجاد نفرت ، تفاق و دشمني در صفوف نيزهويي خرافي استوار د گتسد و سبي فراوان د زندگي از خطه نساخي کور را نتيابه به آمد به براي تصفيه وير ارج و اعتبار با ميهن جنبه ملي د موکراتيزم د وجود سبب و د اړتيا گت . ميهن پرست افغانستان با جنبش محافل اميرالقيادي با ميهن پرست که هکذا کي ملامت و گتسي اي تان زمينه گت رکابت استوار بري او يود عمل ترا هم ميسازد و اين نيزهويي ملامت و ملامت د مبارزه در طرفي د موکراسي و صلح است .

شصتمين سال کشورشوراها

موسواژ

ما برادري ملل را بچشم خود ديديم
(شصتمين سال کشورشوراها)

ساراداميترا

مفوشيروي ملي حزب کمونيست هندوستان

ميادل سينا

مفوشيريت مرکزي حزب کمونيست عراق

ضمن تد اړک سقره اتحاد شوروي که بدود کميترکزي حزب کمونيست اتحاد شوروي انجسام ميگردد و د ف ازان آشنائي با ناسيادتي در شصتمين سال موجوديت حکومت شوروي بود با اند بيه خوار و لنين را که نشوري منطقي و مناسب حل اين مسئله پيترنج است بخاطر او يود . با استناد اساسي حکومت شوروي و بگرههاي حزب شنا شد م مباره بگره خرافي ل . ل . برونف د ديورگ کميته مرکزي حزب کمونيست اتحاد شوروي تحت عنوان " درباره پنجاه ميهن سالگرد اتحاد جماهیر شوروي سوسيالستي " و گزارشي هاي کميترکزي حزب کمونيست اتحاد شوروي بکگرههاي بيهت و چهار ميهنست پنجم حزب لنين را خواند م .

ما در گتسه هم در اتحاد شوروي بوده ايم و آنيم نه پک بار ، بلکه چند م بار . ما عايد استقامت گتسله ملي در شصتمين کور سوسيالستي در تمام جهات و جنبههاي ايا ماس آن حل شده است . حال ايا مگان داده شده بود تا با صلح " از دوين " و " بياخي و وسپتر " بچشم خود ببينيم و بچشم کحل مسئله ملي در صلح براي ايزي از جمهوري شوروي يعني جمهوري شوروي سوسيالستي گتد راپاچان ، براي خود آن راپاچاني ها و وليت ها و خلقهاي د بگري که در سر زمين آن راپاچان زندگي ميگند چاشمني و ضيبي دارد . بالا خره با مالکان داده شده بود با توجه به اهميت اقتصادي انتباهات اميرالقياد ها و ستيا نشان بر طيه اتحاد شوروي گتسا خعلي پکي از ميوهات ميوه د ملاقه شان است (۱) آنجا را ببينيم و از د ريد و حال م بار کسيش - لنينيستي درباره مسئله ملي

۱ - همن چند ميهن ما مقاله اي د ترجمه " اکونوميست " 19-25 March 1957 " The Economist " بخور د کرد بکه علاوه بر ما رسوا لي مسئله ملي در اتحاد شوروي هم برداشته است . هفتتا ما بگيسي که بچخي د برون در جهان بر طيه داري شهرت دارد راپاچا ميهن ها ميويده و مخالفان سوسياليسم به امکان يده د اهن د ارضي در اتحاد شوروي ، شده است . ما در ويوترا خود به برخي از ميا گتد و نظرياتي که در اين مقاله ماله شده ، با ميگرديم .

و در انطباق آن بمسائلی که در این زمینه در کشورهای ما در مقابل احزاب کمونیست قرار دارد ، آنچه را دیده ایم مورد تصدیق و تأیید قرار می دهیم .

در این مورد معین ، مدد پرهر چیز بانه اصول لنینی و سیاست حزب کمونیست اتحاد شوروی که این اصول را بر مصلحت در می آورد ، توجه داشتیم . زیرا مسئله ملی در کشورهای ما ، در هندوستان و در عراق هم بسیار جدی است . بنا بر این ، ما کمونیست های هند ، کامبوج ، بنگلادش ، اندونزی ، و غیره را در نظر می گیریم . (اگرچه در مثل تأیید کمونیست های انگلستان اند) این یکی از بهترین مسائل است . این مسئله حدت خود را در کشورهای پیشرفته سرمایه داری هم به پیچیده از دست نه داده است ، گائسی است همیشه جوش و بیگانه زبینه مسئله ملی در ایالات متحده آمریکا ، کانادا ، بلژیک ، بریتانیا ، کوبا و اسپانیا ... را خلاصه نشان می دهد .

توجه شدیم به بررسی جزئیات مسائل و ریاضی داشت های مهم از اینجانبانی میگرد . مهم ترین موضوع برای ما این است که ما طوط ها و اولیای ما تاریخ و سیاست و مسائل تاریخی آنها را مشاهده کردیم و اهمیت بین المللی تجربه شوروی در حل مسئله ملی را روشن تر کردیم .

بیکاری برای حقوق سیاسی

تا پیش از این ، جمهوری شوروی سوسیالیستی از رهبران حاد نیست . سازمان کساکوی بلشویک ها در آستانه انقلاب اکثریتی از نیرومند ترین و زودترین سازمانها بود ، شوروی کساکوی خلق با اکثریتها همزمان با نامحسب نخستین دولت شوروی در پیروگراد بعد از و . ای . لنین تشکیل یافت . اما در آنجا بلافاصله تخاصم و اختلافی ها و تنشها در میان ۲۶ کمیونسار کوهنوع پیوست ، تا سوسیالیست های پیرو زوای یعنی سواویست ها حکومت را تصاحب کردند . حکومت شوراهان فقط در ۲۸ آوریل سال ۱۹۲۰ بهر از طرف تخاصم کارگران احیاء شد . اندکی بعد از رهبران باگرجستان و ارمنستان در ترکیب جمهوری شوروی سوسیالیستی در داخل تاوزا کفلازل اعلی گردید . از سال ۱۹۲۶ از رهبران تا بزرگه جمهوری شوروی سوسیالیستی مستقلی در ترکیب اتحاد شوروی است .

گفتگو شد و ما با خلیل اوف ، مدیر هیئت رئیسه شورای عالی جمهوری شوروی سوسیالیستی از رهبران با این مشکل آفاق رفتیم که : برای حقوق ملی ها ، اقوام و اتباع شوروی با طبیعت گوناگون از لحاظ حقوقی در داخل اتحاد شوروی چگونه ما میگرد ؟

ت . خلیل اوف - قانون اساسی اتحاد شوروی ساختمان فدرال کشور را چنین تعیین کرده است که برای حقوق تمامیت ها را در تمام سطوح ساختمان ملی در ولایتی از ایالات تأمین نماید (۱) . مقدم بر هر چیز ، شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی کما لترین ارگان تأکید در ولایت است و از مجلس با حقوق برابر یعنی شورای اتحاد شوروی علیه هاشنگیافته است . در ضمن باید گفت که اگر شوروی اتحاد بر پایه بندگی ، بغضت و محبت (بندها نیستند از ۳۰ هزار نفر از افراد) انتخاب میشود ، هر یک از جمهوری های اتحاد شوروی ، صرف نظر از وضعیت اراضی و تعداد جمعیت آن در شوروی ملیت ها ۲۲ نمایند ، جمهوری ها در حد مختار ۱۱ نمایند ، ایالت خود مختار ۵ نمایند و ناحیه ملی بندها بنده دارند ، بطور مثال ، جمهوری ماد شوروی ملیت هاسی و دوشنبانده دارد که با افزودن ۱۱ نمایند از جمهوری شوروی سوسیالیستی خود مختار خوجوان ، ۵ نمایند از ایالت خود مختار قره باغ

(۱) - جمهوری متحده ، ۲۲ جمهوری خود مختار ، ۸ ایالت خود مختار و ۱ ناحیه ملی داخل در ترکیب اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی است .

رئیس هیئت رئیسه (د . نماینده) و (د . نماینده در شورای اتحاد) با داشتن ۱۰ میلیون جمعیت -

مشور (۱)

ت . تمام مدیر های هیئت رئیسه های شوراهای عالی جمهوری ها ما این مدیر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و تمام مدیر های شوراهای زیر آن ، اعضای شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی اند . مدیر های ، در ادگ های عالی جمهوری ها هم اعضای و ادگ های عالی اتحاد جماهیر شوروی اند . خلیل اوف تاکید کرد که این بدان معنی است که تمام جمهوری های اتحاد شوروی بطور مستقیم بطوری برابر در تشکیل و انتخاب ادگ های عالی دولت اتحاد شوروی شرکت دارند .

سخن ها همیشه هم را بدین نکته هم که عالی از اهمیت نیست ، جلب کم که قانون اساسی اتحاد جماهیر شوروی نه فقط برابری حقوق ، بلکه ما را را را را دارد ، بلکه برای هر نوع محدود کردن این حقوق ، بطور مستقیم و غیر مستقیم و با همگنی برتر شهروندان اتباع سبب تعلق به نژاد و طبیعت معین و یا با طریقی تاریخ تریز ملی و نژادی و یا از تنفر نسبت به نژاد و یا طبعی دیگر مسئولیت خاطر را پیش بینی میکند .

چنین است حل مسئله از طریق قانون اساسی . ولی البته چیزی که ما بر صدها برابر جقوق واقعی تمام جمهوری ها و اولیای اتحاد جماهیر شوروی را تا این حد نظام شوروی سوسیالیستی ، ایالات با مالکیت خصوصی بر تولید و برقرار مالکیت اجتماعی ، از زمان برودن ستمی و دادن تسامح حاکمیت دست بر دم بر هر کسی طبیعتا اگر تا از این حدت که ما را در امور کشور در تمام سطوح است . بد بگریزم پایه ای اصلی حل مسئله ملی ساختمان جامعه سوسیالیستی است .

ع . چنانچه بر صدها نژاد یکی جمهوری ها ، بطوریکه ما باید انیم ، البته بویژه در رشته اقتصاد خیلی پیچیده تر است . بطوریکه رفیق برزین گفت آنها به یک ارگان تمام واحد اقتصادی تبدیل شده اند . آیا میتوانیم این نکته را روشن کنیم که در چنین شرایطی مسئله حق حاکمیت جمهوری های شوروی عبارت از چیست ؟

ی . خلیل اوف - مقدم بر هر چیز ، هر یک از جمهوری های شوروی قانون اساسی ویژه خود را دارد . آنها همه با الهام از قانون اساسی اتحاد جماهیر شوروی تدبیر گردیده اند . این مادری است که ما نیز به دست خود داریم . آنها همیشه یک بگرد ولی هر یک از آنها خصوصیات ویژه خود را دارند . علاوه بر این ما خود مان سازمان ادارتی اراضی جمهوری را تعیین میکنیم . این در قانون اساسی جمهوری شوروی از رهبران تعیین شده است . در سر زمین ما بدون رعایت مان میتوان تفسیر داد . در رشته اقتصادی جمهوری از حقوق اقوای پیرو ارادت ، بطور مثال ما حق داریم بر جمهوری را هر طریقی لازم بدایم ما را حوسبات مختلف تنظیم کنیم و وسیله سیستم وزارتخانه های جمهوری عمل را در اختیار داشته های اقتصاد کشور بر صدها نژادگی اجتماعی در محدوده اراضی جمهوری شرکت میکنیم .

جمهوری ما - حق دارد بطور مستقیم با کشورهای خارجی تسامح بگرد ، با آنها قرار داد ببندد و نمایندگانی در سطح کسولگری و دیپلمات با ما بگردد * (ماده ۱۶ الف قانون اساسی جمهوری شوروی

۱ - نکته ای برای تأیید : جمهوری شوروی سوسیالیستی از کرائین با ۱۱ میلیون جمعیت چون در ترکیب خود سر زمین های خود مختار ملی ندارد و در شورای ملیت ها ۳۲ نمایند دارد ، ولی در عوض در شورای اتحاد ، ۵ نمایند از او را تعیین شرکت میکنند .

آذربایجان) و همچنین "درای سازمانهای نظامی ویژه خود در صدد راه جمهوری است" (ماده ۱۶ قانون اساسی جمهوری شوروی آذربایجان) بالاخره، تا سه سال زندگی داخلی جمهوری وسیله ارگانهای آن حل و فصل میشود (ماده ۱۹ قانون اساسی جمهوری شوروی آذربایجان) در این میان اساساً چهار جنبه شوروی حق جمهوری های شوروی و جدا شدن از اتحاد جماهیر شوروی دیده شده است. این حق در ماده پاینده قانون اساسی جمهوری کسب شوروی آذربایجان هم ثبت شده است. بدین مضمون: "جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان حق جدا شدن از اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را برای خود حفظ میکند" با هر چه بد جزو خواسته های دیگری از جمهوری های خود استاده کند. با اعتراض کم کفاح نظرمین در این جمله گفتگو نمود بطور جسی بناگذا کردند. اساساً جواب جدی و روشنی بناداده شد. ک. خلیلوف گفت اکنون جمهوری های شوروی نه فقط با مصالح و نظامی، اتحاد و توسعه بر مصالح مادی، بلکه با زندگی بیگانه و با همه یکدیگر، جامعه نوزاد یکی یعنی خلق شوروی پدید آمده است. این یک پدیده ملی با آثار بی عکس و تکوینهای مختلف است. اتحاد خلق ناپه بر طبقه کارگر و دهقانان، روشنفکران، بزرگترین طبقه کارگر و روستای تمام خلقهای کشورهای و اساساً این جامعه را تشکیل میدهد. خوب مسئله بعدی از اتحاد شوروی امروز گوش مردم باید گشته است. با وجود اینها گفتگو این اصل در قانون اساسی ثبت است. زیرا ما نمیگویی از حقوق خود شنا بده بر هر خلق و هر ملت و یعنی حق تعیین سرنوشت تا حد جداش است. یکی از ما با خاطر آرزوی این نکته که این مسئله می آید بشود که جمهوری شوروی استقلال بی اندازه بیشتری از بطور مثال، ایالات هائی که همین من میانی هند، وستان و انگلیز میدهند دارند. اما درجه وحدت و یکپارچگی میان جمهوری های شوروی بی اندازه بالا تر از هند وستان است.

البته، همانطور که رفیق خلیلوف بد رستی خاطر نشان ساعت مقدم بر هر چه سخن بر میسر نظام اجتماعی سوسیالیستی و ایالاتی استثنای انسان وسیله انسان است. در واقع همین پایه سه برابری حقوق اصیل در وجودش قرار یکی ملت ها است. اما همین مسئله برابری حقوق لغات هم توجه فراوان داشته است. اینها که آن با مصالح همیستی مسالمت آمیز ملت ها در شرایط سازمان در بوکراتیک جامعه بزرگوار و بزرگوار برابری است. در واقع هر چه به این موضوع در قطعنامه ای که لندن در باره مسئله ملی در جلیقه کمیته مرکزی حزب سوسیال دموکرات روسیه در روز ۱۱ (۱۹۳۳) گذاشته، چنین گفته شد: "اینها که در جامعه سر بر پایه درای که بنیادش بر استعمار و سرود جوی و ستاره است. بطن بیگانه بده بر مصالحه و لا جرم این جنبه فقط در نظام دولت جمهوری، پیگیر و صیانت و بوکراتیک که بر پایه اصول کامل ملت ها بنیاد قرار میگیرد. بدین صورت، نقد زبان در ملی ایالتی (که از اساساً، نویسنده آن بوزنار) و بشرط تأمین اهالی با مدارسی که در آنها به تمام زبانهای محلی تدریس شود و بشرط گنجاندن قانون بنیادی در قانون اساسی که هر گونه ایضایان ملت و هر نوع تعارض حقوق اقلیت های ملی را بر اعتبار اعلام دارد. تحقیق پذیر است. در من حال آنچه بجزو شوروی است، خود متناهی گسترده ایالتی و استقلال محلی کالا و بوکراتیک بشرط تعیین مرزهای ایالات مستقل و خود مختار بر پایه در نظر گرفتن شرایط اقتصاد و جغرافیای و ترکیب ملی ایالتی از طرف خود اهالی و نظامی و نظامی است (۱۱)

۱- لندن - مجله کامل آثار (میان روس) جلد ۲۴ صفحه ۵۸-۵۷

بنظر ما این بزرگ جدایی است که کمونیست ها در کشور های آزاد شده ای که هنوز به سوسیالیستی گام نهاده اند با طرفداران باید مبارزه کنند. تجربه هند وستان هم از جمله همین را تأیید میکند. طلب بدین قرار است که هند وستان مدت درازی زیر یوغ و ستم استعمارگران قرار داشته. این امر در هند وستان، کشوری که مانند اتحاد شوروی ممکن حد مقاومت ملت مختلف است، باعث ایجاد اختلاف و بی وحدت ملی، خود آگاهی ها بنیادین طبع واحد گردید. ملی تا پیش از ملی خدم برهه بشکل اختلاف زبان هنوزایی است. نتیجه اینکه تاخیری که در اعلام استقلال در ایالات مختلف بر پایه اصل زبانی پدید آمدن اندازه زیاد و تنوع زبانی و منطقه ای را نشان میدهد. حزب کمونیست هند وستان از ایجاد ایالات هائی بزرگ بر پایه زبان و همچنین ایجاد واحدهای خود مختار برای اقلیت های ملی (قبیله ها و طایفه ها) پشتیبانی کرده و میکند. حزب بدین راه که تحقیق برابری حقوق سیاسی ملی شوروی برای حل مسئله است.

... در آذربایجان با حفظ خود را یکی از اندازه جمهوری اتحاد شوروی اساساً نمیگردد. ما به فکر کشور تازه ای وارد شده بودیم. تعداد ملت ها و قباای که در آنجا زندگی میکنند، آنها کمتر از اتحاد شوروی نیست. و تعداد و در ترکیب مرکزی حزب کمونیست آذربایجان با اطلاع داد که فقط در حزب کمونیست آذربایجان (حزبان حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی و آذربایجان تا ۷۸ طبع رایتان شمرده. طبیعی است که این موضوع برای ما جالب بود که مسئله ملی در آذربایجان خود مختار برای آذربایجان چگونه حل شود. طبق آمار و ارقام سرشماری سال ۱۹۲۰ (آخرین سرشماری) بزرگترین گروه های ملی در میان سکه جمهوری آذربایجان ها (۷۳۳۸ درصد)، روسها (۱۰ درصد)، ارمنها (۹ درصد) است.

بطوریکه بنده بر شمارترین طبع که اکثریت دارد و روسها یعنی جمهوری ارمن میگوید. آذربایجان ها هستند. این بزرگ و در میان ملی جمهوری و مقدم بر هر چیز و ترکیب شورای عالی آن نمک میگردد. که در آنجا تعداد نمایندگان تقریباً به نسبت سهم هر طبعی و ترکیب اهالی جمهوری است (۱) توزیع استواری برای ما پیش آمده که بعد ها ما با آنها آرا تکرار کردیم. اگر چه مجوز و در همه جا جواب مناسبی میگردیم. و آن اینکه: آیا برای هر طبعی سوم بعد و در همه صحن وجود دارد؟ و در همه زاده و هیچگونه سهم بد و معینی وجود ندارد. میزان خدمات و شایستگی فرد هر شخصی قابل تعیین کننده است. با ما اتفاق می افتد که در ارگانهای نمایندگی جمهوری با همی تمام جمهوری از مطالبی که اکثریت اهالی آذربایجان ها تشکیل میدهد بعنوان نماینده، پایه ارضی با روس و انتخاب میکنند. تا امکان ما از حزب مطالب است که تا طبعیت ها در ارگانهای انتظامی روس سپهت است. اتحاد در مجموع اهالی جمهوری نماینده داشته باشند تا در همه صحن گفتگو و در حل و بی یا اینصورت که طبعیت وی را تعیین کند، بنیاد نماید.

این مسئله از آن گفتگو طبعی در این مناسبت حزب در حل و فصل مسئله ملی و مختار خواهد در ترکیب

- ۱- بطور مثال در ترکیب شورای عالی جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان که در سال ۱۹۲۰ انتخاب شده است، بر هر طبع ... نماینده وجود دارد. از این جهت در ۳۱ نماینده آذربایجان ۴۶ روس، ۲۸ ارمنی و پنج بزرگان در روسها و مجلس بر مجموع ۴۸ هزار نماینده و ۳۰ طبع نمایندگی دارند.

وتمتع در صورت وجود میان خلقهای مختلف گردد. اما از این پایه تا کسی که بر خود پیشتر بوده ای

بنگ مسئله دیگر موجود دارد و آن مسئله کوهپایه ای علی نسبت بزرگی است که در کجا و بطریق

یکبارچه در جمهوری شورویات آذربایجان زندگی میکنند. ...

... در آذربایجان هم مانند سایر جمهوریهای اتحاد شوروی این مسئله بطریق کاترا هم نسبت

توجه کرده است. یعنی از آنجا که بخاطر ملی حقیقتش... چنین کوهپایه ای بطریق یکبارچه ای در

جمهوری مادی پامپیر نیست. اولی، گنگاییم آذربایجان است در سرزمینی سرسبز که از سرزمین

اساسی جمهوری است ولی از لحاظ اقتصادی، تاریخی و فرهنگی با آن پیوند نزدیك دارد.

برای این گروه جمهوری شوروی سوسیالیستی خود مختار لنینی اتحاد شده است که در جمهوری

شوروی آذربایجان است. بدینوسیله ارمنستان که در آذربایجان زندگی میکند و طبقه ای

که در آن سکونت دارند تیره باغ نامیده میشود. و آنجا طبقه خود مختار تیره باغ ایجاد گردیده که

تا آن زمان بدین گروه...

تأثیر مستقیم شورایی که مطرح کردیم این بود که: چرا این منطقه جز جمهوری شوروی

ارمنستان نیست، بلکه باید آن را برای این جمهوری باقیمه زمین با یکی جدا شده است؟

ب. که هرگز جمهوری شوروی که مرکز حزب کمونیست آذربایجان و بیروار کمیته ایالتی حزب

در تیره باغ این چنین باقی بماند. چرا که: این ایالت از لحاظ اقتصادی

تاریخ تیره باغ با تاریخ آذربایجان پیوند نزدیك دارد. و این ایالت از لحاظ اقتصادی

با آذربایجان ارتباط نزدیك دارد و آن بخش از تیره باغ که اهالی آن آذربایجان اند و همسایه

یکدیگرند. این ایالت کوهپایه از لحاظ جغرافیایی به ارمنستان نزدیکتر است. توسط کوهپایه

بلندی که در گذشته مانع عبور قابل عبور و راه اهالی برای معاشرت گسترده بود از آن جدا شده

است. اما حتی ملی ارمنستان نیز آنجا در تیره باغ محفوظ مانده است. ...

همین وجود کوهپایه ای که یکبارچه سرسبز و صالح اقتصادی که ایجاد بهترین شرایط را

برای ایجاد اجتماعی است. اقتصاد آذربایجان که پایه و اساس وجود آورده این ایالت خود مختار

تیره باغ در سال ۱۹۳۳ گردیده...

ج. حتماً - اما همه مسئله فی الواقع اینگونه است زیرا در این مسئله...

کوهپایه ای البته کار و معاشات ترتیبی را بدین راه دارد. ...

من جانم بد زندگی کم ولی با ارمنستان مربوط بایم. ...

علی گرامیان میگوید: زیرا با استقلال تمام استیوار ای اتحاد یکپارچه ای این چنین است: این روش

طبق مذهب کی بودم در آن کانی بود. خود زندگی، به قدرت سیاسی اقتصادی در این ایالت،

بالا رفتن سطح زندگی مردم در زمین برابری حقوق، کاپلی و احترام به ملیت ملی و بیرونی و بیرونی

ویسالیته از طرف کمیت مرکزی حزب کمونیست آذربایجان به نتیجه مطلوب رسیده...

و. کارگران و بیروار کمیت ملی حزب و کارگران کسی بعد با کمال است: ارمنستان تیره باغ

به حدی که خود در ترکیه آذربایجان نائل آمده و این زمین را وطنیانه برگزیده اند. ...

زمانی که نزدیک و ارمنستان. منطقه ای که جمعیت آن در حدود ۱۶۶ هزار نفر است در حدود ۱۹۳۳

اتحاد چند ملیتی شوروی ۷ نامیده و در آن (یکی در شورای اتحاد، یکی در شورای ملیت ها از آذربایجان)

و ه غیر از ایالت خود مختار ۳۲ رده داشتند که آن در شورای عالی اکثریت بیان شوروی ۱۶ نفر است.

اختیارات فراوان شهری را نمایندگانی از زمینکنان ایالتی کمیته اجرائیه آن در قانون اساسی

آذربایجان شوروی تثبیت شده است. ...

... فصل ششم در نقاط مختلف جمهوری و گنگاییم اتحادیه ای از ملیت ها و گوناگون مابین حاصل

کردیم که در گراهمین کامل، از برای حقوق برابر و شمول بیرونی و خصوصاً مباحثه خلقهای کوچک

یعنی وسایلی که نسبت بصورت بودایک روزانه مردم شوروی را محرم کمونیست اتحاد شوروی کرده و در

حکومت ملی است کلماتی که گوناگون بود که خلق شوروی را تشکیل میدهند و چون واحد یکبارچه

بهم پیوسته است.

تغیر این اصول و محتاج از برای حق خود مختاری به اقلیت های ملی ناگزیر به توجیهی منسجم

ملیت های اتحادیه برای گنگاییم اتحادیه استقلال گران نامشروع. بطریق ای، همین یکی از ادوات

یعنی عراق، از تجربه مربوط به استقلال گران عراق این حقیقت را یاد کرده و در نتیجه این تغییرات

که یکی از پر از بگری روی کار می آید در با اصرار بر اعلام از برای خود مختاری به کردستان عراق که از لحاظ

تاریخی و جغیبت در صورت گنگاییم اتحادیه شوروی است (فقط کمیته ای یکبارچه از این حق دفاع

میکردند) این جوان بسیار بفرزاد بخش ملی در اردنی اتحادیه که اغلب عینک و سینه خود

میکردند. فقط قانون میگوید به خود مختاری کردستان عراق کمیته شرقی ملی همین بر سر مست

(با اکثریت حزب کمونیست) موفق به پذیرش آن شد و در سال ۱۹۴۲ (اولی دولت که حزب بعث

در زمان آن قرارداد است به تصویب رسید. اما آن که در جمهوری یمن با این اتحادیه که اندک مسئله ملی

برای زمینکنان کردستان عراق فراهم آورد، کمیته های عراق برای عقیده اندک مسئله ملی

خلق کرد که از مسئله ملی در گنگاییم اتحادیه شوروی است - و دیگر اینکه در کمیته یمن

یکی از رسیده و در نتیجه شوروی در حال مسئله ملی و در این می بیند...

مسئله دیگری میسر شد که باید که برای حقوق سیاسی و دفاعی و ارتباط است و میخواستیم

آذربایجان از نظر خودتواند یکدراهم و آن مسئله زبان دولتی است.

مسئله زبان بطور کلی از مهمترین بخشهای جنبه حقوقی و زمین عالی فرهنگی مسئله ملی است.

بدین زبان در حق به تمام خلقها و ملت ها بدون استثنا، برای تحصیل به زبان مادری و تقکم بدان

در ارتقاء ملی دولتی و نظارت بر این اصول از برای حقوق ملیت ها و جنبه های دیگر آن باشد.

در این ایام اتحادیه شوروی باید از این بهره مندان و دیگر وجود ندارد. ولی در قانون

اساسی جمهوری شوروی آذربایجان چنین است: «ایستاد که اشعار و ادب را در زبان دولتی جمهوری

شوروی آذربایجان، زبان آذربایجانی است.» ماده ۱۰۱

بخاطر قانونگذاران جمهوری شوروی آذربایجان در گنگاییم اتحادیه شوروی در این در قانون اساسی

حق بودند. زیرا در آذربایجان اکثریت ملی گنگاییم اتحادیه شوروی وجود دارد که در طول تاریخ هیچوقت

سنگین نبوده است - زبان آذربایجانی زبان ملیت دیگری نیست. ولی قانون اساسی آذربایجان

پارا را از این هم فراتر میبرد و طبق اصول کمونیست، اقلیت های ملی را نیز در نظر میگیرد. در بخش دیگری

از ماده ۱۰۱ که از آن یاد کردیم چنین گفته شده است: «به اقلیت های ملی که در جمهوری یمن

آذربایجان شوروی سرزمین حق بشرف و یکبارچه آزادی و اجتماع و از برای مادر میوه در موسسات

فرهنگی آنان بوده در موسسات دولتی و ادبیاتی و فرهنگی و تمام قوانین برای این توضیحات رسمی

قرار داد است و در این جمهوری به زبانهای آذربایجان، روسی و اردنی چاپ میشود.

بدین معنی که برابری زبان و اقلیت ملی اساسی روس ها و ارمنستان با زبانهای برقرار میسر

بجاست. ماد آنرا میبیند که به هر سه زبان روزانه منتشر میشود. بر این معنی یاد بود و یمن بخش

میکرد و در اردن، اردن، تدریس می نمود.
 مایه اوراق خلیل اول رسیدیم: وضع پیشرفت و تکامل زبان خلقهای کوچک از هم فراتر است؟
 ک. خلیل اول - میدانیم که حکومت اتحاد شوروی برای پیش از - ه خلق کوچک اتحاد شوروی
 خلق بوجود آوردید. به نظر من، خود و بزرگی ملی آنها را از نظر اسناد م رهانید برای پیشرفت آنان شرایط
 فراهم کرد. اما در زبانهای کوچک در آن زبانها باید گفتد هر حالتی که پیش می آید، مسئله را
 بطور کلی و بعضی مل میگویم آنچه البته در این مورد باید دیدم است. پایه و اساس هر دولتی است
 بودن کامل است. بطور مثال ماریتانی داریم که سکه آن مردمان کوچکند اند (که به افسوس
 داستان ظهورند) و اهالی آنجا به ۱۰ زبان حرف میزنند. در اسبوم وجود داشت که در آنجا
 به تمام این زبانها حرف میزدند. حالا خود اهالی از این شیوه چشم پوشیده اند - یعنی در بعضی
 از جمهوری که در آنجا گریه میگویند دارند بتفاهای اهالی (که اکثرشان روستائین اند) تدریس
 بزبان گریه معمول شده است.

س. میتر - کابل آنگار است که در پیشرفت کثیرالکلمه، مسئله زبان واحد یک همه را بهم ارتباط
 دهد. یکی از مهم ترین مسائل است. در فضا بصورت ممانعت و نزدیکی خلقهایی که در یک کشور
 زندگی میکنند با مشکلات جدی در روند و ستان تاجیک درازی زبان انگلیسی
 یعنی زبان استعمارگران بود. اما گذشت زمان نشان میدهد که زبان خارجی که تحصیل شده باشد
 جای زبان مادری را نمیگیرد. زبان هندی که پیش قابل توجهی از سکه هندی و بیان بدان تکلم میکند
 مسئله دیگری است. حزب ما باوقایع ما این است که زبان هندی زبان پیوند دهنده و مشترک برای تمام
 هند و ستان باشد. اما، زبانیکه پس از استقلال دولت کنگر ملی هند و ستان گویند آن زبان
 هندی را زبانی رسمی بر زبان حاکم خلقها نیستند و در نظر من و بعضی دیگر باید آهون استیلا
 اعتراضی شومنی بر سر زبان حاکم خلقها نیستند که بماند. این حرف نیز زنده نگردد. نتیجه این شد که
 و انتهای زبان هندی نگردد شد.

اما اینجا در آن زبانها از زبان تالیق نخستین همه با ما روسی حرف میزنند و اینم خیلی
 طبیعی نظر می آید. این موضوع بطور رسمی نمودن (روسیه) که در ستان مادر کشورهای بر سر
 داری هم اینجه در باره زبان نویسنده نیست؟

ک. خلیل اول - زبان این دو وجه شیبی وجود ندارد. مسئله بر سر اصل لغت و دولتیانه
 بودن و اتحاد است. این لغت: "ما هم (از پیشهنگ هاراد و نظر داشتیم) نویسنده گان طالع
 طبعاً طرفه از این سیستم که در هر فردی که در روسیه زندگی میکند امکان داشته باشد با عدد زبان بزرگ روسی
 رایا بگیرد.

ملاحظه یان چیزها را میفرمایم و کاشیم بعضی کارها بر من جبراست" (۱)
 بر زبانهای روس و خلق روس ملی سانسای حکومت شوروی احتیاجی و احتیاجی تا چهل و خلقهای
 اتحاد شوروی را باید جلب کرد. این امر در نظر من غیر عود آن نیست بزبان روس نمکس فسد
 همانطور که در برزگت باخصیت پیشرفت و تکامل جامعه سوسیالیستی زبان روسی طبیعتاً
 زبان ارتباط و نظام مطلقاً تمام طبعاً و خلقهای اتحاد شوروی گردد" (۲).

۱. شانتین، جمهوری کامل آثار (زبان روس) در جلد ۲۴، صفحه ۴۹۰.
 ۲. ل. برون، ملاحظه ملی، جلد چهارم، مسکو، سال ۱۹۷۴، صفحه ۶۰.

تدریس در حرف، بلکه در عمل

بعضی اطمینان است که در آن زبانها صرفاً آشنایی با وضع اقتصاد آن یعنی با وضعیت
 صنعتی و کشاورزی آن شد. میانان غریبها هات خود را از زبانها نمیگردند. زیرا در تمام سالهای
 پنج ساله نیم آن زبانها شوروی برزبر بردگان مسایله سراسر اتحاد شوروی بود. نخستین سال
 برنامه پنجساله جدید یعنی بزبان پنجساله و همکاران قادر مستثنی نبود.
 تمام اینها موضوع بیرون از ماست مستقیم دارد. برابری اقتصادی سرزمین های وسیع
 گوناگون، بهترین ضروریات لغت است بافتن به برابری حقوق واقعی ملت ها است. در
 شرایط اتحاد شوروی این معنای تشریح پیشرفت مناطق ملی ضعیفانه و توسعه تزاری سابق بود.
 برنامه گمانی که زندگی اجتماعی اتحاد شوروی را یکی میگردید نظر دارند رشد عظیم تولیدات
 صنعتی در جمهوری های در بر افتاده که بعد ها با بر صدمت پیشرفت حقوق العاده گوناوری روشن
 و آشکار است...

آن زبانها تقریباً از تمام مناطق ملی توسعه تزاری سابق با این خصوصیت شنا میگردید که در
 آنجا تا پیش از انقلاب هم صنعت پیشرفته ای وجود داشت. ولی تنها در ورشته استخراج و تصفیه
 نفت. همچنین نیز در آن زبانها آثار زبانهای سراسر اتحاد شوروی را در پیش صنعتی، تا بر جمهوری های
 آسیای میانه که رشدشان به حد ها بر سر رسید، نشان نمیدهند. آنچه با نظر تمام جمهوری آن زبانها
 نیز چشمگیر است: صنایع جمهوری در سال ۱۹۷۰ نسبت به سال ۱۹۶۳: ۵۰ برابر رشد را نشان
 داد. ولی آنچه عده است. این است که در آن زبانها به دوران تکاملی کشیدند عقب ماندگی
 است با زبان داده شده است. با توسعه رشد سایر ورشته ها صنایع جدید با ساختاری از بدین ورشته
 مختلف ایجاد شده است. ما نیز تمام آثار از این گفتمان در نتیجه وضع کوفی جمهوری در طایفه
 نه سال ۱۹۶۳ بلکه با سال ۱۹۷۰ یعنی آخرین سال پیش از حیطه فیزیکی ها به اتحاد شوروی
 است. اگر چه به شکل تبصره ها باشد، خود در این گفتم (۱).

بدین ساختار بعضی از نوشته "اگزونیست" در مقاله ای که با او رسیدیم بخاطر رسیده یکمین
 آن گفته شده است که روسها که از رشد صنایع و در ارتباط با این امر مسئله استقلال در جمهوری های
 ملی اطراف او کفایت نگران شده اند به این جمهوری ها ساختار تک کالای اقتصاد را تحصیل خواهند
 کرد تا امکان خرید آنها بصورت استقلال را کامل از این بپردازند. نویسنده گان مقاله ای که تمام بسوردم
 جای در میگویند دولت شوروی که از سوی اهالی جمهوری های آسیای میانه و آن زبانها که سریع تر
 از سکه روسیه افزایش پیدا میکنند احساس نیاز میکند خواهد گویند نیروی کار اضافی و البته به سبب
 متفکند! ما فقط یکی از تذکرات رافیک سرگیاان دبیر کمیته املتی فر باغ را نقل می کنیم. او گفت:
 رشد سریع جمعیت از ویژگیهای ملی آن زبانها است. در بعضی جنبه گسترده تری چیز گزینیست
 آن زبانها در یک مرکز حزب کمونیست اتحاد شوروی مسئله افزایش تولیدات صنعتی در دو همسین
 در پیچشها و پیچشها را مطرح کرد. در نتیجه برای جمهوری آن زبانها ۱۶ مویسه بزرگ اضافه به برنامه
 در پیچشها هم در نظر گرفته شد. در ضمن چنان موسساتی ایجاد خواهد شد که تنوع تولید و افزایش
 دهند.

۱ - صورت رشد جمعی که معمولاً در صنعتی آن زبانها در ورشته های مختلف (در سال ۱۹۷۰ نسبت به
 سال ۱۹۷۰): تا چنانچه به هر طرف ۸۲ برابر و فقط صنایع مواد سوخت ۲ برابر و بعضی و شروشوی ۷ ق.
 برابر و انرژی الکتریکی ۹ برابر و سایر چیزها و سایر چیزها ۱۰۸۱ برابر و بعضی سازی و حمل آوردن فلز
 ۳۴ برابر و صنایع سبک ۷۰ برابر و صنایع ضد آبی ۷۰ برابر.

ما حالا در گراز سوغایت شهری با ۱۹۰ هزار نفر سکنه که ۴۸ سال پیش در زمان عثمانی از آبادی می‌بودی شد مرئی مستقیم . مسافران از گریزهای جیان و آنهم ناگهروها به قتل رسانده می‌توانند به صنایع آن رفیق گردند . بجان است آباد آن روستوم که سوغایت از نظر انجمن مستحق است به جمعیت خود در ارتقاء شعوری در مقام اول است .

یکی دیگر از معاصی منجماً بهرفت سوغایت از زبانان که در وقت تنوع رشته هائیکه با آنرا تشبیه در اجابت از استقامت و جوی و متحمل جغرافیائی و زمین بزرگ مناطق طبقات در ترکند و جمهوری از طریق بهرفت سوغایت است . در این مورد هم حافظ به یادآورده اکتفا میکنم . در حالیکه ملی و هتاله امیرانکیم محمولات صنعتی از زبانان به بزرگی . در باره افزایش باقی‌مانده در قره باغ چهار پاره برآمده است .

در این اینکه گاهی بیانی از زبانان تحسین و شگفتی ما را بازتابیده بود . چون شایعات بزرگی در این باره به خاطر اشتباه که گویا بر سره رشد صنعتی و برانجام گذرهای مخصوص گذرهای است که تا بزرگ زبانان منابع مواد خام در اختیار دارند و که گویا در وقت سوسیالیستی ملت‌ها از زبانان تقصیر ندارد بر سیمانیم . بزرگی و اشتباهی بر صورت از زبانان در ترکیب کشور با حد اعتماد شعوری بطور شخصی در جمهوری خلق گریز است .

رفیق آ. کریم اولی در گزارش که در این شهر با گروه شعوری گریز مرکز عرب گویاست از زبانان در تاریخ این شکلها با چنین گفت :

تا چندین دهه پیش گرازان زبانان هم در برده از مردم روس و خلقهای سایر جمهوریهای شوروی گرفته برای شکار از گریز می‌گشتند . فقط به بالا آوری تا زمین تنوع یعنی ساختن کارخانه ماشین آلات جنبه اکتفا میکنم . این بهترین ساختن صنعتی از زبانان در سالهای ۱۹۲۴-۱۹۲۵ طبق گزارش گریز مرکز عرب گویاست اشتغال شعوری در برهانه گنجینه شده و ساختن آن بهایان رسید . مطابق روستای این سوسنه و کارهای ساختنی لازم برای ایجاد آن عظیم و مستغرق بود . جمهوری ما به جهت قادر به ساختن آن تنها با تکیه بر نیروی خود نمیتواند . فقط وسائل و آلات و ابزارهای که برای آن از زبانان خریداری شد . ۵۰ میلیون دلار از زبانان داشت . هزینه ساختن تمام سوسنه به ۲۰ میلیون روبل بالغ میکرد . با وجود اینها . این کارخانه که بنیادهای آن در سن ۱۹۲۵ هائی تکلیف ساخته شده بود از بهترین ساختنیهای جهان از این نوع است . علاوه بر کسالت و نیم پس از آغاز کارهای ساختنی هر چه برادران قرار گرفتند . برای ساختن آن وسایل و طرحهای گوناگون بسیاری چیزهای دیگر از تمام جمهوری‌ها را آوردند . بنظر من نمونه بطور آشکار زبانان می‌دهد که از زبانان از زبانان در خواننده جمهوری‌های شوروی برادر زوجه امتیازهای به دست می‌آورد .

رشد صنایع عظیم و صنعتی از زبانان به خصوص برای تحاق برابر حقوق واقعی خلقهای مختلف نتیجه کمک متقابل آنهاست . به شکل دیگری سوسیالیسم به دست خلقها کمک کرد و نهادن شکل می‌دهد . زیرا با اینکه کارگران و کادری که در کوریکه حمله حامل اصلی آگاهی روحیه انترناسیونالیستی است . ما از بسیاری ازموسسات صنعتی و در واقع از زبانان کسب می‌کنیم تازه از زبانان نام مستقیم و شخص میسرانند در این کردیم کارخانه لوله سازی لندن در سوغایت . مرکز استخراج نفت و گاز بنام سیرسویسکی در اطراف باکو . کارخانه وسایل تهیه که از زبانان کردیم و صنعت ابریشم قره باغ بنام ۲۶ کسب کار و کواچله اند . ترکیب انترناسیونالیستی افراد مشغول بکار در آنها از همه جهت تمام این موسسات است . در آنها ۳۰۰۰۰۰۰ طبقت مختلف و حتی در قره باغ کوچک دروازه آسپساید

هفتصنعت کار میکنند . ولی آنچه که امروزه از زبانان را جذب کرد . و یاد فیلتن گویم بگفتی و داشت . این است که بعد کارگران و کارمندان این کشور البته بدون رانسته و به معنی به معنی سخن آوردند .

آری . تولیدات عظیم صنعتی که در بهترین و طبیعی ترین وسیله بکار چینی خلقهای مختلف و با پولهای دوستی انترناسیونالیستی در دستکاران از زبانان است . ملی بلوکیه که . با پول و دیوارهای کمیته‌های سوسیالیستی در دستکاران . این بدان معنی نیست که این کارگر سزود رها کرده است . . . زبانی سازمان سخن . ملی بلوکیه هم سلفکیم در دست کارمندان این خلقها با معنی و رفیق از نظر و رفیق از یاد گفت که تعداد طبقات هائی که سوغایت به ۷۰ طبقات بالغ میگردد . کمیته حزبی که بینگ تهیه صورت گسائی که با یک جایزه بگیرند . هنگام انتخاب هیئت رئیس هیئت است این موضوع را در نظر بگیرد . اینها جزو کم اهلین بودند ندارد . . . اما سزود سزود و سوا تلافی روی می‌دهد ؟ . . . البته اهلان این شهر و زبانان از جوانان شکلدهنده هند کسبه ترکیشان در زمین است . همه هم بجان خود زنده و وقت کارها برآورد است . ولی در واقع هم صحبت بر سر زنده اذهانی استثنائی و افراد استثنائی است .

جنبه دیگر تربیت انترناسیونالیستی در دستکاران کمیته حزبی که در زبانان سیر دارد . استحکام دست کار خلقها با تمام شعوری است . سوغایت از زبانان (روسیه) . با سخنهای زمستان (گریستان) . آدنا (آکرافین) و کسرواکان (ارضتان) بطور مستقیم و در دست کار برقرار تکمیل دارد . رفیق باقر اولی از زاده سخنان خود می‌گوید در وقت برادرانه به آسون نیزه‌های اتحاد شوروی هیکندانه شده است . با روابط انترناسیونالیستی با خلقهای دیگر که در سوسیالیستی راهم حفظ میکنم . بطور مثال . زندگی بین کارگران کارخانه هائی که در سازی کباب برای حرکت در " در بظرف دوستی " به سوغایت آمده است .

... بعد ما بر سر یک خلاصه سخن در سخنهای روسی . چگونه است . چون دروشال در هانان در کشور های با اکثریت بزرگ اهالی را تشکیل می‌دهند و خلعت بی توجهی و بی وفایان و سستی در فروع العاده نسبت به آنها آسون مانگن و فکده‌ها با بیوزگانها در مقابل شایعات ضد گویا (ما سوسیالیستی) حساسیت در آنرا .

صحنه‌ها با گفتند هانان از زبانان هم تا به امروز انقلاب در زمین وضع بودند . لذا الفتن در زمانه ای که در آوریل سال ۱۹۲۱ به کمونیستهای فضا زبونت از زبانان خواست : " به رنگ برای سینه‌ها پیشه‌ها در وضع در هانان دست بگیرند . . . (۱) . این صحبت همین هم تمام و یکسال مرحله اجراء آمده است . اعتماد در هانان جلب شده است . زمینه این کار را هم به مردم بهره‌بردار گفتند بهرفت روشها به سوسیالیستی و انقلابی شروع کارهای فراهم آورد داشت . گویا با هیئت این سخنان باین حاصل کردیم . بطور مثال در باره کارکنان کوریکه سوسیالیستی در روسی و چاربا و ناحیه مارتونین در ایالت خود مختار قره باغ در زمان کمونیستی زبانی . در این روستا با قورم انجمن سزود شیره کاج ترهنگ از سرسبز به گنجینه . . . نفره کتابخانه ای در کتابخانه " آفران بخارا کتاب . مدارس . بیمارستان . پلی تکنیک و نهادهای سوسیالیستی . و طبقه با با وسایل آسایشی و راحتی در دیدیم .

در روستاهای آن خلایق خلقها و کارگران که در زنجیر بد می‌بودند نسبت و سکه روستاها بطور عمده از پیشرفت اند . ولی بطوریکه رفیق ترکیشان گفت اگر در گذشته هم در وقت های تلک مکی سوسیالیسم از زبانان هائی را داشته در روستاها با سزود میگردد در آنهم در دست خلقهای فردی بود . حالا این

امین صورت رسد و باطله آن درآمد بود و حتی جمعی هم بدان افزودند و شده است. حالا چند پس رویتا بیا وای هائی چند ماهه بعد بگرا میباشند و کجاست است. این است که بیکد بگردند میگند در این مورد و داد استانی از شخص بسیاری در باره کشتن قابل. هنگامی رساد و بگوشم در باره روابط انسانی و دستاویز میان اهالی روستاها و بیرون آن دریاچهائی ها و بارانه شدند. معلوم است که در این مورد هم الهای بنیاد استثنائی گمشتند. انواع مناقشات و اختلافات و از جمله خصومتی احد نظرتنمین کنند و ثابت. در ضمن حال کاراید گویید و ترتیبی سختی ناید بریزد و چونچه مذکور دارد. در همان بنطقه بازنویس مازنیان کار بر خلیان شدند که: بزگوشین و دستاورد مادمسله طلی است یکبار در اینجا، و باره این مسئله نظر کنید. این در این مسئله است که مصلی کمالی و در زمان و بنا بر آنده عطف توجه مدد بخشد. این در این مسئله است که مصلی کمالی و در زمان و بنا بر آنده عطف توجه مدد بخشد.

... با آرزو باغ با این احساس آشکار که توجه لنینی، بر خورد و توجه دلجوانه محتاج ضرورت و کوچکترین خلیا بود و دل و جان مردم شوروی و در پی راه اول حزب کمونیست آن جا دارد بازگشتم. توجه در بگوشین که بی اندازه برای کشورهای ما اهمیت دارد گرفتیم. مسئله طلی بدون تحصیل مسئله ارضی و بیرون انجام در گروهبان و تحولات مهم اجتماعی اقتصادی در روستا حاصل شدند نیست. تخریبی عراق هم از جمله معیبه این نکته است. عناصر ارتجاعی خودالی که رهبری جنبش آزاد یعنی طلی کرد هارا بدست گرفته بودند و اصلاحات ارضی که دولت عراق اعلام داشت ترسدند چه شورشی مسلح... بر طبق جدول ستاری کردستان عراق دست زدند. آنها خود ستاری در شرایط یک بدترین ترقی رانندگی شدند، اگر چه این هم تمایل خود را با شعارها یعنی وفد کمونیستی پنهان میکردند. همین مهموجبات شکست شورشی ضد انقلابی را فراهم آورد. حزب کمونیست عراق، بنین در ادکل و اقامی مسئله طلی خلق کرد عراقی و رگرو دشمنان بنیاد و در نهایت ارضی و در گریز از انقلابی و در مرکز آن یک تاج کمرو است.

شرایط تازه زندگی

بسیاری از مطالبی که تاکنون نقل کرده ام، شوروی در باره این موضوع بدست آمد هند کیسه مسئله باربری، جاق و اقامی در مرصه شرایط اجتماعی زندگی فرهنگ در آذربایجان چگونگی دیدگاه است. میانجیستیم آرام بیضاری را که در اختیار ما ندادند و آنده به خواننده ارائه دادیم تا تعداد پیشگان و بیاد استنبا، مدارس و دانش آموزان آنها و مدارس عالی و دانشجویانی که در آنها به تحصیل معسرلند و همچنین از تعداد ادرا بنشدان، دانشگاه های طلی، فرهنگ، موسسات فرهنگی و آموزش، آموزش آنها و سنها و موزه ها، کاغذهای فرهنگ، کتابخانه ها و نظایر اینها را خبر نمود. زه باقی و بیضر فرهنگ آذربایجان شوروی بیوه با تحصیل و بطوریشروع در این مورد برای با صحبت کرد. ما براساس تمام این شخص ها میتوانیم اطمینان بدیم که آذربایجان که در دوران موجودیت روسی بزرگی یکی از عقب مانده ترین نقاط روسی بود، اینک از نظر تمام پیشرفته ترین کشورهای سرمایه داری جلو

افاده وحشی تا اندازه ای ارسطخ توسط در اتحاد شوروی هم بالاتر است. میانجیستیم فقط به چند مسئله که بطور مستقیم کشورهای ما مربوط میشود اشاره کنیم. اول اینکه در آذربایجان مسئله کارهای طلی حل شده است. این رساله جا شاهد بگردیم. در موسسات صنعتی و در کشاورزی و در بایر دولتی و سازمانهای حزبی. کسی هم این نکته را پنهان نمیکرد که مسئله کارهای طلی یک خلق روسی حل شده است. به این هم بعد افتخار میباشند و تا شعرا نیز مسائل انبساط تعلیمات خصمتر از این هم میسود نبود نیز میکنند. بر فیروز اسلامان اوفه که دکتر علوم فلسفیات از دانشگاه دولتی آذربایجان چنین گفت: ما از خلق روس میخویم. ما یک خلق روس میسای خود بدست میآوریم و در نتیجه آن مسئله راه رفتن را میخویم (۱). در دانشگاه دولتی آذربایجان (پاهس هزار دانشجو در دوره روزانه) در بخش وجود دارد که یکی بران آذربایجان و دیگری بران روسی در روس میخود. ولی رشتههای علوم، استادان و اساتید برای هر دو یکسان است. انتساب تحصیل در این یادگان بخش ادولتی است.

دوم اینکه مسائل مربوط به سواد آموختن و تربیت کارمندان تمام حلقهها وحشی برای کوچکترین آنها حل شده است. در دانشگاه دولتی آذربایجان هم مسائل مربوط به وجود روابط همین بسیاری همهک ازبیت هارا نظر کردیم. در جواب با گفتند: حالا چنین چیزی وجود ندارد. نمایندگان طلیت های اصلی طبق موازن تشریح پذیرفته میشوند. اطلاعات های بسیار کوچکی هم مانند ساختن هوا، اودیه ها و اینگله ها وجود دارند که برای آنها امتیازاتی کامل میشوند هنگام پذیرش حق تقدم دارند. ما در این اندیشه بودیم که چند راین مسئله برای کشورهای ما که در آنها بسیاری از تعلیمات کوچک بطور کلی از راه یافتن به تحصیلات عالی محروم اند، حائز اهمیت است. بنظر ما این امر باید که در شرایط نظامی اجتماعی متفاوت با اینها سهمیه جزئی برای طلی قلمنا شوروی است و این هم نه فقط در رشته آموزش شوروی.

سوم اینکه، در آذربایجان مسئله زنان نیز حل شده است و این هم خود بخشمی از محصل مسئله طلی است. ما در تمام رشته های زندگی اجتماعی زنان شافل را میدیدیم: در تمام ایامی رهبری در موسسات دولتی و سازمانهای حزبی و در مدارس و کولیک ها. در تمام جمیعه های آمار و ارقام و در تمام این واقعیتها و ارقام لازم را یافت. باید کرد مردم که در اختیار اربان گذارد. انگلیس میگویم: اگر گفت در سازمان حزبی جمهوری ۲۲ ۵۲۲ درصد افراد زنان تشکیل میدهند و کمیته مرکزی حزب کمونیست آذربایجان ۲۵ ۵۲۰ درصد اعضا را عینا از این دسته کمیکه بخش هم احتیایبند از این زنان بزرگ کرده شد (۲). این وضع در جمهوری برقرار است که صد ها سال اسلام بران حکومت میکرد. یعنی مدعی که خاننشینی زنان یکی از دستهای آن بوده است.

در ضمن سنت های خرفی و بزرگی طلی طریحا حفظ نمیشود. این سنت ها بزرگی ها در واقع در فرهنگ فرهنگ و هنر با شدت خاصی جلوه میکنند. به با قافیه و نیز فرهنگ آذربایجان سنتان روشن و پاکت ما و با قافیه ام اقتاع کننده خود را در باره شعرا و نیز گویای طلی فرهنگ آذربایجان با مسنون موسیالیست (ما در این مورد در صفحات پیش صحبت کردیم) چنین بیان میزنند: فرهنگ طلی

۱- در دوران پیش از انقلاب ۹۱ درصد اهالی آذربایجان بیسواد بودند. فقط ۱۲ آذربایجان دارای تحصیلات عالی بودند. حالا فقط در طول پنجساله ۱۹۶۱-۱۹۶۷ در جمهوری ۸۰ هزار دانشمندی با تحصیلات عالی فارغ التحصیل شده اند. ۲- درصد از نمایندگان شورای عالی جمهوری شوروی آذربایجان ۴۸٫۷۴ درصد از زنان بودند که همراهای طلی جمهوری از زنان تشکیل یافته اند.

سوسیالیستی آذربایجان که در دست مسائل ملی داخلی خود را مساویان داده و صلح کند بچود آورده شده است .
 مافوق یکی از مسائل ملی را که او شرح میدهد . در تاریخ برای آذربایجان بخشی بنام بخش نظام وجود دارد .
 تمام جنگ جنگی در آذربایجان است که چندین قرن پیش از این وجود آمده است .
 در گذشته قبضه جنگی خرمیوم وجود داشت . آنگاه از آن آذربایجان بدان شکل و وضعیت کلاسیک دادند . امپریالیسم برای نظیر " لیبی و چین " از اسامی خاص بود . اول با آنگاه تمام بطور مستوری سوسیالیست بود و در بزرگ جبهه های شهری و سکولار نمایش گذاشتند . بیجا است یاد آوریم که شکل دیگری از هنرمند که فعالیت گروههای رقص و آواز می کند است و این هنرهای آنها را در تمام نقاط جمهوری مشاهده میکردیم . امپریالیسم فرانسوی بر خوردن اراست .
 آذربایجان خود را در خانه خودش در کشورش احساس میکردیم ؛ اگرچه این کشورش را با کشورهای ممالک و نهای مذهبی درازیم .
 در ضمن در همین رشته ، در مریه فرهنگی بودن تاثیر محلول و زندگی ملت ها پیوسته شکل روشن آشکارا بروز میکند . مبادله فرهنگی و هنری مداوم میان جمهوریها باید امریکه میکند و اینهم از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است . زیرا که اینها قابل وفای متقابل فرهنگی ، خود بطور بزرگی معنوی و روحی خلقها و فرهنگ مردم آنهاست . ملت ها باید آید است که همواره طبق تمام مارکسیسم - لنینیسم هدف حزب کمونیست ایجاد شهری بوده است .
 یک ضرورییم زندگی معنوی جامعه بشری بذهب هر باسطله و کوههای ملی و سنت ها از ترمیناس پیدا میکند . برای کشورهای مذهب اهمیت خاصی دارد . این موقعیتی بود که اکثر کشوری که دارای سنت های اسلامی است دیدن میکردیم . میدانیم که اسلام در عراق بذهب رسمی است . در هند و چینستان ۶۵ میلیون مسلمان بر سر میزند (نزدیک به ۱۱ درصد مکتب کبیر) که اکثریت آنها در ضمن به زبان جداگانه ای پیش بر زبان آرد و سخن میگویند .
 پیوسته نیست که محافل کمونیست (مذهبی - فوئیس) شهری وجود دولت را در هند و سیاه تلوخ میکنند . از طرفی محافل ارتجاعی کشورهای سونیا به داری و در حال رشد آنها تا فراوانی به سیاست کمونیست ها در اصطلاح هم نسبت داده میشود .
 ما در ایالات بزرگترین سوسیالیست شهر ما را به پورهیدن کردیم و در میان مجامع مسلمانان روحانیون قتل و زوجه عشق حاجی اسمعیل ایجاد افراطیالات نمودیم .
 ما بطول خودیم که نسبت به اسلام هم ایمل کلی جدا می طیب از ولت و همچنین عدم اتصال تنبیه و طهارت نسبت به افراطی بودیم که در اتحاد شهری بر طاعت میکردیم . مباحثی است - بزرگیک نتیجه اکتفا کنیم . ارتجاعی با یکی کشور ساسب های با یکی و امیرالی مجامع مذهبی را کنترل میکنند . مسا دانستیم که حفظ سنت های مذهبی و مراسم آن امری کاملا در اولیا به است و برای افراد مذهبی مباح برادری وجود ندارد .

شرکت فعال مسلمانان در زندگی اجتماعی کشورهای مسلمانان همیشه به اعتقاد شهری تأثیر مثبتی در برداشت . نقلی از شرکت کنندگان در ترمیناس است که یاد است و در یافت نفسان های " دلاری " و " دلام استالیکر " و نشان های بسیار در کتابخانه آمده است .
 ۰۰۰ قاصد و کلی آنها را که در آذربایجان دیدیم بدین احوال میتوان دید که :
 ۰۰۰ قاصد و کلی آنها را که در آذربایجان دیدیم بدین احوال میتوان دید که :
 ۰۰۰ قاصد و کلی آنها را که در آذربایجان دیدیم بدین احوال میتوان دید که :

خلاصه میباید کرد . ولی از جوامع و طرفداران تبلیغات امپریالیستی و ناپسندگان نیروهای ارتجاعی در کشور های ممالک امپریالیست هستیم که : شمار تیرا و وضع کنونی در اتحاد شوروی را بارز و پیش از انقلاب روسا یادوران تا با مسائلی پس از پایان رسیدن جنگ داخلی مطالعه میکند . حالات عام کشورها نسبت به آن روزها به پیش رفته اند و این جریان بیرون پس از جنگ جهانی دوم کاملا مشهود است .
 از این بر وجه تصمیم گرفتیم وضع آذربایجان شهری و ناپسندگان ارتجاعی که تبلیغات برایش آنرا نموده " امجاز اقتصادی " در " جهان سوم " تعداد میکند . اینها با ایران ، مطالعه کنیم . پایه یکی از همکاران را نشان هفت تصویر به جمله " بعد از " طوفان " ضرر هفت اجزایه کبیر مرکزی حزب توده ایران مراجعه کردیم و خواهش کردیم اطلاعاتی در باره وضع کنونی آذربایجان ایران که میطلبیم وی است بیاورد . رفیق صفری با لطف و بلافاصله اطلاعاتی را که پیش بر ما بر سر می آید بزرگی ایران است در اختیار ما قرار داد .
 جمعیت آذربایجان شهری و ایران تقریباً انداز خود را در " میلیون نفر است " سطح و میزان بهر طرف هر دو در آذربایجان بیشتر هم تقریباً یکی بوده است . بنیام حالا چگونه است .

آذربایجان شهری	آذربایجان ایران
تعداد کارگران و کارکنان ملی (شامل کارگران ایران کارکنان روزمزد)	تعداد کارگران و کارکنان ملی (شامل کارکنان ایران کارکنان روزمزد)
۱۰۵۳۰۰۰ (سال ۱۹۶۷)	۱۰۵۰۰۰۰ (سالهای ۱۹۷۰ - ۱۹۷۸)
در کشاورزی	در کشاورزی
۵۲۴ هزار	۱۴۴ هزار
در صنایع	در صنایع
۶۶۵ هزار	۱۴۴ هزار
تعداد دانش آموزان	تعداد دانش آموزان
۳۱۰۰۰۰	۲۲۰۰۰۰
تعداد پزشکان به نسبت ۱۰ هزار تن از اهالی	تعداد پزشکان به نسبت ۱۰ هزار تن از اهالی
۲۸۹	۳۱
تعداد دستفروشیهای بیمارستانها به نسبت	تعداد دستفروشیهای بیمارستانها به نسبت
۱۰۰	۴
ده هزار تن از اهالی	ده هزار تن از اهالی

تیمبر ۱ - ۱۴ هزار کارکنان روزمزد و صنایع آذربایجان ایران بطور صده در دستکات کوچک (۱۰۵ کارکن) مشغول کار هستند . تعداد موسسات بزرگ ۵۰۰ کارکن است . دستکات است ، کتفام آنجا است در زیرترین گانه شهرت علمی این منطقه مشترک شده اند .
 تیمبر ۲ - در مناطق روستایی آذربایجان ایران پلی کمینک ، بیمارستان و موسسات فرهنگی و آموزشی ایجاد شده اند .
 تیمبر ۳ - آذربایجان های ایران حق تحصیل بر زبان مادری خود را نه ازند . از موسسات فرهنگی و علمی ملی مانند کتابخانه ، موزه و نظایر اینها خبری نیست . هنگام ترشکاری در باسح ستوان مربوط به طبیعت باید گفت ایرانی ، زبان آذربایجان از " لجه های " (دیاکلت) زبان فارسی بشمار می آید .

مسائل حل شده است ولی کار داده دارد

بدین ترتیب فیصد تقریباً ۴۰ که در سطوح مختلف تراز گردیدند چنین بود : مسئله ملی بنگلی که از روز گذشته بتازمانه بود کار داده شده ، بطور کلی حل شده و بازگشت ناپسند نسبت به این سخنان ماضی مشاهدات خود باین حاصل کردیم .

انها همین اعتقاد و خود طریقیان را بر این داشت که دستبوال را باینهم در تمام سطوح مطرح سازیم :

۱- آیا این بدان معنی است که در بکرگی کاری باقی نمانده که انجام شود ، البته منظور ما از بین بردن امرات گذر شده است ؟
۲- به معنی اینها کدام شکل مستطیلی جنزویل نشده است ؟ آیا این نقطه نظر جصاصی برای آیند مطرح است ؟

در پاسخ هایی که بیاد داده شد ، موضوع نقش حزب کمونیست در این روند اجتناباً به بحثها منتهی نگردد ، اما در این مورد فعلاً هم نتخیم ، ولی بازگشت به این موضوع ، از نوبت اولیاً لایحی بیرون میسر نمی آید ، و اینست :
حزب کمونیست اتحاد شوروی از روزهای پیش خود یک حزب انترناسیونالیستی بود ، این همسواره با هر کوششی که برای تفاق یافتن در میان کمونیست های روسیه در " جانشای ملی " بعمل می آید ، بی رحمانه مبارزه میکرد (این قویانه تلاشها در تاریخ حزب کم نیود ، برای نمونه مبارزه لنین را با مائو می بیند ، بخاطر ابرویم) ، و اینجا هنوز بر روشیمس مذهب طلبانه و ناسیونالیسم ، حتی با کوچکترین نوع انبساطا بطریقی آشکارا تیراکی تیراکی میکرد ، این اصل طلبانه را هم که یکی از شرایط صدها بر ضرورت در سطح مسئله ملی در یک کشور کثیرالملت است ، امروز هم از مشخصات حزب کمونیست اتحاد شوروی است .

کارهای حزبی بقدر توجهی که از یاد جلب کردند ، با درآوردن با چنان امکان داشتیم مسلماً در تمام سطوح یا در پیرا اولی های سازمانهای حزبی ملاحظه کنیم ، چه افراد کارآمدی هستند ، در این زمینه مسئله گذشتی " دیربرد دوم ها " که بنا به اظهارات جلدین بیوتسکی در دهها روسها هستند و کما همسوز را آنها تعیین میکنند ، چقدر رنجها بر آنه بخضر می رسد ، اگر چه ، روشن است کما میان دیربران کتبه های ایالتی ، کتبه های شورویست هم آن را بجای می ها ، هم ارائه و هم روسها را بدیم و اینهم صاف و ساده با زبانت ترکیبی ملی اهالی و حزب است ، اما آنچه مهم است این است کما احساس کردیم آنها در چه محیط واقعاً دوستانه انترناسیونالیستی کار میکنند .

آینستروالیهای ما که اغلب برایشان عجیب و غریب بود ، بهم و هر کسی نداشتند و از جواب دادن به آنها خود داری نمیگرددند .
یکی از دستبوال های ما که اغلب تکرار میشد به یاد می آید ، ای مربوط بود کما هم بکرات بی شنیدیم و آن هم پانزدهم های سازمانهای حزبی بود که ترتیباً انترناسیونالیستی در دستورشان قرار داشت ، بطوریکه بناگفته این قبیل پنجم ها با نامله های معینی در تمام سطوح از کتبه مرکزی حزب کمونیست جمهوری کما کتبه بخضرینگز میگردند ، در این پنجم ها برای بر طرف ساختن اشتباهات و نارسائی های که در این زمینه به چشم می خوردند ، ابزار لازم اتخاذ میدیدند .

ما پرسیدیم اگر مسئله ملی حل شده است ، اگر چنین مسئله ای مطرح نیست چه نارسائی های سیاسی صورت میگیرد ؟ چنین پنجم ها را بیچاره می آید ؟
پاسخهای ما همسوزی که در رتباطی و خوشیها ، شهرها و روستاهای مختلف بیاد داده شده در سخنان کرم اول فرمول بندی کرده ، و باید بدان که آن هم برد اینهم :
تعمیرات ملت شورویت نمی غلطی صحیح متابع هر یک از ملت ها با متابع تمام خلق شوروی در هر راه های مورد کارگزاران روزانه است ، مناسبات ملی و تابعیت زنده و در رتباط و بسط و تکاملی است و سیاسی را که بدین مناسبات پیش می آید باید بطوریکه مورد بین وقت حل و فصل میگردند ، البته مسئله صدها در این زمینه کما هر تاتیک و روزانه لازم برای نزدیک ملت ها است .

دویمینت وجود ماته های گذشته در ذهن و آگاهی مردم است .
بالاخره تبلیغات خصمانه از خارج است که بدست دستبوال ملیت ها انجام میگردد ، زیرا آنها با وجود تاملگراییاته باید اینک بطوری رسیده و تبلیغاتی کشنده را تصدیق کنند ، و این مریضه .
•••••
گاندو با اینچنان ربابا احساسات حزبی بسیار و فعالیتها همجانیه و دیگران را به کمونیست های شوروی و ترک کردیم - تحقق اصول لنینی به حزب کمونیست اتحاد شوروی امکان داده ، نه فقط در سیاست بلکه در اقتصاد و امور اجتماعی ، بلکه در زندگی معنوی هم آنها را زنده ، در ذهن و آگاهی توده های مردم در کوشش صریح بدیده آمدند ، و در حل واقعی یکی از خارج ترین مسائل زندگی اجتماعی یعنی مناسبات متکلیف ملی ، و توفیق حاصل شده است .

یک نکته دیگر ، ما بدیم و احساس کردیم که در این نزدیک معنوی خلقها ، خلق روسها با ما در کیش برای گذشتن از همه چیز خود بنظر میمانند که واقعی و بی تمام خلقهای اتحاد جماهیر شوروی ، این معنی ایضا کرده است ، در همین حال متناسب با اهمیت این نقش اتحاد واقعی را هم به خود جلب کرده است ، رفیق طوب اولوف ضمیمه و بر روی سیاسی کتبه مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی ، دیربر اول کتبه مرکزی حزب کمونیست آذربایجان در سخنرانی خود در سوختن کتبه حزب کمونیست اتحاد شوروی بدینش گفت :
••••• ما امروز ظرف مردم آذربایجان نشان قلبی خود را بی تمام خلقهای صیدمان و به سیرا در بزرگان خلق بزرگ روسها طرفدارک های بی شایسته بدوستی و برادری ابراز میداریم .

آخرین دستبوال ها و تشریح مسائل

پیرا اینا رنگت از آذربایجان بعمکو ، و "روین صد رشورای طبیعت ها در رشورای ملی اتحاد جماهیر شوروی را میزدیم بیوت " اینک کتبه ها را با این سخنان آذ کرد :
" ما بعد مسئله ملی اشتغال میکنیم ، ولی این مسئله امروز هم هنوز تا به آخر حل نشده است .
طبیعی است که ما از او خواهرش کردیم شرح دهنده که نه تا به آخر " یعنی چه در ضمن بگویند تغییرات تحول آینده مناسبات خلقی در اتحاد جماهیر شوروی را چگونه تصور میکنند .
- رفیق روین با سخن خود را با این سخنان آذ کرد که :
" مرحله تازه تیره و تیره شوروی و براتیک مناسبات ملی در اتحاد شوروی پیرا رنگت بیست حزب کمونیست اتحاد شوروی آذ کردیم ، این کار در دو جهت انجام میشد ، نخست جمع آوری طبقه بندی فاکت ها و تجارب بدست آمده ، دوم تامل و تعمق تطویر در نظرهای ما به هر چه چشم انداز بسط و تکامل مناسبات خلقی ، پیرا در ارتباط با ساختن کامل سوسیالیسم و انقلابی ساختن کمونیسم .

چنان بدینقرار است کما مسئله ملی را بنیادهای زندگی جامعه ، هرگز های فریادسین اقتصادی و شرایط اجتماعی که در آن وجود دارد جدی گردد ، یا تعیین آنها و یا پسریت فریادسین ضمن مسئله ملی هم موضع میشود ، اکنون در کشور ما سوسیالیسم پسر شده ساخته شده است ، حالاً با طبقه کارگر دیگر و طبقه کوشنهای دیگر و پیشرفتگران دیگری داریم ، و در واقع اینها هم در درجه اول بر طبقه تشکیل میگردد ، و آنگاه تری نیکنکه با و تصمیم و ابرام این تری را در تانوس اساسی که اینک در دست تهیه و تدوین است مشخص کنیم ، علاوه بر این ملت ها در جهات کما هر متقابل رضای متقابل فرودگی هم تعیین میکنند ، بالاخره آنگاه زندگی پرشکوه تر میشود ، بنیاد نهادهای و اطلاعات افزایش می یابد و خود انسان ها هم تعیین میکنند ، همه اینها در سطح دستبوالها واقع میشود .

بدین ترتیب باید کوشش کرد تا این خطی اجتماعی زندگی ، ملت ها هم به پسریت میکنند و در آنها تغییرات اساسی بوجود می آید و دوستی میان آنها استحکام بیشتری پیدا میکند ، اما ، البته ملت ها نه امروزه نیز فردا نه حتی

در نخستین مرحله جامعه کمونیست، پیشرو خواهد شد. بنا بر این صورت سیاست ملی و کانون هم بجای خود باقی است. اگرچه عضویت آنها هم با عضویت در مملکت تغییر نخواهد کرد. ...
 ما باید هم گفتیم که مسائل ملی از آن جهت که در مملکتها همگی مشترک است، همسنگ است. مملکتها هم تفاوت های گوناگونی دارند. اما در اصل همه آنها در یک خطه تا به انگلیس "اگر بویست" که بر آن یاد کردیم با تفاوت های جزئی، برینسنگی را که حلالها برینسنگی جود می یابند متحد و این کار برینسنگی است. این نظر که را در دیدیم. او میگوید فریب ندهد. در وجهها برینسنگی مسائل ملی است. تنها حدود همین. با طریقی واقع بینانه چند گزافی (پارولیسیم) را از طریق ملت گزافی وجدانی طوری ...
 در اتحاد شوروی اشاعه دهد (۱)

فاد را برین مورد همین واقعت مجاز بود در کامل تبلیغ جدا غله در مورد خلقی کشورها و آنستیم با ظاهر هر مراتب اصولی همین سخن سلطنت آنرا کارگزار در با خود اند بهر دیدیم. بیبر ظاهر باید دانست برینسنگی بچه امیدینست است؟ کدام جدایی طینی واقع بینانه ؟
 ما در باره جزوگی ماهیت واقعی چنین تبلیغات داشته داری به رفیق یوری مرزوجه کرد پسیم. او با صراحت جواب گفت: "این دو مملکتت صریحاً عدلی خلقی است. تبلیغات پرزورانی با اصلاحه خاص این اصلاح مسئله بودیدیان بهره برداری میکند. اما بودیدینا بطور کامل این تمام حقوق ملی در اتحاد جماهیر شوروی است. این مسئله را از جمله فرهنگ ملی آنها در حال پیشرفت و ترقی است. در برینسنگی برابری حقوق سیاسی هم همینند گزافی است بگویم که بیش از ۲۵ هزار بودی (با توجه به اینکه کسل تعداد آنها در شوروی ۲۰ میلیون نفر است) نمانده شواهد در سطوح مختلف اند. این را هم با ادوار همیوم که در تمام مدت موجود است حکومت شوروی کمی بیش از ۱۲۰ هزار بودی از آن جهت شوروی مهاجرت کرده اند. در همین حال ملی سالهای اخیر از تعداد آنها همیوم از شوروی به دست گاسته شیبوه است. همین این سخنان را میتوان در باره آنها نیز گفت (مطبوعات پرزورانی در باره سرزنشت: "رفت بار" آنها و گویا همین بودی ها نیز با نظریاتی میکنند) و تنها نزه پلان به ۳۰ هزار نفر از جمع کسل تقریباً ۱۰ میلیون نفر از نفای ترک شوروی باز کرده اند. بطوری که مشاهده میکنید، اگر مشکلات هم پیش می آید، آنها را حل میکنیم"

چند نکته شایان توجع

- ۱ - ما برین خاطر کرده ایم که مملکتی در اتحاد شوروی برپا به سیاست نینس که بطوریکه بر آن دوری میشود کامل حل شده است. فقط ۱۰ سال از انقلاب اکثریت گشته است. اما در این مدت گوناگون چنگارهای زیادی در خارج ترین رتبه های مطابقت آنها انجام یافته است.
 حل مسئله و مکتوم برریم و نیز در برینسنگی مملکتها همیوم یعنی به نظام تازه بهر برینسنگی تحقیق یافته است. اما تا این به این معنی است که ما در کشورهای خودمان و پیش از آنکه مملکتها همیوم ساخته شود، نتوانیم هیچ مملکتی بدست آوریم؟ بنظر ما طرح مسئله بدین شکل تا در نسبت بودی ...
 اولاً - هنگامیکه به گفته های این نسبت در دیدیم، ما در این باره نتوانیم که در دریا با مملکتها سرپا به داری هم در حل مسئله ملی با برریم و اداری از نو گزافی همیوم برینسنگی پیشرفت حاصل کردیم.
 ثانیاً - مسئله ملی جزئی از مسئله انقلاب اجتماعی بودا نیست. برای کشورهای ظالمین مملکت به جزئی از مسئله انقلاب ملی - دو مکزاتیک مبدل شده است. احزاب ما نیز در نتیجه مملکتی خود در مورد

۱ - در مملکتها که در نتیجه انگلیس، کمونیست، ۱۹۷۷ مارس ۳۲

مسائل مشخص مانند انجام در گزافیهای بنیادی شرقی، خود مختاری و برابری حقوق زنهای ملی و نظایر اینها در حقیقت همین مسئله را پایه و اساس قرار میدهند.

ثالثاً - در کشورهای ما در دریا ملی که استعمار نیه امید دامن زدن به اختلافهای ملیسی، شومیم و جدائی طلبی و استناد از این قبیل روحیات پرمیله نیههای شرقی و تقدم بر برینسنگی و مملکتها است. مسئله ملی به جز تحکیم ناید بر باره خود ملیستی مبدل شده است.
 ما بر این کمونیستها در این رتبه غنی خواهند بود و با وقت استراتژی جنبه واحد فساد

امریالیستی را یکبار نندند.
 ۲ - ما برین حاصل کردیم که طوری تا بچقا بشود در مملکتها در حل مسئله ملی در اتحاد شوروی و در کشورهای ما، در این رتبه هم قانونندی های مشترک وجود دارد که در نتیجه شوروی نمایان کردید است. بنظر ما برین از آنها برینسنگی است. تحقق برابری حقوق سیاسی برین و شرط ملت ها، دو مکزاتیک کردن پیگیر زبان دولت، تحقق برابری حقوق واقعی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حبسبیل دو مکزاتیک مسائل مربوط به زبان، نقش تعیین کننده طبقه کارگر و حزب آن، بدل توجه به عقبسازان شوبه خاص به خلقهای کوچک، مراتب اصل داوطلبانه بودن در تمام مسائل، شکیبایی و مراقبت، وحدت انترناسیونالیستی کمونیست ها.

البته، این قانونندیها باید بطوری علق و با توجه به شرایط محل بکار بست به بطوریکه تکنی
 ۳ - ما برین کامل به صحت و صلی بودن این اصول نینس بازگشتیم، زیرا یاد دیدیم چگونه تحقق پیگیر نظریات نینس در باره داوطلبانه بودن برابری حقوق، احترام به شایستگی ملی و با توجه برینها یکسان مطلق به رسم نگاهه و ریزانه رفتار مردم شوروی مبدل کردید و بدین برای دشمنی و ظلمت میان برینت های باقی نماند. یاد دیدیم که چگونه برپا به این سیاست نینس از خود اد کثیری ملت ها و خلقها با معیبه تازه ای یعنی خلق شوروی، خلق متحد کثیری که برای ساختن مملکت کمونیست دست بدست هم داده اند، پدید آمده است. با مظهر و با مظاهر بزرگ مشترک و همگانی انسان شوروی احساس کردیم

۴ - ما با یاد رک بهر برینسنگی انترناسیونالیسم برابری و ارتباط جدائی ناید بر آن بر این مملکت واقعی این کشور را ترک کردیم. همین برینسنگی شوروی، انترناسیونالیسم مملکتی شوروی، همیوم نسبت به همگانی مردم مملکتها با توجه حد زیادی در این و آگاهی مردم شوروی همیوم پیوسته است. هر آنان برای رساندن تک به خلقها و پشتیبانی از تمام مملکتها شرقی، اجتماعی و اقتصادی را سخن است.
 مشاهده دستاورد های اتحاد شوروی یعنی بدست آوردن تقدیر آزادی خوشبینی و الواسع در مملکتها و بر راه زندگی شوروی برینسنگی جامعه بشری است.

نخستین سبب ابتکار تاریخی کمپوزان راجستری و سوسیالیسم در مابین برطانیه امپریالیسم بدست آورد و همچنین مضمون تکامل یابنده این ابتکار، بنظر ما نقطه برپایه همبستگی هرچه بیشتر صفوف ضد امپریالیست و تمسک هرچه بیشتر اصول همبستگی بین المللی کمپوزان زینین و تمام پیروانهای برجسته واحد های انقلابی دوران معاصر بوده اند. میتوانست محفوظ ماند مواضع کامیاب است.

البته در شرایط کنونی طیف نیروهای اجتماعی و سیاسی که بر ضد امپریالیسم و سرمایه داری مبارزه میکنند بسیار گسترش یافته است - تردید نیست که اشکال سازمانی و اشکال و بکارهای مبارزه به معنای سطحی همین الطلی گوناگون تریونی تر شده است. بقی و ابتکار شوراهای با وساطت متحدی که از این وضع نامش میگرد و همانقدر زیاد درست میبود که به بخش هر یک از واحدهای تازه ای که در جنبش ضد امپریالیستی وارد سرمایه داری حرکت دارند کم چهار دهه شود. اما تمام اینها به پیچیده مارا بمان تقویه ای نمی رساند که گاهی در باره "عدم کفایت" یا "بیحد و بیانت" انترناسیونالیسم پرولتری گفته اند. با پیوستن ما به سازمان سیاست همبستگی در جنبش جهانی کمونیستی و کارگری تبلیغ میگرد و گفته میشود. از جمله واضعیه که در این مورد نیروهای شرقی قارصا، آمریکا، که از لحاظ عظمت نظریات خود نیز با هم تفاوت دارند اظهار کرده اند اعتقاد ما را واضح تر میکند. ما در این مورد در مقاله ایسن مقال صمیمت خواهیم کرد.

این راهپرو باید خاطر نشان ساخت که طرفداری کمونیستها از انترناسیونالیسم پرولتری به پیچیده یعنی سکتاریسم و کمپادان در بعضی کشورهای دیگر و اینکه بنظر دیگر گمراهی جزئی با کلی جامعه فعالیت میکند. نباید باشد. بعضی سیاست کمونیستها همواره معطوف به حد اکثری است تا تمام کمپوزان بر علیه امپریالیسم و مخاطره گراییهای شرقی اجتماعی بوده است تا وقتی که اینها را آنها نامش در راه فعالیت مشترک بهمانسانی آوردند. کمونیست ها با تائید پایه پرولتری-اشتراکیست و انترناسیونالیستی سیاست همبستگی خود هیچوقت نخواسته اند این خطیوم را بمتحدین خود که هنوز نمیتوانند آنها را به پرتی و باحتی آنرا رد میکنند. تحصیل نمایند. از طرف دیگر این عدم درک با عدم پذیرش کمونیست ها را بکارگردان در اصل انترناسیونالیسم پرولتری با عدم و ساختن آن در چهار چوبی که این اصل میخوانند در دوره آن مورد قبول متحدین غیر پرولتر در این مرحله مبارزه باشد. طرز نمیکند. کمونیست ها از این جنبی بطوری بگردن رتاره افراطی نیز پیروی میکنند بطوری که به عدم در بسیاری از کشورها و پارها نظریات کمونیست پرولتری که در ادای "شاه" غیر پرولتری هستند بنظر حلقه رهبری کمیده و پیرویشتری و گمراهانده اجتماعی بر حومه مبارزه کام نیاده است.

در باره اشتباهات سکتاریستی که در گذشته در سیاست برخی از احزاب کمونیست وجود داشته است، باید گفت به پیچیده آنها زنده و طرفداری از انترناسیونالیسم پرولتری نبوده است. وقتی انسان میفهمد که این طرفداری برابری استیج از محیط توجه به مساوات و تشویقات است که در جریان وجود آمده و حاوی خطرونی "مترددین" کمونیستها است و راه را بکارگران برایشان تمهید انقلابی میدهد و مبارزه و ناگزیر بنظر تقویه میگردند که در جنبش المپاریتی اصولا خود طرح مساله باید درست است.

در واقع در جنبش صورتی در کمترین پیروانهای کمونیست انقلابی جهانی فقط یک سال های اخیر به ست آورده شکل میدهد. عدم بر حومه با پیروزی تاریخی مزد پیشتام را در نظر داریم که برهبری حزب کمونیست آن بدست آمده. چیزی که در تمام اقد اخلاقی و مکتبی به انترناسیونالیسم پرولتری بوده است. قوم وی خان در هرگز کمپوزان حزب خلقی-انقلابی لا فوس چندی و بعضی

انترناسیونالیسم پرولتری و روند انقلابی در افریقا

آیات دانسونکو

عضو هیروی سیاسی کمپوزان
حزب افریقائی استقلال سنگال

بحث بند اکثر در باره اصولی که پایه اساس فعالیت کمونیستها را تشکیل میدهد شد که بلا طبعی است (۱) . مارکسیسم - لنینیسم مجموعه قواعد جدید نیست. مارکسیسم - لنینیسم ترجمه تاریخی زیورایک امپریوز مبارزه طبقاتی از خواه به معنای سطحی و خواه به معنای بین المللی از لحاظ تفویک تمایز است. در این رویتاد دل نظر بر با وساطت مربوطه انترناسیونالیسم و مضمون آن نظام و اشکال آن در مرحله کنونی بر حومه انقلابی جهانی قانونده شده است. ما نیز میخواهیم سهم کوچک خود را در این بحث بند اکثر با بررسی جامعه شرقی از جنبه های مسئله مورد بحث در اکتم بدین ترتیب به خود عظمت دوران ما که در دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم به معنای جهانی است تغییرات را در این رویتاد اقتصادی و اجتماعی و سیاسی در زندگی طر لاجد اگاهانه و در نتایجات بین المللی مسافت تازه گوناگون بوجود می آورد. تغییراتی که در دوران ما بوجود می آید عدم بر هر سر چیز نتیجه مبارزه ضد امپریالیستی مشترک معنوی و حکم جهان معاصر یعنی سیستم جهیستاسی سوسیالیسم و طبقاتی گر جهانی و جنبش آزادی بخشش ملی است. هر قدر هم نیروهای که امپریالیسم هنوز خیره دارد و قابل توجه نباید موقوفه های بر حومه انقلابی جهانی امروز ظهور اساسی در بکارگزاران گرفته است. اما اگر با این عظمت عدم و دوران معاصر صمیمت کمونیسم به پیچیده برای آن نیست که فقط این واقعیتی را که بر مگان مسلم است، یاد آوری کرده باشیم.

نیروا حل و فصل مسائل جدیدی که در مقابل جامعه بشری قرار دارد و بلا واسطه بطوری مشخصی با فعالیت در گمراهانده و نیروهای انقلابی و با شکست هائی که به امپریالیسم جهانی - این موجود آورنده جنگ - مناسبات آفاقی و استمرار و وارد می آورند ارتباط دارد. هم اکنون عدم ها میگویند از مردم آسما و افریقا و آمریکا و لاتین در نظر گرفتن و معروضیت های توانفرمای بر سر میزند. مسلوبت این وضع هم بحدی که سیستم جهانی سرمایه داری و پیوستن آن امپریالیسم است. دخل و فصل مسائل مهمیاتی مانند اختلال وضع اقتصادی و کمپوزهای آزاد شده و از بند استعمار، نوازی ها در لاسسه مناسبات اقتصادی بین المللی و نظایر اینها تا حد و بسیار زیادی وابسته به تقویه آنها با هم بیشتر توانمند نیروها در حومه جهانی میشود علاج. در موزاسی، سوسیالیسم وجود و شدن بیشتر در اصل قوانین و مشخصات سرمایه داری است.

نظریه و راهبره اهمیت و نقش طاق چینی تنگنا می برای پیروزی مردم لا تقیر در مصداق همین جمله صلحگر ساخت (۱) . اگر سخن از راهبره و رهبران باشد باید گفت آزادی مستصرات و بحال که رهبری نیروها و سازمانها و انقلاب - در موزکات به دست آمد به روشنی نشان دهنده حیات بخشی همیشگی پرولتری - انترناسیونالیستی گردید .

این نکته با روشهایمان تذکرات است که خود این نیروها و سازمانها در باره اصل انترناسیونالیسم پرولتری تازه ای هم فاشتر بد بخور نامیده هاند . در اینجا نیز هیچ کوششی برای آنکه نقیض " سنتی " برآمده شود . " کلمه پرولتاریه و صلح و مسلم حفظ میشود ، بحال نماینده درک ارتباط ارگانیک مبارزه آزادی بیشتر در کشور خود با مبارزه جهانی بر طبقه امپریالیسم استعمار آفریند . پایه حیاتی ضروری بودن این اصل واضح و استوار گردد . سازمانها مثل رهبری جمهوری موزاسلند در کنگره چندمی پیش از PRELIMO پیروزه این نکته را تا کنه کرده و گفت : حزب ما یک حزب انترناسیونالیستی است ، طی حاشیای دراز ما بر آزادی پیش طی پایه اهمیت انترناسیونالیسم پرولتری می بردیم (۲) ای در افقهای گریزناپذیر کشورهایی که راهی کوششی امپریالیستی را برگزیده اند انترناسیونالیسم پرولتری را طایف می داند که همیتان برای سرنگونی جنبش آزادی بخش طی در گذشته و در حال حاضر فوق العاده زیاد بود و هست . این امیند این طبع هر چه بیشتر جنبه توسعه می کند در این قبیل کشورها که طی بیست سال اخیر وجود آمده اند ، سازمانها و افراد ای در رأس حکومت قرار داشته که هر اندازه هم نسبت تأثیر کمونیستی باشند ، به پیچیده بشمار اصول تئوریک جنبش کمونیستی اکتفا انداشتنده . میسبان و طایف ویژه همیشگی خام ضد امپریالیستی پرولتری هیچ طایف و صفات پرولتری نقد نمی نمودند و از تجربه روشن است که این مفهوم را نباید با هم مخلوط کرد . در حقیقت هم از بدگاه حزب موزاسلند گفته ام . پ . ال . ۲۰ . حزب کارنگو ، PRELIMO ، انقلابیون سوایی ، اعضای چنین و چنینی که بر ضد امپریالیسم و سرمایه داری خواهان بغضای طی و خواه بین الطلی رهبری میکنند . ارتباط بینا پرولتری یکی با انترناسیونالیسم پرولتری دارد .

در چنین وضعی که هیچ گفته گرافی یعنی چیزی که مانع " حلقه و تداخل میگذشته " قابل تشریح باشد وجود ندارد . این وضعی که امروز واضح برای حل وضع انقلابی اتحاد اساسی میان مردم این کشورها و امپریالیسم نازی میگرد که در ضمن آن از امکاناتی هم که خود موجود است آرد و گناه نیرومند سوسیالیستی ، پرولتریای جهانی و پیشا زمان آن یعنی احزاب مارکسیستی - لنینیستی در برابر آنها میگردد استفاده میکنند . پیروزه این نکته را باید یاد آورد که حصول انقلابی امپریالیستی سازمانها و انقلابی - در موزکات در وجه مبارزه کمونیست لنینیسم (برخی از آنها هم اکنون آزاد گردید) لوی خود می دانند ؟ به پیچیده و رغود ویژگی آنها نقصانی بوجود نمی آید . چه اسما گفته شود که کسی هم در جنبش کمونیستی حتی نگران راه نمیکند که آنها را بنظر این خود بوی " سرنگونند " . بدگس ، این خود ویژگی در اسناد رسمی جنبش جهانی کمونیستی مورد تأکید قرار گرفت . کوشش های احزاب و سازمانها و انقلابی - در موزکات در وجه تحقق در گزینی های بنیادی فاسد امپریالیستی و اینها یعنی ضد بد کفیزهای جامع کمپریهای سوسیالیستی و تمام کمونیست های جهان بر خیزد .

۱ - نامه " فرم وی عمان : پیروزی مارکسیسم - لنینیسم حلقه در لا تقیر . مجله " ساسلین صلح و سوسیالیسم " شماره ۳ ، ۱۹۷۷ .
2 - " RUDŔ PRAVO " , 9 února 1977 .

میدانیم که کشورهایی که مستکبری سوسیالیستی را برگزیده اند به عمل آزادی و یاد رستند از طریق سیاست مستحکم اقتصاد و سایر روابط خود با برخی از کشورهای غربی صورت گرفتند . و این هم معنی حفظ روابط با سوسیالیسم جهانی سرمایه داری بطور کلی است که به بدین ترتیب منتهی به یونان و زندگی اقتصادی و اجتماعی آنها نقطه امروز و روز است بلکه طی دوران معینی جزو تاریخ تمدن خواهد کرد . همچنین سبب عامل همیشگی رهیختنانی از طرف نیروهای شرقی جهان و بقدر بر همه از طرف سوسیالیسم جهانی که انترناسیونالیسم پرولتری را به واسطه آنرا تشکیل میدهد ، برای این کشورها اهمیت بیشتری می کند .

هفته نامه " اتوسا " ارگان مرکزی حزب کارنگو گویند این کشورها را بطور دقیق چنین فرمول بندی می کند : " انترناسیونالیسم پرولتری بهترین گامی است که با نژاد کمترین طغیهای همیشگی است ، (خلقهای مستعبده جهان و کشورهای سوسیالیستی - آ . ب .) . امپریالیست ها و نگران آنها با راههای منتهی به پرولتری خود انترناسیونالیسم پرولتری را بحال سیرده اند . اما این بسک تصویر باطل واقعی است . همیشگی انترناسیونالیستی طی دوران اخیر راه را بسیاری از نقاط گریزمن جلو نگردد . . . آنکولا که از نقاط در بگرنیزه بلنراست در رسا صوره مرتجع من و شیرواهی تجاوزگرا بود . نقطه در ویرت و تحقق انترناسیونالیسم پرولتری در عمل از آن وضع دشوار تر آمد . (۱) این وضعیتانی نیست که نباید که این کشورها و سازمانها و افرادی که سرپرست مستکبری سوسیالیستی دارند در موزکات با حزب کمونیست و جمیع ضد امپریالیستی کونگون همواره با تفاق آرا اعلام پیدا کنند . " زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری ! . "

۱۰ مارس سال ۱۹۷۶ فیدل کاسترو در کنفرانس و تیانیدگان آنکولا ، گینه بیسائو و جمهوری گینه ، آکوشینونشو ، لویس کابوال و سکوتوره ، در مقابل دهها هزار تن از اهالی گینه دروس های رویداد های آنکولا را شرح زیر ترمیم و توصیف کرد . او گفت آنکولا کاملاً حق داشت " بسیاری تقاضای نطق به خلقهای انقلابی رجوع کند ، زیرا امپریالیسم سرنوست است و هیچ کشور کوچکی مانند گویا و آنکولا قادر نیست به تنهایی بید و رو هیچ کجکی تجاوز امپریالیسم را دفع کند . (۲) و گاه انقلابی و پیروز دارد ، جنبش انقلابی موجود است و انترناسیونالیسم پرولتری وجود دارد و اگر امپریالیسم می خواهد بداند انترناسیونالیسم پرولتری چیست ، آنکولا برای نشان دادن آن نمونه بسیار عالی است . (۲) .

و در جمهوری موزاسلند ضمن سخنرانی خود در میان مردم لوبو و اطرافها در کشورها امتنان نسبت به مردم که از حزب کمونیست آن ، به خاطر کمک برادرانه آنکه به ما آوردند آنکولا امیرانگردد تا گفت : " ما در اینجا گرد آمده ایم تا از روزی که از این خود در اصل انترناسیونالیسم پرولتری تأیید کنیم . انترناسیونالیسم پرولتری بدان امکان داد و حلالق حیاتی و تاریخ مشترکان را به نیروهای مطلوب نقدی تبدیل کند که برای خلقهای ما استقلال و سعادت ختم را آورد " (۳) . این وضعی که اصولی به پیچیده یعنی کینه برستی مکتوبیست و با محدودیت در وجهار چوب در کترین هاسمن برخورد به مسائل عظیم تاریخی و این بین الطلی از طرف کشورهای افریقی که سرپرست که مستکبری سوسیالیستی را انتخاب کرده اند نیست . این کشورها اعضای سازمان وحدت افریقا هستند و طوری که آنها پیگیری از پیشی ضد امپریالیستی پرولتری میکنند . این کشورها با تجربه آریانیان

1 - " Etumba " , Nr.404 du 12 au 19 Juin 1976 .
2 - " Horoya " , Spécial 20 Mars 1976 .
3 - " Granma " , 28 de Julio de 1976 .

حیاتی بود همای مردم افریقا در تمامیت های خوشتر موق شدند و محلا نشانی را که بسیاری وارد آهنگن سازمان بودند از افریقا به این مابعدان شکل از سیاست جانبداری از امپریالیست های امپری کد ، خشک سازند ، البته سازمان وحدت افریقا نیروهای سیاسی بسیار طوفانی را در بر میگرد . برخی از کشورهای عضو سازمان وحدت افریقا بطریقاً متکثر در تحت تاثیر امپریالیست ها هستند . رویداد های آنکلا و اقمیت موجودیت تمامد های دیگر و هر ای افریقای نشان داد . اما این رویداد ها در همین حال امکانات فراوان کشورهای شرقی را براه افریقا ، خواه در مرصه بین المللی در مقابل با توسط همای امپریالیست ، در زمان استقلال ملی در پیشروی براه سوسیالیسم عمیق است .

همین مطلب را در باره جنبش ضد جمعید هیتوان بیان داشت . در این جنبش کشورهای سوسیالیستی مانند کوبا و کیتام و شوره اشتراک دارند کسان هماداری آنها و انترناسیونالیسم پرولتری و جستجوی راسل مسائل حاد و حیاتی بین المللی با دیگر نیروها هیچگونه تمامد نمی بینند . اصولاً چنین تمامد وجود ندارد و این سیاست رقیب است که حتی رژیم های محافظه کار در قاره ها افریقا و آسیای میمی نمیکند مسئله "منابره" سیاست پرولتری - انترناسیونالیستی با جنبش جمعید تمامد را مطرح سازند .

فاکت ها این را ثابت میکنند که انترناسیونالیسم پرولتری هیچگونه ویژگی های دوران ماروا انکار نمیکند و بیعت های مبارزه انقلابی مما صهره آنرا باطل نمیکند است . ممکن این اصل فوق العاده زنده است زیرا متعلق سیاست پرورش ضروری اتحاد ارا با محصلت و نظای گوناگون امکان پسندید میازد .

در باره مبارزه در راه سوسیالیسم ، بجاست یکی از احکام بنیادی مارکسیسم را که لنین آنرا تاکید کرده با در آوریم : "آرزوهای سوسیالیستی فقط وقتی به مبارزه سوسیالیستی عملیونسیا تن آمیزد چهل شد که سوسیالیست ملی مارکس تا بلات درگمازنده را با مبارزه طبقه میمی مرتبط ساخت . سوسیالیسم برای مبارزه طبقه ای شرقی بوج و آنرا بزند ی ساده لوحانه است " (۱) . اتحاد جنبش آزادی بخش ملی افریقا ی کورسپوند و گاه سوسیالیستی همانند نقطه اتکا اصلی آن خود یکی از اشکان ارتباط "تالیات درگمازنده" با مبارزه طبقه میمی است . زندگی بطور طبیعی با اشیات میسراند که سیستم جهانی سوسیالیسم ، این عهد ترین دستاورد طبقه کارگر جهانی شا هزاره پیشرفت کنونی آینه ده جامعه بشری را هموار میازد و در همین حال تکلیفها اطمینان بخش بسیار بزرگ خلقها در آزادی ملی و اجتماعی است .

چرا ما با کمونیست ها هستیم

به انتشار یک سلسله مطالب زیر این عنوان از احمد هم (۱) . در این شماره گفت و شنود خبرنگاران مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " را با کمونیست های لوکزامبورگ و کسانیک از حزب کمونیست لوکزامبورگ پشتیبانی میکنند ، منتشر میکنیم .

پیرمهرنگه - کارگر

دیرزمانی است که من راه زندگی سیاسی خود را انتخاب کرده ام ، من در زمان نخستین اهالی لوکزامبورگ هستم که به عضویت حزب کمونیست درآمده اند . من هیچگاه از این تصمیم خود پشیمان نشده ام زیرا تنها حزب کمونیست است که متعلق به یک فرد کارگر را پیش قابل لمس کرد است و تنها در صفوف این حزب میتوان با طایفه این طایفه با یکدیگر مبارزه کرد .

راهی گمراهه حزب کسانیک بدون تردید شبیه همان راهیست که بسیاری از کارگران طی کرده اند . در سال ۱۹۲۷ به توصیه پدرم در موسسات صنایع سنگین مشغول کار شدم و از همان اوان جوانی با استعمار سرمایه داری رو برو شدم . دستمزد بسیار ناچیز و شرایط کار وحشت انگیز بود . سیستم درآوردن عرق کارگران در دهان جاکفرا بود . " هیبت بد پره " مسائل اموزش دای ، میندسان و استادکاران را در دستگیری تا خود روی برای اینکه کارگری را در موسسه کنگهدارند یا اخراج نمایند برخورد این بود .

کمیخی است که چنین وضعیت بزودی غم مرا بزانگیخت . من نمیتوانم تصور آنرا بکنم که غم و فرقت من به چه شکلی میتوانست بروز کند اگر من در آن کارخانه (آریدیل وال) پاکستانی آشنایی پیدا نمیکردم که خیلی با اشخیره خرید و راندیش ترازی بودند و منمیتوانم که راهی را بپایند بودند - او پس اشخاص من اطلاعاتی در باره روسیه شهری کسب کردم و با خبر شدم که در لوکزامبورگ هم سازمانی وجود دارد که طبق سیستم استمارین مدالتی اجتنای مبارزه میکند . پس اینشت و گفتگهای زین برقرار کرد که در آن زمان من در حزب کمونیست بودم ، من به صفوف حزب پیوستم .

سالهای سی برای ما دوران دشواری بود ، حزب ما هنوز ضعیف بود ، اما در همان هنگام نیز توانست به نخستین کامیابیهای بزرگ دست یابد . برای نخستین بار در سال ۱۹۲۹ زین برقرار کرد کمونیست لوکزامبورگ ، به نمایندگی از پارلمان برگزیده شد در سال ۱۹۲۷ که دولت قصد داشت حزب کمونیست را غیر قانونی اعلام کند ، در جریان همه پرسس اکتیو مردمی این قانون مخالفت کردند . در دوران جنگ جهانی دوم ، حزب ما سرشت و اقامت میهن پرستانه خود را نشان داد و از آزادیان بعد زندگی سیاسی در کشور ما یادون کمونیست ها دیگر را قابل تصور بود .

سیاست یکدیگر که طی همه این سالها حزب ما را از پیروی میکرد ، و با داری آن به مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری تعال ، اقدامات شجاعانه آن در دفاع از حقوق ستمگهان ، و جوجه و نفوذ آنرا استقامت بخشید . من بدین مباحثات بکنم که یکی از اعضای با سابقه حزب کمونیست هستم و به امر

۱ - لنین ، مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) ، جلد ۱۲ ، صفحه ۵۰ .

بهیضی طیفه کارگرد رکنشیرمان لوزکا میگرد خدمت کرده و خدمت میکنم
آنی مولر شاپ (پرستار)

من فکر میکنم روحیات شد فاقهستی و شد جنگ من و اینکه فقط کمونیست هلمتواریه به طالع تسسین
و جوی اصلح هوا را زری کرده اند اکثری پیوستن من به صفوف حزب کمونیست بوده است
من در یک خانواده ساده کارگری متولد شدم ام • پدر من بنامست • در دوران جنگ دوم جهانی
ارد زنجیرش با وقت شرکت کرد • با اینکه پدرم در زمین غیررئیس بودند • همیشه از جنبش همسنگی با خلق
های دیگر فعالانه پشتیبانی میکردند و اغلب مرابه همراه خود به پیشنگاه ها میبردند و از همان زمان روحیات
شد جنگ درمن پرورشید آید کرد • پس از چند سال که من در جمجمه ی • موزکاتیک آلمان بودم و نیز از پیرو
که از اردو و گاهسهای کاراجباری پشتیبان بود • بدین کردم • این احساس درین بازم شد بد تردف
سهرست گروه جها نکردی ما که یک بانوی کمونیست لوزکا میگرد بود در دوران جنگ در این اردوگاه تسسج
و ذاب کشیده • در یاره فاشیسم برای ماصحبت کرد • سخنانی و خود فاقهستی که دیدار این اردوگاه
کاراجباری داشت • و ما شرت با اهالی جمجمه ی موزکاتیک آلمان و ملاقات با بسیاری از مبارزان همه فاشیسم
جهه این عوامل برای من گمان دهنده بود •

پس از پیوستن به سازمان جوانان مترقی لوزکا میگرد که طیفه جنگ و فاشیسم و در راه دوستی مسلمان
خلقها مبارز میگرد • پیوستم • برناهه این سازمان را روحیات من توافق داشت و من با جدیت به فعالیت
در این سازمان پرداختم • در این جنبش جوانان بسیاری از کمونیست ها و از جمله همسر کمونی من شرکت
میکردند • آنها کار توجیهی و سیاسی انجام میدادند و در دیدن و در یک پیشه بد ما با هم میگردند •
اما من پیش از وارد شدن به حزب کمونیست راه درازی را میبودم • من به شرایط زیادیکه بعضی
از آنها جنبه های داشت های بند بودم • شکلیای و غیر خود نداشت از کمونیست ها ش که با هم در سازمان
جوانان کار میگردیم من کمک کرد که بتدریج از بندهای شرایط آزاد شوم و سیاسی منصفیت حزب کمونیست
در آم • این کام سراسر زندگی مراد کرکوز ساخت • کار در حزب به خود آگاهی من شکل داد • در نتیجه
آموزش حزبی و اینکه با چشم خود موقعیت های سیاسی ایستم واقعی را دیدم • معتقدات من راسخ تر شد •
پس از پیوستن در راه اهداف اخیر اند بهانه جامعه بشری یعنی بخاطر صلح در جهان و عدالت اجتماعی
به انسان نیروها افتاد و بنفش میدهد • در انسان این احساس وجود دارد که با کار خود بد دیگران هم سود می
رسانی و در امری مشترک سیاسی داری اگرچه این رسوم بسیار هم ناچیز شده اما خود سیاسی است • من
از اینکه میتوانم اینطور زندگی کنم بسیار ارضی و خوشتردم •

فرزاند پاسکالونی (کارگرد مولر)

زبانیکه اولین بار با سیا سیا آشنا شدم • در کارخانه ذوب آهن کار میبودم • تمام جسمانی
کارآموزی باه نموی ترتیب داده شده بود که برای تولید نه فقط کارگران تخصصی بلکه درین مجال
افراد "طبیعی" که با روح "آشنای اجتماعی" پرورش یافته باشند ترتیب میداد • اما خود این وسیله
و تمهین نسبت به جوانان در جامعه و نخستین باب هائی که روی چشم ریخته شد • همه ما را به بحث و
تفکیر و یا به مسائل سیاسی یادداشت •
در آن زمان گروههای چپ گرای افراطی شروع به پیش تراکتهاش در جلو کارخانه کردند • این
تراکتها در میان بادیچ های شدید و رهبران برمی انگیخت • گروهی از ما کارآموزان با سازمان ترکت کمونیستی
تاس زیر کار زدیم و بدتی تحت تاثیر این سازمان قرار داشتیم • اعضای گروه ما از خانواده های خسترسده

بهیضی بودند • این گروه تحصیلات بهتری از ما داشتند و در آغاز نمیتوانستیم با آنها در "سطح برابری"
مباحث کنیم و در مقابل دلائل آنها اظهار نظری کنیم • البته آنها با ما با آنچه نسبت خود قرار میدادند
ولی ما کار با یکدیگر نسبت را مطالعه میکردیم و میزدان که آنها را ما میتوانیم بکنیم و مسئولیت انتقادی نظریات
و افکار آنها را توضیح میدادیم

خود شراکت کرد • فعالیت اتحادیه های کارگری • خاص با اعضای حزب کمونیست به ناکت کردن
تا اینکه رادیکال کنیم که هدفهای که سازمان ترکت کمونیستی در برابر خود قرار میدادند هدفهای غلطسوده
نیرویانی تعلیمی است اعضای این سازمان که از لحاظ ماهیت خود خرد و بیرونی بودند نمیتوانستند
مسائل کارگران را درک کنند زیرا نمیتوانستند با کارگران نبودند • نظر بنیاهنگ کاروانی که در این سازمان نبودند
بطور جمعی تصمیم گرفتند از این سازمان خارج شوند • پس از آنکه بدین ترتیب با ترکت کمونیست هلمتواریه
میگرد کردیم • به این نتیجه رسیدیم که یگانه راه حل درست این است که در راه امرطه کارگرد رفسوونف
پشتازان یعنی حزب کمونیست مبارز کنیم •

قبل از پیوستن لوزکا حزب کمونیست حزب آلمان است • هدف اخیر ما برندهای واقعی مردم
است و هدفهای مبنی بر پایه طمی را در زیر پرده قرار میدهد • این که مبرت انگیز است که اکنون در لوزکا میگرد
اقدامات گروههای چپ گرای افراطی محدود میشوند و فعالیت آنها فروکش میکند • کارگران و شایسته گان
روشنفکران مترقی به طاعت این گروه بند یها آگاهی هرچه بیشتری پیدا میکنند • در ضمن حال حزب کمونیست
لوزکا میگرد با طالع از منافع طیفه کارگرونیان کاش و با فعالیت خود نیز مبتدای آموزش را در کمینس
و نیز به مسئولیت صاف واقعیت کثرت و به پایه پندار گرای به نفع خود نمیافزاید • حزب با ما اتحاد نزدیک
با کشورهای سوسیالیستی و در شرایطی که تناسب نیروها بنفع سوسیالیست تغییر یافته • جداگانه در راه کاهش
تشیخ • صلح • دموکراسی و سوسیالیسم مبارز می کنند •

سیلها و گستر (بانوی خانه دار)

من و شوهرم که در شرکت بازرگانی انجیل کارمند است • در هیچک از احزاب سوسیالیستی
لوزکا میگرد عضو نیستیم • اما در آخرین انتخابات نمایندگان شورای شهر ما نزد های حزب کمونیست رای
دادیم • مثلا من به جهت نامزد های حزب کمونیست رای نامزد های حزب سوسیالیست • حزب
سوسیال دموکرات و حزب دموکرات مسیحی ترجیح دادم ؟ اینکه من چنین تصمیمی گرفتم جهت داشت
طل همه انسانها و تنبکه در باره آینده خود و آینده فرزندان تفکر میکنم سلامتی منی مسائل زیادی
وجود دارد که باید حل شوند • از جمله باید سیستم آموزش را در ارس تکمیل شود و برنامه و شیوه آموزش بهتر
گردد • مسئله افراد سالخورده • مسائل میراث است • افراد سالخورد ازین دلیلی های فراوانی که نسبت به
آنها احوال میگرد • رنج میبرند • من اطلاع دارم که کمونیست ها ما دانه میخوانند وضع موجود را بهتر
کنند و این طقت من رای خود رای نامزد حزب کمونیست دادم •

طیاره بر این صورت میگویم میان کسانیکه خود را خدمت و رفیق زحمتکشان میپندارند و بهیضی بخشنده باید وحدت وجود
داشته باشد و سلفه صده اشتراک هدف داشته باشد اختلاف در برخورد و شیوه تحقق این هدفها • استحکام
مواضع حزب کمونیست میتواند به دستیابی به این وحدت من کمک کند • اگر این وحدت من ایجاد شود
برای همه خلق نه برای مقلان افراد میروند که در فکرنازند بهیضی مردم طادی نیستند • مشکل کارهای
زیادی انجام داد • اینهم یکی دیگر از کارهای من است که ما بر آن داشت بنفع حزب کمونیست رای بدیم
با وجود اینکه من با همه نظریات آن موافق نیستم •

یاد گفت که به من "بهرات غیبی" رسیده است. بدینترگه من کارگرمده بودم و زلفان آغاز سالهای سی یکی از نمایان حزب کمونیست بودم است. من تحت تاثیر کما کتیبای او در باره جنبش کارگری در ایگزامپور و جویا ن شرکت وی در نظام هراتی که پلیس سواره نظام آنها را برانگیزد میکرد و طاوت کمونیست هادریایی نامی همیشی، بزرگ شدم.

بدینترگه من با سابق و علاقمندی فراوانی در باره اتحاد شوروی که طبع کارگردار آنجا کمیت را بدست گرفته است و کمات میکرد. پنجاه و چند سال زمانیکه من عضو سازمان جوانان مترقی لوزاکامپور بودم. برای خاطر شوروی مسافرت کردم و در اردوی پیشاهنگی آنجا بودم و در آنجا من همه چیز را میدیدم تمام گفته هائی آن کمونیست کینسال یافتم. اظهاراتی که او در باره کمپوری که اینقدر بدان اعظام داشت، کرده بود و همچنین اظهاراتی در باره سوسیالیسم واقعی.

من به اتفاق پدرم کتاکار کارخانه ذوب آهن و کمونیست بودم، در فعالیت های مختلف حزب کمونیست لوزاکامپورک و نهایشات و نظایرات اولی ماه ۳۰ شرکت میکردیم. غیبتا مادر وی کارگرفتن شمس در یک فرد انزودگی میکردیم وین از جنگی طبق عود معتقد شدم که فرزندان کارگران در همه جا بیاناتی برای حقوق مواجه شدند. زمانی که من در دستانتی تحصیل میکردم که پرسشهای آن افرادی دارای روحیات شد کمونیستی بودند و بدینترگه میزانی درس میدادند که اکثریت آنها را فرزندان طبقات بیجان بودند، این مطلب را بیشتر احساس کردم.

طبعی است که همه این وضع بیجانستاری از خود باقی نگذارم. زمانی که من به حزب کمونیست وارد شدم پنجاهمین سالگرد تأسیس حزب بود. اگرچه در ۱۶ سالگی وارد این حزب شدم، میتوانم دومی کنم که با یاقه کامل و درحی داخل شدم که بدان ایمان راسخ داشتم.

شرط لازم برای پیشرفت و ترقی

در باره ارتباط متقابل وحدت عمل نیروهای میهن پرست

و همبستگی بین المللی

بکرابراهیم

عضو هیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق

پهرونیهای عظیم مردم ترقیخواه در مبارزه برای صلح و دموکراسی و ترقی اجتماعی از مشخصات دوران ما است. در مسیای سیاسی جهان تغییرات بنیادی روی داد و هیروی میدهد. یکی از این تغییرات پیدا اینتر گروه بزرگی از کشورهای آزاد شده از بند های امارت استعماری در مرصه بین المللی است که با اعزاز و احترام هر چه بیشتر بر راه استحکام میانی استقلال سیاسی، آزادی اقتصادی و لشکرتالی فرهنگ خود میگویند.

حست گیری سوسیالیستی نتیجه قانونمند رشد انقلابهای ملی و رکتورهای آزاد شده است که نتایج آنها را به فروزی است. تجربه تعدادی از کشورهای تازه استقلال نشان میدهد که موثرترین عملت و ضیق ترین مستوی این سمت گیری کشورهای تازه آزاد بر گرفته اند در صف پیشاهنگ جنبش رهایی بختر قرار داده باد و شرط همه تا مین میشود. این دو شرط عبارتند از: نخست، تقویت سامعسی نزدیک نیروهای مترقی ملی و دوم، پیوند استوار آنها با نیروهای انقلابی در سراسر جهان و در درجه اول با کشورهای جامعه سوسیالیستی. بنابراین در یکسختن بر مبنای اتحاد میهن پرستانه و انترنا سونالیستی در شنگ یافتن وحدت ملی و تضمین خط مشی انقلابی است.

مسئله تمامیت میهن پرستی با انترنا سونالیسم در زندگی سیاسی کشورهای تکیه راه رشد غیر سرمایه داری را برگزیده اند بنظر ما اهمیت نظری و ضیق فراوانی دارد. مابدون دومی تجزیه و تحلیل پیوسته کامل و جامع این مسئله در این مقاله کوشش میکنیم از روی نمونه عراق و دیگر کشورهای همس نشان بدیم که تلفیق و تکمیل متقابل این دو عنصر شرط ضروری پیشرفت موفقیت آمیز و مست سوسیالیستی است.

در آغاز و مین دهه سده و معاصریت هائی مرد عراق طبع سلطه امپریالیسم و راجع داخلی با شدت سازمان میگردد. به برکت لاطمیت و پایداری انقلابی این توده هادرمال ۱۹۵۴ و ۱۹۵۵ با شاهای طرفدار امپریالیسم و رکتور و زگون شد و میان تجار و کارانه بغداد ملتی گردید. اکثرین کشورها به دولت واقفاستقی مبدل شده که راه رشد غیر سرمایه داری را پذیرفته است. البته این پهرونیهای بسیار مهم، بدون اتحاد میهن پرستانه نیروهای انقلابی کشورهای قابل تصور بود. اینسین مطلب بر کسی پوشیده نیست که در سالهای ۲۳-۱۹۶۸ که در این اتحاد خلل وارد آمد به پیروفت انقلاب عراق پذیرگش متوقف گردید. انقلاب تنها پس از احکامت رسیدن جناح مترقی حزب بعثت

در سال ۱۹۴۸ به پیشرفت خود را از نوا آغاز کرد .

موافقی که در سال ۱۹۴۳ میان حزب بعث و حزب کمونیست عراق در باره تشکیل اقدامات ملی حاصل شد و همکاری به جبهه شرقی ملی میهن پرست تبدیل شد مهمترین مرحله در روند انقلابی کشور گردید . چنانکه معلوم است بعد ها سازمان حزب و سازمانهای این جبهه پیوستند . کمونیست های عراق برقرار ماند و بعد تحلیلی نیروهای شرقی و میهن پرست را که بدین ترتیب تحقق پذیرفت ، به روزی قوی رساند . مهی برای گسترش آینده انقلاب ملی و دموکراتیک میخترند . بدین علت اتحاد ملی هم خود را با کمونیسم گفتمنی اصلاحیه "جبهه شرقی ملی میهن پرست" جلوگیری کرد بلکه این جبهه را همواره تقویت نماید . بخوبی که بلنوی وسیع کمیتر مرکزی حزب کمونیست عراق که در دوره سال جاری تشکیل شد شدید تر گردید بد حزب مایعین دارد که بهم پیوستگی واحد هائی که در جبهه شرقی هستند تصدیق و مدد تللی ، تبدیل این جبهه به نیروی سیاسی فعال ، رفع اشتباهات و بازمانده های گذشته در روابط میان کمونیست ها و بخش ها ضرورت مبرم و شرط مسلم به پیشرفت عراق بسوی سوسیالیسم و ترقیه عقیدت اردن هرگونه اقدام خصمانه علیه جمهوری عراق است (۱) . علاوه بر این تجربه عراق نشان میدهد که عوامل سیاسی داخلی گسترش سوختن آمیز انقلاب

ملی - دموکراتیک که البته نقش تعیین کننده دارند ، در آن صورت بالاترین حد خود بخش را کسب میکند که اتحاد نیروهای میهن پرست شرقی از امکانات همبستگی انترناسیونالیسم پرولتری میزبان گامی استفاده کند . و در روابط گونی مبتنی بر این همبستگی نسبت به خلقهای کشورهای درحال گسترش گسترده و ترقی تراز در بران گذشته بعضی زمانی است که این همبستگی بنا بر موده عادت انجمنیاتی از سازماندهی برای استقلال ملی بود . امروز این همبستگی شرط مهم و ضروری ترقی تاز اجتماعی و اقتصادی در کشورهای نوا استقلال و سرگ و نشو و افشاح امتناع از راه رشد سرمایه داری از جانب نوده های خلق و افزایش فعالیت آنها به بازسازی سوسیالیستی زندگی اجتماعی است . در زمینه پشتیبانی از کشورهای نوا استقلال از جانب کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی باید گفت جنبه اقتصادی این همبستگی یعنی کمک به رشد نیروهای موده ملی و مبارزه در راه عدم وابستگی اقتصادی به امپریالیسم میزبان شایان توجهی تلفات شده است .

همه این عوامل به رشد و توسعه جهانی انترناسیونالیستی در حدود جنبش رهاش بشر طلسی و تشدید تاثیرات انترناسیونالیسم پرولتری در جهان بینی واحد های پیشرو انقلابی - دموکراتیک جنبش و از آنجمله در کشورهای عربی کمک میکند (۲) .

میان اتحاد میهن پرستان نیروهای انقلابی درون کشورهای انترناسیونالیستی آنها با ارتباط متقابل می بینیم که اگر با کمک همسر و تفسیر خود داد درست خواهد بود . بنظر ما این ارتباط متقابل دارای خلعت زنده و دایکتیکی و جنبه جهانی است . درصورت انقلاب ملی و دموکراتیک و ترقی به پیشرفت اجتماعی و اقتصادی در میهن سوسیالیستی در روند اتحاد میهن پرستانه تشریح می یابد روشها و تازات مواضع سیاسی نیروهای درون آن میگاهند و بعد و دشمنی و تفریق سیاسی آنها را وسیع تر میکند . در همین حال همه این عوامل به نزدیکی آنها با متحدین سیاسی خارجی آنها در مبارزه ضد امپریالیستی کمک میکند برای همکاری در ارتقاء و ترقی بخش آنها شرایط لازم را فراهم سازد .

۱ - رجوع کنید به : "طریق الضمیت" ۲۲۰ شماره سال ۱۹۷۷ .

۲ - رجوع کنید به مقاله "عزیز صمد" "نگاه امید بخش ما" "مجله" شماره ۱۱ ص ۱۱۷ سوسیالیسم ، شماره ۱۱ سال ۱۹۷۵ .

بدرگسترش و استحکام همبستگی انقلابی بین المللی . ارتقاء سطح و میزان همبستگی پشتیبانی انقلاب ملی - دموکراتیک از جانب متحدین خارجی تا اندازه زیادی به اراده و وسایل نوده های خلق و فعالیت بشناخته سیاسی آنان در کشورهای میهن بستگی دارد . کامیابهای انقلاب ملی - دموکراتیک هم به خود خود چنان سببه قیامته است . در پیرویه انقلاب جهانی خواهد شد که هرگز در پیشرفت باشند بطریق اولی از پیش به پیشتر خواهند داشت . بدین ترتیب ارتباط متقابل و دایکتیکی عمیق میان اتحاد های میهن پرستانه و انترناسیونالیستی نشناخته و چهران سازماندهی نوا است . در تحقیق با بسند و با همبسته خواهد شد نیروهای شرقی خواه در چهارچوب ملی و خواه به بعضی بین المللی ایجاد میکردند . کامیونستی های عراق بارها پیوستند و می توانیم تعدد یق کنیم که وحدت نیروهای میهن پرست و شرقی در کشورهای باستانی بر همین شرایط (کمونیسم) این ارتباط متقابل است . چنانکه در پیشتر اقدامات ملی تاکید شده است : "جنبش انقلابی در عراق بختر زنده و ترقی جنبش انقلابی و ضد امپریالیستی جهانی است" . در پیشتر گفتیم بهیچین کامل و قاطع عراق به از رده خلقهایی که علیه امپریالیسم تجاوز می نماید یاری میکنند و پشتیبانی خصمانه جنبش های رهاش بخش و ضروری شرقی از طرف عراق (۱) قید گردیده است .

در باره مسئله ارتباط جنبش آزاد بخش شرقی با پیرویه انقلاب جهانی در پیشتر تاکید شد با است که "وحدت عمل کشورهای عربی ، وسیع سازی نیروهای آنان در مبارزه علیه توطئه قانونی است تجاوز کارانه امپریالیسم ، سوسیالیسم و نیروهای ارتجاع ، استحکام و توسعه همکاری آنها با کشورهای سوسیالیستی یکی از مهمترین شرایط کامیابی در مبارزه علیه تجاوز کاری امپریالیسم و امپریالیسم ها است" در همین "اتحاد جهانی بر بنیاد های اشتراک میان رژیمهای شرقی کشورهای نوا استقلال عربی و جنبش های پیشرو در هر یک از کشورهای عربی از یکسو و نیروهای انقلاب جهانی به سرگردگی ارد و راه سوسیالیستی از سوی دیگر" (۲) دارای اهمیت ویژه است . بدین ترتیب دشواری و جمع نشناخته میهن پرستی را در نقطه مقابل انترناسیونالیسم قرار میدهد (چنانکه مخالفین کمونیستی نشناخته و شرکت آنها در جبهه میخواستند) بلکه برعکس این دو روابط را به یاری و رانیک بهم مربوط میکند .

از نقطه نظر پشتیبانی خارجی از مبارزه ضد امپریالیستی خلقهای کشورهای آزاد شده ، اتحاد آنها با سیستم جهانی سوسیالیسم بهترین یقین و ایجاب میکند . طبیعی است که در صورت وجود شرایط برابر در مسائل روابط این آنان کشور در حال رشد با سیستم جهانی سوسیالیستی ها تا قدر گسترده تر و استوار تر خواهد بود که جنبه ضد امپریالیستی و اجتماعی و ترقی خواهانه سیاست داخلی و خارجی که آن کشور اعمال میکند بیشتر باشد . برعکس هرگونه تصحیف این روابط معولا در نتیجه استعجاب از خلق ملی موفق با آرمان زمینگشان در درون کشورهای اجتماعی متناقض ملی واقعی در سیاست خارجی پی میدهد . ملی سالیهای اخیر چنانکه گفتیم این جنبه چرخشی در سیاست متناقض حاکی از صبر و دوری و شرم جمهوری سادات است . آنها اصلا از سازماندهی اجتماعی بنفع زمینگشان از عطف ملی تفتت نقش بخش دولتی در اقتصاد ، از راه رشد خبر سرمایه داری به طول کامل بر نظر گردید مواضع مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع را ترقی کردند . اکنون تعالیات آنها با طوره عدم شناسی کنند متناقض خود خواهد بود زیرا میلی است که با مانع خلق و ترقی اجتماعی کشورهای پرست و زمین حال بین تعالیات در جهت جلب "لطف و شفقت" متناقض ارتجاعی معین غربی می بینیم : نیاید . اما نوده های

۱ - رجوع کنید به : سالنامه "جبهه ملی میهن پرست شرقی" ۱۹۷۳ (-) ۱۹۷ - منشور اقدامات ملی (میزبان می)

۲ - همانجا .

مردم و نیروهای دموکراتیک مرموز بگرد و تحت فشار قرار میگیرند. در خط ملی زمامداران کنونی ممبراتحاد مستقیم میان درویش از تواضع مبین برستانه در سیاست خارجی و داخلی با استناعت از اتحاد و دوستی با کشورهای سوسیالیستی و نیروهای ترقیخواه در عرصه بین المللی به آسانی مقابله میکند. بدیهی است که در تشخیص مستحکمین مجامع حاکمه صر، امپریالیستیکها گه اعدا ما نشان در داخل کشورهای نواستقلال با اینچاه از آزادخانه حتی تخریب، کارگشایی و توطئه های ضد انقلابی علیه وحدت نیروهای مومن بر ست و در عرصه بین المللی علیه همبستگی انترناسیونالیستی سوسیالیسم جهانی و جنبش رهایی بخش ملی معطل است نظر فوق العاده فعلی ایفاء گردند. تضعیف همبستگی انترناسیونالیستی و بطریق اولی تخریب آن، امکانات انحصارها را در استشارا و کشورهای نواستقلال با شیوه های نواستعماری گسترش میدهد.

شایان تذکر است که ارتجاع بین المللی علاوه بر استاده از این نوع وسائل مبارزه علیه نیروهای آزادیخواه و شرقی (مانند تلاش برای صدور انقلاب و تهدید های نظامی مستقیم تا برافراختن تعاد با عیلماننه منطقه ای که صلح در مسرجمان را بخطر میاندازد)، از تخریب در زمینه استعدا و تلوژی بمقتضای هر دو موسوم تری استفاده میکند. در ردیف تئوریهای دیگر نظریه ای هم به انواع گوناگون اشاعه داد میشود که سیستم سوسیالیسم سیستم سرمایه داری را با یکجوب میراند (گنگها در مجال قضیاتی، اجتماعی و اقتصادی کشورهای در حال رشد "مسئولیت کسان" دارند) و جنبش کشورهای غیرتمدن را هم مانند جنبشی که تخریبی این سیستم ها را تلقی میکند از باقیستنی می نماید. متخاصنه چنین نظریاتی هنوز در میان پاره ای از مجامع جنبش رهایی بخش ملی و از آنجمله در کشورهای زیر را دارد. رهبری کنونی صربان نظریات را فعالانه اشاعه مید.

این را بنیاد اتحاد طرف راست که امپریالیستیک و دستاران با روشی از نوع ایگزوتیست های راست و ریزینویست های "چپ" در مرفوق خود نیروهای شرقی پیدا میکنند. این عاملین امپریالیست ها، مبین پرستی اصیل کنونیست ها، دموکراتها و سایر افراد انقلابی را که از اصول انترناسیونالیسم دفاع میکنند، بمنزله گوناگون لکه در ارساخته و اظهار کنیاد پرستی را رواج میدهند که گویا میسران مبین پرستی و انترناسیونالیسم تعاد وجود دارد، آنها میگویند به بن ترتیب عناصر انقلابی و دانشمند می آیند. وحدت صفات آنها را به جهت و از هم پیوستگی در روش نیروهای ترقیخواه جلوگیری بعمل آورند. همه این اعدا که شرابکارانه امپریالیستی بویژه بطریق آشکار در مواضع سادات و اطرافین وی خود را نشان میدهند.

سادات تلاش در دستخط لایق دارد و دروشن خود را از باطن آنچه که در دوران بیزید نند تا ضروری به بزرگترین نیروی ضد امپریالیستی متخاصم لایق و با شعراهای مؤلفه ایانیه ای بپوشاند که بطور عده برای قشرهای عقب مانده و از لحاظ سیاسی و کم تجربه در نظر گرفته شده است. اما سیاست هواداری از امپریالیسم برهبران کنونی صر تا بیره شدن مناسبات با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی همراه است و بزودی نتایج اقتصادی هلاکتباری برای مردم سایر ارض امید ربح تدبیری حواصیل تجار و کاری صهیونیستی از طریق توافقهای چند اگانه و غیره به جز هم پندار باطلی از آب درآید (۱) - در چنین شرایطی نظامهای تازه در صر میمانند محکوم کردن سیاست درهای باز که بر روی امپریالیست ها وارثا جگود شده و از جانب تودهای انبوه زمینگشان و نشانه

۱ - رجوع کنید به مقاله ن. اشپب: " درباره مسئله عمل و فصل همه جانبه و جامع در دوران بیزید پناک" مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " شماره ۲۲، سال ۱۹۷۶.

عزم واضح آنها به بار اتمیابازر طبعتجا و زوری اسرکتیل در آزادی های سرزمینهای اشغال عده و رهائی انحراف اقتصاد و بیخ تودهای انبوه زمختکار و "سپه" روابط و دوستی و همکاری با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی بود.

نیروهای ترقیخواه و واقعی ضرورتی را که ساه احصیو کند ببرد پلنگین کند گنگها مواضع اتحاد شوروی و سوسیالیسم جهانی را با همبستگی کشورهای نواستقلال و روابط مبارزه عادلانه خلقهای عرب علیه اتحاد سوسیالیسم - امپریالیسم قد ضروری است، در نیکند.

منافع واحدی مشترک، احترام متقابل و مسئولیت متقابل در برابر جنبش انقلابی جهانی پانزده و اساس همبستگی ضد امپریالیستی کشورهای سوسیالیستی و در حال رشد را تشکیل میدهد. این همبستگی به اساس روابط بین المللی طرازترین چه در زمینه اقتصاد و وجه در زمینه سیاسی تبدیل شده است. این همبستگی بکنیکه کشورهای در حال رشد در مبارزه برای برابری حقوق علیه خصمین در مناسبات با کشورهای سرمایه داری تبدیل گردیده است. پشتیبانی کشورهای نواستقلال از جانب سوسیالیسم جهانی آثار انبوهی و بویسته به اراده و بیگانگی نمیکند. برعکس این پشتیبانی بقائنا کنگ میکند تا استقلال خود را دستم استقامت بخشد، از حیثیت خود دفاع کند و فشارهای نیروهای متحد امپریالیسم و ارتجاع داخلی را دفع کند و در زمینه های گوناگون به سرعت کارهای خود را به سر میبرد و در مبارزه خود در مرفوق دروا باینده به نتیجه میفرزاند.

تیمم عراقی بخونقاع کننده ای گواه شریکشی روابط دوستانه نزدیک با کشورهای سوسیالیستی است. بنا بر مثال این روابط با خلق عراق، در زمینگتن صلح فاصه صر اقتصاد ی که به تازگی گذردن حرکت نفع عراق " در اول ژوئن سال ۱۹۷۲ از جانب اتحاد ارات امپریالیستی ایجاد شده بنموده " که گذرد. این خود نمونه وار (تمهید) است که خود عمل ملی کردن نتایج اینرا که در نیم آفریسل ۱۹۷۲ عراق و اتحاد شوروی بمانند درباره دوستی و همکاری احصا" کردند. امکان پذیر گردید.

بامباری اتحاد شوروی بنخستین مرکزگی و ولش بهره برداری از منافع نفت در تاریخ عراق در دوره واقع در میان عراق، ایجاد گردید. در این مرکزگسالانه ۸ میلیون تن نفت استخراج میشود. در اسکند به کارخانه تولید ماشینهای کشاورزی که یکی از بزرگترین موسسات صنعتی در عراق بود است مورد بهره برداری قرار گرفته که بخشی از تولیدات خود را به بازارهای خارجی صادر میکند.

اتحاد شوروی به عراق کمک در تاق قدرت دفاعی خود را بجزای زیاد ای افزایش دهد. قرارداد ی که در زمینه سال ۱۹۷۵ با شوروی تعاون اقتصادی بسته شد و همکاری در زمینه های مختلف اقتصادی،

علمی و فنی و فرهنگی را در بر میگردد، برای عراق یک رویداد عظیم العاده محسوب میشود. اینها یسین قرارداد آذگواه بهرین قدرت و زمینه مناسبات تناسی با اتحاد ی و فرهنگی عراق و جامعه کشورهای سوسیالیستی است. بنخوریست و تکامل بنگر هتکار از آنجمله در زمینه ساختن موسسات صنعتی، کشورهای عضو شورای تعاون اقتصاد با همبستگی عراق کمبیین مشترکی تاسیس گردند.

کنک اتحاد شوروی و دیگر کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی در درجه اول توجه ایجاد رشته های جدید و مرفوقی در اقتصاد ملی است. در حال حاضر در عراق بانک این کشورها ۲۰۰ موسسه بزرگ مورد بهره برداری قرار گرفته و ۱۰۰ موسسه بزرگ در دست ساختن است.

کشورهای سوسیالیستی در آموزش کارهای علمی کمک مؤثری به عراق میکنند. در دانشکده های نسی و موسسات صنعتی این کشورها تاجا از سه هزار نفر دانشجوی مرفوقی که در آینه میهند و س کمبیین خواهند شد، مشغول تحصیل میکارند. در خود عراق - ۱ مرکز آماده ساختن کارشناسان نسی برای رشته های صنعتی مانند صنایع نفت، باغدگی، ماشین سازی و غیره تاسیس

شده است. به کمک کشورهای عضو شورای تعاون اقتصادی طی سالهای اخیر نیز یک به دو هزار نفر کارگر تخصصی میند و تکنیسین برای عراق تربیت شده است.

در رتبه دوم خود معایر مرد عراقی ترنیت سبب اقتصادی و اجتماعی که در کشور ما جریان دارد، از مشرفان و نویسندگان دولتی و همکاران ما بصورت جهانی سومین کشور بود و در رتبه اول با اتحاد شوروی جدا می ناید برآید. در این روابط در نتیجه در این جهت نباید گفتی چنین بود وقتی عراق برپا شد تمام حسین و معاونان و دیگر رهبری منطقه ای جزب بود. معاونان عدل شوروی فرماندهی انقلابی عراق را که در روزهای سال ۱۹۷۷ از اتحاد شوروی بجهت آمد. با مردم استقامت بیشتری یافت. حسرت کمونیست عراق باین دارد که چشم اندازهای جدید جنگاری در زمینه های سیاسی و اقتصادی و نظامی قدرتش در قاضی عراق که در جریان این دیدار مشخص گردید به دست استقامت مواضع و نظر کشورهای ریسازیه علیه ابراهیم و صمیمیت و ارتجاع و در امتداد این دیدارها و در زمینه های سیاسی و اقتصادی و نظامی ما معتقدیم که اتحاد استراتژیکی میان کشورهای ما برای ساختن جامعه نوین سوسیالیستی و فراخ از همه رکنی انسان از انسان با ایلان و داشتن خصوصیات عراقی یکجمله ضروری است.

در روزهای پیوسته و شکست و در روزهای و شورما روزه انقلابی خلق عراقی ما پیشتر هم با و کرد ها و انقلابیهای طی ما نند همه خلقهای عرب که علیه ابراهیم و ارتجاع و عقب ماندگی برخواستند اند به همستگی انترناسیونالیستی جنبش انقلابی جهانی بصورت سوسیالیستی و پشاهنگ آن اتحاد ضروری است. در نتیجه این همستگی بدین ترتیب در آینده نیز در سایر خلقهای عرب علیه تجاوز اسرائیل برای جامعه دادن به اشغال سبب میشود و در این حقوق قانونی خلق عرب فلسطین از آنجمله حق آن برای تشکیل دولت مستقل ملی و بنقله است. استواری خواهد بود.

تجاوز ما روزه حزب ما و همسروها و انقلابی - در مبارزات عراق بنحوی قانع کننده گواه بر آنست که تصویف هر چه بیشتر همستگی انقلابی بین المللی در شرایط معاصر تنها بر پایه وفاداری به اصل آزمن شده انترناسیونالیسم و رولتری امکان پذیر است. این وفاداری نشان استوارگامای بجای باز هم بیشتر خلقهای کشورهای نو استقلال در مبارزه با ابراهیم و نواستعمار است.

در سال جاری تمام بشریت تری بیستین سالگرد انقلاب کمونسوسیالیستی اکبر را برگزار میکند. تجارب ما بخندان سوسیالیسم در نخستین کشور کارگران و دهقانان در جهان، برای هر کشوری کسب درست سوسیالیسم به پیش میرود. همواره حائز اهمیت خواهد بود. کمونیستهای عراق امتداد دارند که با پیروی از اصولهای اساسی و با پیروی سوسیالیسم که دانش مارکسیسم لنینیسم آنها را کشف کرد بود در اتحاد شوروی و دیگر کشورهای جامعه کمونیستهای سوسیالیستی یکجا بسته شده و استفاده از آنها با یاد پیاد کردن شرایط و خصوصیات عربی و انگاه به پشتیبانی همه جانبه سوسیالیسم جهانی. میتوان خلق ما را از سایر ملل و مشکلات و خطرها به حد انقلاب صحن نگرداشت. یکی از مهمترین و ارزشزین ترین خصوصیات اتحاد انترناسیونالیستی استقامت ما باینده و همسروهای انقلابی در دوران معاصر هم در همین است.

نسیم کاهش تشنج بر فراز آسیا

دستاوردهای تاریخی جنبش در راه صلح و کاهش تشنج در اروپا، انجام موفقیت آمیز کنفرانس هلنیک روز اخیر و همکاری امکان دادند که مسئله کاهش تشنج در دیگر مناطق کره با موفقیت یک مسئله برایتک مطرح شود. در آسیا کشورهای هر چه بیشتر که این روند صده در نزدیکی بین المللی میروندند، امروز بسیاری از مشخصات سیاسی و اجتماعی برجسته این قاره به طرفداری از کاهش تشنج بر میروند.

مسئله "مسائل صلح و سوسیالیسم" به تعدادی از نمایندگان کنفرانس آسیایی صلح که در اولان باتور (جمهوری توده ای مغولستان) برگزار گردید مراجعه کرد و از آنها انتظار نگاهت خود را در باره و برون مردم به اندیشه کاهش تشنج در آسیا بیان کنند. عوامل صده ای را که برای تحقق کمپینشان در آسیا ضروری است شرح دهند و همچنین مشکلاتی را که در راه مبارزه با خاطر صلح و امنیت در این قاره وجود دارد، تشریح کنند. پاسخهای دریافت شده طبق یادداشتی از سوی جان، نماینده حزب کمونیست اندونزی در جلسه در اینجا بیخبر خوانندگان میرسد.

یک سخنرانی

— شبرالمنیر (معاون صدراعظم صلح اندونزی)

در زمان ما باید پیش تغییرات فکری در مردم آگاهی خلقها شخص میکردند. جامعه بشری که به آخرین ربع قرن بیستم گامی باده اندیشههای صلح را پیش از هر زمان صیاد درگ کرده و همسفران به صلح بود. تحلق همبستی مسالمت آمیز خلقها و دولتها بطناس سرسبز جهان بکن حاصل کرده است.

راه رسیدن به این هدف را معمولاً کاهش تشنج میدانند. امروز اندیشههای کاهش تشنج بینه همه قاره ما میرسد و بسیار از این جهان مستثنی نیست.

در باره خلقهای آسیا باید گفت که طلی چنین چرخش صیاد در آگاهی آنان برهان روشن است. نخست اینکه تا قبل بختنش زدای مکرر الحاح طبیعی در مقابل گذشته چند پیش بود و مقابل آنچه همساراتی است که از سیاست استعماری و نواستعماری به خلقهای این قاره وارد آمده است. طی دهههای اخیر سکه این قاره صاحب نژاد و راز نرگ رانده اند، جنگها و تجاوزهای ابراهیم جراحی بسیار صیاد بریزان قاره وارد ساخته اند. آسیا به مفهوم کامل این کلمه ضلغان اندیشه تشنج زدای بود.

دوم اینکه چون بسیاری از کشورهای آسیا استقلال ملی بدست آوردند مسئله اشکال ستاره ملیتات بکامل میان آنها جلوهگری از خطر برخورد های نظامی و از میان بردن نظریهای گذشته اهمیت روزی ای پیدا کرد. کوشش جدی برای یافتن راههایی جهت استقرار محیط بین المللی مساعد در این قاره تاکنون همچنان ادامه دارد. تشنج زدای در این مورد هم باین هدفها صیاد گامها است.

سازمانها پدید آمدند هر چه در مبارزه شدن روابط بین المللی و که طی ده سال اخیر بدست بسط و تکامل مییابد ، نتوان نادیده گرفت . کشورهای آسیای زمین میازد ، در راه نشان بر بسط بین المللی بیایه اصول برابری حقوق و منع متقابل بخواهی آگاهند که کاهش تنش برای این پروسه محرک نیروی است .

طی اقصا (دبیرکل شورای صلح بنگلادش)

با وجود برخی مایه در واقع متفق اند بدهی های بیخود پیمان صلح و همکاری در راه آسیا و وسائین که نصیب بسیاری از کشورهای مازگردیده و تقریباً قبل از همه امپریالیسم بدست نشانند کسان محله آنها هستند (نقل رئیس جمهوری محیب الرحمان رابخا طریما) ما با خوشی به آینده مینگیم . اکنون نمونه آنها با الهام می بخشد . اگر در شرایط این کار که مرصه حادث ترین دریا باشد دو سیستم اجتماعی متضاد است ، بدست آوردن نتایج مثبتی در مبارزه در راه صلح جهانی امکان پذیرتر گردید ، فکر میکنم در راه آسیا محکم که انگیزت کشورهای آن نیازمیز به صلح را مانند شرط صده پیموست اجتماعی و اقتصادی خود احساس میکنند ، چنین تحولی بدون تردید بوجود خواهد آمد . کشورهای آسیا نیز مانند کشورهای اروپا باید در راه اصول روابط متقابل خود متوافق برینند . این کشورهای متفقانند دوامی متشخص و خصمانه بود زمینه شرایط (نه صلح و جنگ) خود را از عقب ماندگی برهانند . برای حاصله و ترقی اقتصادی این یک برگردانی نا پذیرند .

گامینی فریزاندو (کمیته صلح بسلانگا)

اکنون این مسئله که بحیط سیاسی در آسیا چگونه بخواند در جهت مثبت تغییر کند بسیار روشن تر شده است . قبل از هر چیز باید به حضور سیاسی نظامی امپریالیسم در این کاره پایان داده شود ، در صورتی است که وراثت اوضاع متغیر پیدا میکند استقلال خلیقا و دولت استحکام می یابد . برپه شدن کامل پایگاه های نظامی امپریالیستی گام بزرگی به پیش میرود . اما نوس هند باید به منطقه صلح تبدیل شود . ما متفقیم بنگه های ارتجاع بین المللی با برهم زدن صلح و ستائش آن از منطقه داساس که بسیاری متزلزل ساختن مواضع و انتهای دموکراتیک و ترقی می چینند ، مبارزه کنیم .

برای اینکه در مبارزه با خارش تنش جهانی در آسیا نتایج موثری بدست آید ، باید در راه رسیدن و توسعه همبانیه روابط سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی میان کشورهای با کوشش بعمل آید . نیز همه کشورهای آسیا در جریان همکاری از پیش خیا بد و با بسطگن آنها به امری نسبت تصمیم بگیرند . کشورهای آسیا با اتکا به یکدیگر میتوانند سائل مربوط به عقب ماندگی و بازسازی اقتصاد ملی خود را با موفقیت حل کنند .

مهدی کوهان (مسئول صلح ایران)

چه چیزی مانع تشنج جهانی است ؟ من اغلب و نظیر زیاده طرق استقرار نیابت تاوه میان کشورهای آسیایه منطقه صلح در آرزوین کاهش تنش توجه بدین نکته حافظا اهمیت است که گامی در این زمینه بد رجعات زیادی بستگی پیدا کرده که در کشوربرد نظر چنینی های در اس حاکمیت قرار دارند . اصول همینست سلامت آمیز و برابری حقوق در نیابت بین المللی پیش از هر کشور دیگری از جانب کشورهای بخوبی مورد توجه شود که در راه ساختن سوسیالیستی پیش میرود و ایست گیری سوسیالیستی دارند . نمونه در عرشان آن جمهوری سوسیالیستی

و نظام است که مقدم بر دیگران دست صلح و دوستی نسوی کشورهای جنوب خاوری آسیا دراز کرد . و نظام با این خود علاوه بر نشان دادن نیات صلح بخانه خویی ، شامل خود را هم برای رفع اختلافات سنگین گذشته در مطابقت با کشورهای هموار آنگار ساخت ، اگر اشتراک برخی از کشورهای منطقه در رجوع و ایالات متحد و امریکایه نظام رابخا طریما ، می بینیم که با این اختلافات چنین یک مسئله است چند انهم سبک نیست .

رژیم های ارتجاعی در امری بین المللی روش دیگری دارند . خط مشی سیاست خارجی آنها که ادامه خواهد شد داخلان است سرپا تا قبل و کشش های مسطره جویی و ایجاد نزدیک نظامی سیاسی با دولت امپریالیستی است . سیاست متقابل حاکم امریکانکتوری به متحد مورد اعتماد امپریالیست در وجه اول ایالات متحد و امریکا تبدیل کرد نیز در دست بیخود خواهد ماند . آنها تلاش میکنند تا به کمک صلحاتی که سبب آسیا را شکنج فرستاده میشود ، همین امروز طبع جنبش انقلابی جهانی یعنی صلح خود را در منطقه خلیج فارس برقرار کنند . چنین سیاستی بدون تردید برای سرزشت تشنج جهانی فویر الحاده خطرناک است .

شهرالمنیر - ما امروز با هم پیگیری برخی از کشورهای آسیا در رهبری از سیاست صلح و اغلب حتی بسا تلاشی های برای احیا روح جنگ سرد ، رو برو میخیم . ملا خط مشی زیاده ااران کنونی تا بلندی که در نتیجه کودتای نظامی اکتبر سال ۱۹۷۶ به حکومت رسیده اند چنین است ، آنگار با مشاهده میشود کاتبا با پروسه برقراری مناسبات تازه میان کشورهای جنوب خاوری آسیا کمیتهی بر اصول همینست سلامت آمیز کشورهای دارای سیستم های اجتماعی متفاوت است ، سازگار نیستند .

واقیعت دیگری رابطال مزینم ، سالهاست که رژیم اندونزی اعلام میدارد که از سیاست صلح و دوستی سلامت آمیز رهبری میکند . اما در صلح ما می بینیم ؟ الحاق تیمور شرقی به اندونزی یا توسل به نیروی نظامی ، مشکل بخوان گفت که چنین اقدامی به فادی شدن اوضاع در آسیای جنوب خاوری و ایراد اعتماد میان دولت منطقه کمک کرده است . توافق محافل رسمی اندونزی با وجود تردید شرط های آن ، با نظریه ای که مبتنی بر ضرورت حفظ توازن شرعا ، معینی در منطقه ایات نوس هند تا هنگامی است که شرایط لازم برای تبدیل آن به منطقه صلح فراهم آمده ، نیز برخی از کشورهای آسیا موجب نگرانی فرایونی گردید . این موضع در اطلاعیه مشترک اندونزی و استرالیا که پس از بد ارتخت و استرالیا فرستاد از اندونزی به تصمیم رسیده بیان شده است . طرفداری از این موضع بدون تردید کمک بکسانی است که بسا حفظ حضور نظامی ایالات متحد و امریکا در این منطقه با موفقیت پیوره کمک برهبری پیمان سوسایت یک مثال دیگر ، محافل رسمی جاکارتا تلاشندند که در راه طرفداری خود از ایدیه بیطرفی آسیای جنوب خاوری و نظریاتی خیرشمت به سیستم پیمانهای نظامی صحبت کنند ، اما در ضمن حمال محافل همینی در اندونزی تلاش دارند همکاری اقتصادی از طریق " آسرو آن " را با همکاری نظامی تکمیل کنند ، و این چیزی است که به استراتژی بلوک بندی بسیار نزدیک است . تائین گرای چون نخست وزیر بلندی نیز در پایان سال ۱۹۷۶ از برخی از کشورهای آسیای جنوب خاوری دیدار رسمی آورد و کوشید تا تفه های ایجاد پیمان نظامی برپوشه " آسرو آن " را با آنها تحویل کند از هر داریان چنین ایستادن اندیشه است ، اما نتایج دیدار های وی نشان داد که اندیشه بلوک بندی در منطقه ما چاه حد امیز ما نمرود مردود است .

فاکت هایی که در اینجا بیان آوردیم برای نیروهای هوادار صلح باید بطایه همداری باشد . تنها اطلاعات ما و اظهارات رسمی طرف منطقه در راه واداری به صلح را نتوان باور کرد . میگردانیم که باید متاطق حاکم را واداره انجام ودهمانی کرد که بر مردم داده اند . محافل اجتماعی دموکراتیک جنبشی

توجه‌های خلق در رسیدن به این هدف نقش مهمی ایفا میکند - نیروهای دموکراتیک و پارتی باید پیوسته کشورهای خود پیرامون مصلحت‌های ملی و ملیت‌پرستانه خود را در این کار راه‌نماید کنند - برای یک آینده قهرمان باصلح

کامیاب فرزند - بهترین و طایفه‌ای آنکه انکار صمیمی را برای فهم و درک صحیح مبارزه در راه تئوری زده‌ای آماده کند - مردم باید آگاه شوند که این امر تنها یک مسئله بین المللی است بلکه همچنین مسئله ای می‌باشد داخلی است که قبل از هر چیز با وظایف پیچیده ملت‌ها در ارتباط است - مسئله ما در این باره آنست که برای مبارزه با کمونیسم باید به وظایف داخلی و خارجی ملت‌ها توجه داشت - اما این جنبه‌های داخلی را در اولویت قرار دادیم که در این باره هم به عنوان خود توضیح می‌دهند و از میل و علاقه آنها برای کسب اطلاع بیشتر از این جنبه‌ها استقبال میکنند - اینکه محافل رهبری سوسیال فاشیست‌ها را در این باره به اطلاع درآوردیم که اهمیت نیست - کشورها که از حرکت کنند گمان قائل در جنبه‌های فرهنگی خود است به اتفاق با کشورهای فاشیست در راه تمسک روند تئوری زده‌ای و کمونیسم را روند درآورد بگرما طاق جهان مبارز میکنند

نمذی گیهان - امروزه در آستانه تنها محافل اجتماعی روند‌های مردم - بلکه بسیاری از دول هم به جنبه‌های فرهنگی و تئوری زده‌ای پیوسته اند - بدنیال اتحاد شوروی که اندیشه گسترش روند تئوری زده‌ای را در کارها بسیار مطرح کرده - در نظریات بسیاری از کشورهای بزرگ و مختلف آستانه ابتکارها و اصلاحات جدیدی از خود نشان دادند که درآسیا و خارج از آنجا هم بسیار نفوذ یافته - اینک تعداد هر چه بیشتر از کشورهای آسیا تا اهل خود راه صلح و همکاری و حسن همجواری نشان میدهند - در جهان مبارزه در راه تئوری زده‌ای به اهمیت اقدامات عظیمی در راهی ترین سطح افزوده میشود - خود زندگی یک روح ریاضت‌انگیز و اجداد مصلح سلیم را به درک فرزند تئوریک مساهلی جهت تعلیم و تقویت و گسترش پیوسته کامیاب تئوری در کارها آسیا مختلف نماید - در این زمینه اندیشه برقراری سیستم امنیت بین‌المللی فاشیست مساهلی جنبه اهمیت خود ای کسب میکند - در این سیستم هم کشورهای تازه بدون استثنا می‌توانند شرکت داشته باشند - این خود به هر یک از آنها امکان میدهد برای موجودیت مستقل و استقلال می‌توانند استقلال خود تعیین بین المللی آنها را بخشی بوجود آورند - پیمان همکاری کشورهای اروپا در همکاری و همکاری در مقابل و همین اندیشه امنیت جسمی در کارها آسیا با خوش بینی افراشی خلق میشود - تمام اقداماتی که دولت سوسیالیستی هند را در اتحاد شوروی برای تحقق این اندیشه انجام میدهد - انبیا هم خواهد آید - صلح است -

دولت‌ها چنانکه بپوشند (مفروضات در باره ایران صلح و همکاری سازش‌ها)

امروزه باید در یک خوان در باره راه‌های ممکن تحقق این اندیشه شریک شدن گفت - من تصور میکنم که اگر دولت و جناح پیوند جانبه نمایندگان کشورهای آسیا به منظور رسیدن به تظاهرات و تظاهرات برپا شود بیشتر به مسئله امنیت و همکاری می‌تواند آفرین برای این کار باشد - بیشتر می‌تواند در این باره برپا شود به یاری این امر که میکند نیروی که برخی از کشورهای آسیا به عنوان پیمان همکاری بین‌المللی کرده اند - اینگونه سیاست خود را با کشورهای همسایه می‌کنند و روابط نزدیکی با دیگر کشورهای آسیا برقرار می‌کنند - در این زمینه هم به عمل آورده اند - همه هواداران پیغمبر صلح در باره مایه این مطلب توجه دارند که کامیابی مبارزه با فاشیسم و کمونیسم زده‌ای و صلح با آسیا در این کشورهای سوسیالیستی و کشورهای در حال رشد بستگی زیادی ندارد - رشد و تکامل و استحکام روز افزون این کشورهای به تنهایی از شرایط لازم بومی پیشرفت اقتصادی و استمرات پیشین امنیت

بلکه داخل مستقیم صلح درآسیا و بگرما طاق جهان هم پشمار می‌آید

مادر هند در همه اقدامات بین المللی جهت جلوگیری از سلب استقلال و آزادی و گنجان کردن در سیاست کشورهای ارتجاع و جنگ طلب فعلا نه شرکت میکنیم - در ایالات زاده‌ای من "آسام" و همچنین در ایالات دیگر فعالیت برای جمع آوری اعضا "نریمانه صلح" است که با موفقیت بزرگی در برود - این بیانیه کسبه بزرگان آسامی ترجمه شده بود میان احزاب سیاسی و سازمانهای نهاده ای بخش گردید - همه نویسندگان شخصیت‌های حزبی و سندیکایی - نمایندگان روشنفکران و بخش بزرگی از روشنفکران این اقلیت این بیانیه را امضا کردند - همه اینها نشان دهنده علاقه و تمایل مردم مایه صلح است -

صناعات و زراعت (معامله زبرد دولت جمهوری در مبارزات خود ای لافوس)

سیاست صلح کشورهای دموکراتیک و ترغیب خواه کشورهای آسیا طرفداران هستند با عدم فعالیت و مبارزه (پاسیفیسم) هیچگونه پیوستگی ندارند - هنگامیکه امپریالیسم امریکایی در کارهای دست زده خلفای اصلاح برد دست تجاوز را دفع کردند - چنانکه اندام این نوع مبارزه از جانب کشورهای سوسیالیستی و هم محافل ترغیب خواه و صلح دوست که بسیار از راه آزادی با گذشتار کردن از خود باری می‌مانند با تمام کامل خلق میشود - خلق لائوس از روی تجربه سه سال دیگر طریق امپریالیسم که ۲۰ سال آنرا دست در برابر تجاوز ایالات متحده امریکاییه - به این امر آگاهی یافت - اما چنگ هدف اصلی مانده است - ماهیچه در راه صلح عادلانه می‌کشند - احترام به اصول استقلال - حق خاکشتر ملی - احتیاج از کار کردن نیروی تولید به کار بردن آن روابط اصول همزیستی سلامت آمیز از شرایط لازم برای چنین صلحی است - کشورهای سوسیالیستی که اکنون لائوس را زده‌ده هم به جرگه آنها پیوسته - همواره در این امر متوجه بوده اند - امروزه فعلا نه می‌کشیم اصولی را که یاد آور شدیم در مبارزات مناسبات خود با کشورهای همجوارشان کشورهای آسیا تحقق بخشیم - رعایت تقدیر این اصول مطمئن‌ترین راه گسترش و خاتم زده‌ای در کاره آسیاست -

بوزش

منا سقانه با انجام کوششی که برای جلوگیری از پیدایش اشتباهات چاپی در ضمن مقاله‌های مجله "مسائل بین المللی" بعمل می‌آید - در رد و شماره گذشته خط‌های چاپی و نارسانه‌های رخ داده است که بدینوسیله از خوانندگان گرامی بوزش طلبیم -

مجله "مسائل بین‌المللی" که هر دو ماه یکبار انتشار می‌یابد، نه تفریح مسائل شوریک و سیاسی جنبش جهانی کارگری اختصاص دارد.

مبتدیان این مجله از میان مقالات مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" که نشریه شوریک و اطلاعاتی اجزای حکومت و کارگری و منعکس کننده نظریات و اندیشه های آگانت، انتخاب و ترجمه می‌شود.

در این شماره منتخبی از مقالات شماره های ۵ و ۶ (مه - ژوئن) سال ۱۹۷۷ مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" نیاب رسیده است.

هیئت تحریریه و شورای تحریریه مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" از نمایندگان اجزای کمونیست و کارگری کشورهای زیر ترکیب می‌شود:

اتحاد شوروی، اتریش، اردن، آرژانتین، آسیایه، اسرائیل، جمهوری آذربایجان، الجزیره، جمهوری دموکراتیک آلمان، جمهوری فنلاند، آلمان، اندونزی، اوروگوئه، ایالات متحده آمریکا، ایتالیا، ایران، ایرلند، برزیل، بریتانیای کبیر، بلغارستان، بلوی، پاراگوئه، پاناما، پرتغال، پسر، پیکسواکی، دانمارک، رومانی، ژاپن، سنگال، سوریه، سوئد، سوئدان، هلی، عراق، فرانسه، فنلاند، فیلیپین، قبرس، کالدا، کلمبیا، کواتالا، لبنان، لوکسزامبورگ، لهستان، مجارستان، مولستان، مکزیک، ونزوئلا، هندوراس، هندوستان، یونان.

www.iran-archive.com

خوانندگان عزیز!
 باین نشانی با ما مکاتبه کنید:
 P. B. 49634
 10028 Stockholm 49
 Sweden

شماره حساب بانکی جدید مجله
 "مسائل بین‌المللی":
 Berlin
 Deutsche
 Außenhandelsbank A. G.
 Konto-Nr. 9608-3131-0010